

## در صفحات دیگر این شماره:

- جراحزب دمکرات ۶ تن از بیشمرگان بیکار را خلع سلاح میکند؟ صفحه ۵
- هشدار درباره بیکارگران اسیر صفحه ۸
- لیبرالها و بازگشائی دانشگاهها صفحه ۱۱
- راهیمنائی زحمتکشان بهبان در اعتراض به گرانی صفحه ۱۶
- "زمان نینا": اثری از گنجینه رئالیسم سوسیالیستی صفحه ۲۱
- و لخرجی ۷۰۰ هزار تومانی در هتل هیلتون! صفحه ۳۱



**اطلاعیه وحدت  
با گروه انقلابیون  
مارکسیست-لنینیست  
(بیکار خلق)**

پس از یک دوره مبارزه ایدئولوژیک نسبتاً طولانی، سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (بیکار خلق) وحدت نموده و رفقای بیکار خلق بر اساس منشور کنگره دوم سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در این سازمان ادغام شدند. بقیه در صفحه ۱۵

## دمکراسی انقلابی چیست؟

صفحه ۱۳



گزارشی از نظرات دانشجویان و دانش آموزان بیکار در دانشجویی مبارز، به یاری توده‌ها، سنگر خود را بگشا!

صفحه ۷

## سرمقاله

## ۲۳ دی: بازگشایی سنگر خوبین دانشگاه

فردا ۲۳ دیماه، سالروز پیروزی جنبش دانشجویی و تحمن استادان مبارز و مترقی و گشوده شدن دانشگاه بدست توده‌های انقلابی دانشجویی است. دو سال پیش در چنین روزی، رژیم شاه و دولت بختیار در برابر مبارزات و نظرات حماسه آمیز دانشجویان انقلابی و کمونیست و تحمن طولانی مدت استادان مترقی و مبارز در دبیرخانه مرکزی دانشگاه و سپس در وزارت علوم (که طی آن رفیق شهید استاد کمران نجات‌اللهی بشهادت رسید) و مهمتراز همه در برابر جنبش توفنده توده‌ها، ناچار به عقب نشینی شده و دانشگاهها، این سنگر آزادیخواهی و مبارزه ضد امپریالیستی، بروی دانشجویان و توده‌های تشنه آگاهی گشوده گردید و همچون گذشته بصورت مرکز فعالیت سیاسی و تجمع دانشجویان مبارز و انقلابی و زحمتکشان آگاه کشورمان درآمده و ما نظور که شاهد بودیم دانشگاه، چه در مقطع قیام و چه پس از آن، بعنوان قلب تپنده و همیشه زنده جنبش انقلابی و فدا مپریا - لیستی و بعنوان پشتیبان وفادار کارگران و زحمتکشان، نقش خود را بنحویر جسته ای ایفا نمود. بقیه در صفحه ۲

## مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی

صفحه ۵

اطلاعه کمیته خوزستان:  
**پیام به کارکنان  
جنگ زده صنعت نفت**

صفحه ۳

## کیفرخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

در این شماره:  
**بنی صدر - رجائی**

صفحه ۹

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

## بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ...

اما رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران جهل و تاریکی که با فعالیت سیاسی دانشجویان انقلابی و کمونیست و نقش آگاهان نگاهها حیات خود را در خطر میدید، از همان فردای قیام و در کنا سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد و ترکمن و سرکوب اعتمادات و تحمّن های کارگران شاغل و بیکار، حمله به دانشگاهها و جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی را آغاز نمودند و ابلهان تصور کردند که میتوانند از این طریق، دانشگاهها، این قلب پرتیش جنبش را از حرکت باز دارند و از بیوند این جنبش انقلابی بسا جنبش توده های جلوگیری کنند. لیکن هر بار به تکیه و مقاومت دلیرانه دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی، تمامی توطئه های رژیم جمهوری اسلامی و اقدامات سرکوبگرانه آن به شکست انجام میدود! دانشجویان انقلابی، بتدریج دامنه مبارزه خود را هر چه بیشتر گسترش داده و با تکیه بر حفظ دستاوردهای حاصله از قیام توده ها و دفاع از آزادی فعالیت سیاسی، نقش وسیعتری را در آگاه ساختن توده ها و پیوند با جنبش توده ای ایفا نمایند.

در اوایل سال جاری و در شرایطی که جنبش توده ای در گوشه و کنار کشور مست رو به رشد خود را آغاز کرده و جنبش خلق کرد، شکست فاحشی را بر ارتش دشمن وارد ساخته بود، رژیم جمهوری اسلامی به بیانه عوام فریبانه "انقلاب فرهنگی" یورش ارتجاعی خویش را در مقیاس وسیعی علیه دانشگاه و جنبش انقلابی دانشجویی آغاز نمود و با کشتار و سرکوب مقاومت حماسه آفرین دانشجویان رزمنده دانشگاهها و در اول اردیبهشت ۵۹ و اشغال دفاتر دانشجویی تشکلات کمونیستی، اقدام به تعطیل دانشگاهها نمود.

بمجرد تعطیل دانشگاهها، دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی که هدفی جز آگاه ساختن توده ها و پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی با جنبش توده ای نداشتند، بسا پشتکار قابل تحسینی، هر کجایه و خیابان را تبدیل به یک دانشگاه نمودند و بسا به بیگانه ی انقلاب، وظیفه فروش نشریات انقلابی و کمونیستی آگاه ساختن توده ها و افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را بر عهده گرفتند و در برابر تمام فشارها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم، شجاعانه مقاومت نمودند و هرگونه ضرب و شتم، دستگیری و زندان و شکنجه در راه دفاع از آرمان پرولتاریا و منافع زحمتکشان بجان خریدند.

جنگ ارتجاعی و غیر عادلانه ایران و عراق اگرچه برای یک دوره کوتاه موجب محدودیت فعالیت انقلابی دانشجویان و دانش آموزان گردید و رژیم توانست در سایه این جنگ و بهره برداری عوام فریبانه از آن شرایط خفقان بیشتری را بوجود آورده و از فعالیت سیاسی

دانشجویان و دانش آموزان انقلابی به شدت جلوگیری نماید، ولی شرایط حاکم سرچشمه ما یعنی شرایط اعتدالی انقلابی، حدت یابی مبارزه طبقاتی و رشد و گسترش هر چه بیشتر جنبش توده ای و در همین رابطه افزایش شکاف در "بالا" و "پایین" توانی رژیم ارتجاعی حاکم از سرکوب فشرده و متمرکز انقلاب، موجب گردیده تا عرصه های بازهم وسیعتری برای رشد و گسترش جنبش انقلابی و کمونیستی و در این میان جنبش دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی فراهم شود.

درک اصولی نکته فوق در شرایط کنونی، دارای اهمیت بسیار زیادی بوده و نقش مهمی در اتخاذ تاکتیک و شیوه برخورد نیروهای انقلابی و کمونیستی با جنبش توده ای و از آن میان جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی و چگونگی رودررویی با اقدامات سرکوبگرانه رژیم خواهد داشت. ما اکنون با راه و بدرستی روی ایسن مسئله تا کیداشته ایم که قیام مشکوهند به مناسبت ۵۷، اگرچه بخاطر نبود صف مستقل پرولتاریا و ستاد رزمنده آن، نتوانست منجر به حاکمیت کارگران و زحمتکشان و نابودی سلطه امپریالیسم از ایران شود و در همین رابطه موجب قدرت یابی بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی گردید، ولی این بهیچوجه بمعنای شکست انقلاب و سرکوب قطعی آن توسط امپریالیسم و ارتجاع داخلی نبوده و به همین دلیل از همان فردای قیام تا به امروز، علیرغم تمامی کوششها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و علیرغم غمناک شدن سطح آگاهی توده ها و در همین رابطه توهم شدید آنها نسبت به هئیت حاکمه جنبش توده ای دچار رکود و توقف نگردیده و هر روز که میگذرد اعتلا و رشد و گسترش بیشتری مینماید.

بدون تردید شرایط اعتدالی، تاکتیک خاص خود را می طلبد و این تاکتیک همانا تاکتیک تعرضی و تهاجم سیاسی و تحقیر دستگا سرکوب و تمام قید و بندها می است که رژیم در مقابل بسا جنبش توده ای قرار میدهد، برخلاف دوران رکود که با بدتاکتیک عقب نشینی را مورد توجه قرار داد، در دوران اعتدالی، هرگونه کم توجهی بسا تاکتیک تعرضی و تهاجم سیاسی، بمعنی رها کردن انقلاب و ضربه پذیر ساختن آن در برابر تهاجمات و ضربات دشمن و تها بیتا شکست انقلاب مینماید. در دوران اعتدالی، وظیفه نیروهای انقلابی عبارت خواهد بود از ارتقا سطح شعارهای جنبش کارگری و توده ای (اعم از صنفی و سیاسی) از یکسو و اتخاذ تاکتیک تعرضی بجای تاکتیک عقب نشینی از سوی دیگر.

اتخاذ تاکتیک مقاومت در برابر اشغال و تعطیل دانشگاهها در اردیبهشت ماه ۵۹، برپا ساختن تظاهرات و راه پیمایی های پس از آن،

مرز بندی قاطع با جریان تاپورتونستی و تسلیم طلبی چون فدایشان و دیگر نیروهای منززل که ما را متهم به چپ روی و ایجاد جو تشنج میکردند، مقاومت مسلحانه در کردستان و ایستادگی در برابر یورش مسلحانه ارتجاع و دفاع از دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد، تکیه روی استفاده حداکثر از شرایط و امکانات علنی بخش و تبلیغ، برپایی تظاهرات موضعی و سراسری، دامنه زدن و دادن خلعت تعرضی به اعتمادات کارگری و جنبش اعتراضی و آرگان و زحمتکشان مناطق جنگ زده و طرح شعارهای انقلابی در تمامی این موارد، همه و همه در ارتباط با تحلیل و درک ما از شرایط کنونی جامعه و اعتدالی انقلابی موجود چشم انداز جنگ داخلی قرار داده و دارد.

طرح شعارها و اتخاذ تاکتیکهای جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی، مینمایست مبنی بر تحلیل و رهنمود فوق صورت گیرد و این نکته ای است که باید دقیقاً مورد توجه دانشجویان و دانش آموزان کمونیست عموماً و سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار خصوصاً قرار گیرد. با توجه به چنین تحلیل و درکی، هم اکنون در چرخه رچوب جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی، مبارزه در جهت کسب آزادی فعالیت سیاسی و بازگشایی سنگردانگاهها، دو شعار اساسی و محوری است که با بیداری و سازمان دانشجویان و دانش آموزان کمونیست، بمیان توده های دانشجویان و دانش آموزان و هم چنین توده های زحمتکش برده شده و در باره آن تبلیغ وسیع صورت گیرد مهمترین ابزاری که با ید در خدمت این تبلیغ، بویژه در میان زحمتکشان و جلب پشتیبانی و حمایت آنها از این خواسته ها قرار گیرد، سازمان تظاهرات سراسری است. برپایی این تظاهرات، در شرایطی که کارگران و زحمتکشان در مبارزه خود با رژیم، به فتح سنگرهای جدید و گسترش هر چه بیشتر انقلاب مشغولند، نه تنها نقش برجسته ای در باره بردن آگاهی سیاسی و روحیه رزمنده توده های دانشجویان و دانش آموزان خواهد داشت، بلکه بیش از هر وسیله دیگری امکان افزایش وسیع رژیم جمهوری اسلامی، پشتیبانی و حمایت توده های زحمتکش و مبارزان، از خواسته های برحق جنبش و انقلابی دانشجویی و دانش آموزی و پیوند میان این جنبش و جنبش توده ای را تا مین خواهد نمود. بدیهی است که شرط ضروری پیشبرد و تثبیت شعارهای فوق و برگزاری چنین تظاهرات و راه پیمایی ها، می باشد، مبارزه و افشای وسیع برنامها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی از یکسو و افشای و طردن نیروهای روبریونستی و اپورتونستی و مواضع سازشکارانه آنها و همچنین مبارزه ایدئولوژیک با نیروهای ناپیکار

بقیه در صفحه ۲۲

## دانشجوی مبارز، به یاری توده ها، سنگر خود را بگشا!

# جنبش کارگری



## اخبار کوتاه کارگری

### اعتصاب در شرکت پوژبان

بیش از سه ماه است که حقوق کارگران شرکت ساختمانی پوژبان را به بهانه عدم نپرداختن آن، این امر موجب اعتصاب کارگران از تاریخ ۵۹/۹/۲۳ میگردد. کارگران بدترستی میگویند: بر ما به داران زان لوصفت که باعث جنگ شده اند میخوابند تحت پوشش اینکه "مملکت در جنگ است" و "سلام در خطر است"، دستمزدنا چیز ما را بدزدند، و در جواب ما میگویند "پول نداریم" در حالیکه میلیونها تومان خرج توپ و تانک می کنند و نه تنها جنگی نا عادلانه بر راه می اندازند، بلکه ارتش خود را برای کشتار رخلشق قهرمان کرد، میفرستند!

کارگران مبارز پوژبان اعلام میکنند که تا رسیدن به خواسته هایشان به اعتصاب و مبارزه ادامه خواهند داد. خواهستهای کارگران عبارتند از:

- ۱- پرداخت حقوق کامل همه ماهه
- ۲- تعیین تکلیف وضع کارگران انظر استخدام
- ۳- پرداخت حق مسکن، حق خوابگاه و ایاب و ذهاب متناسب
- ۴- تامین بهداشت

### پارس الکتریک:

اخیرا در این کارخانه برای افزایش دستمزد، کارگران دست به اعتصاب میزنند. خواه کارگری که در جریان اعتصاب برای گرفتن حقتان، فعالیت بیشتری میکند، توسط یکی از سرپرستان و یکی از اعضای انجمن اسلامی مورد هجوم قرار میگیرد بطوریکه سرپرست مزدور با چکش به سرخواهر کارگر زده و سورا میزند. کارگران از این اعمال جنایتکارانه نوکران کارفرما به خشم میایند. به همین دلیل کارفرما از ترس خشم کارگران دوازده روز مذکور را یک هفته به مرخصی میفرستد (!) و برای سرکوب اعتراض کارگران خواه کارگر مجروح و سه نفر دیگر از کارگران را اخراج میکند، که بعطالت فشار کارگران هنوز از خراجشان قطعی نشده است. اعتصاب کارگران نیز بعطالت فشار آگاهی و تشکل آنان خاتمه مییابد.

### سپیمان صوفیان

در این کارخانه نیز همچون بسیاری از کارخانجات به بهانه جنگنها خوری کارگران را تعطیل کرده بودند. اما کارگران به مبارزه ای یکپارچه برای بازپس گرفتن حقوق از دست رفته شان، دست زدند که در نتیجه روز ۵۹/۹/۲۳ در یک مجمع عمومی کارگران توانستند با تعامل بشیبه در صفحه ۲۴

## پیام به کارکنان جنگ زده صنعت نفت

نفرا ز کارکنان عملی سازد و پرداخت هرگونه پاداش، سابقه خدمت و مستمری کامل را به آینده و فرصت "مناسب" حواله داده است. کارگران مبارز فراموش نکرده اند که این بار اول نیست که رژیم چینی تلاش را آغاز کرده است، در آغاز جنگ نیز رژیم تصدداشت ۲۰۰۰ نفرا ز کارکنان را اخراج کند که در سایه همبستگی و مقاومت کارکنان مجبور به عقب نشینی شد.

رژیم در حالیکه میبندد پادان زیر آتش خمپاره های رژیم ضد خلقی عراق قرار دارد، دایم اسامی کارکنان را از راديو ميخواهد ندهد که به پادان آمده و به انجام کار خود میادرت کنند. اما هنگامی که این افراد به پادان میروند به آنها میگوید برای شما کاری نیست و میتوانید هفته ای دوبار برای حضور و غیاب به اداره بشاید و با این ترتیب زمینهای لازم را جهت بشیبه در صفحه ۲۳

بیش از ۳ ماه از جنگ غیر عادلانه بین دولت های ارتجاعی ایران و عراق میگذرد. در طی این ۳ ماه آنچه از این جنگ نصیب زحمتکشان ما شده بجز آوارگی و تشدید فقر و گرانگی چیزی دیگری نبوده و در آینه هم نخواهد بود. این بار رژیم سوسی کرده است به بهانه جنگ با عراق هرگونه فریب دهنده طلبکاران را با زدن مارک "فدا انقلابی" خاموش سازد.

اکنون بتدریج آثار شوم جنگ هر چه بیشتر عیان میشود و بقول معروف "هر دم از این باغ بری میرسد، تازه تر از تازه تری میرسد"، ابتدا با لابردن قیمت بنزین، جیره بندی کردن کالاهای ضروری مردم، کم کردن حقوق کارکنان دولت، افزایش ساعات کار روزانه و حالا با زنجشکی اجباری بدون پرداخت سابقه خدمت و مستمری کامل یعنی مردن از گرسنگی.

رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد این تصمیم را در صنعت نفت با باز نشسته کردن حدود ۲۰۰۰

## تحصن کارکنان جنگ زده صنعت نفت در تهران و خواسته هایشان

متحصن میشوند. ساعت سه بعد از ظهر ساختمان به محاصره پاداران سرخا به درمی آید که به کنترل رفت و آمد میپردازند. رژیم برای شکستن تحصن کارکنان مبارزان، از یک سو وسیله پاداران خود به تهدید می پردازد و از سوی دیگر با فرستادن دو نفرا از طرف وزارت کشور که برای کارکنان دل سوزی میگردند، آنان را از گزینگی "میتراشد در طول شب تا صبح عوامل رژیم به انواع اعمال فشار بر علیه کارکنان صنعت نفت دست میزنند (قطع شوفاژ، قطع برق و...) صبح پاداران سرخا به آمد و نیم ساعت به کارکنان برای ترک محل مهلت میدهند. در تماسی که کارکنان با دفتر امام میگیرند، دفتر ما آنها را "فدا انقلاب" میخواند! سرانجام مناسبتی که کارکنان را علیه مخالفت عده ای از کارکنان، اعلام میکنند که برای نشان دادن حسن نیت خود تحصن را می بشیبه در صفحه ۲۴

روز ۱۰/۶/۵۹ بیش از ۵۰۰ نفرا ز کارکنان صنعت نفت جنوب به همراه تعدادی از اعضای خانواده هایشان که بر اثر جنگ ارتجاعی کنونی آواره شده اند در دفتر مرکزی شرکت نفت در تهران، اجتماع میکنند. آنها با راه به مقامات رژیم جهت رسیدگی به خواسته هایشان مراجعه کرده بودند اما جز سردانیدن نتیجه ای نگرفته بودند کارکنان مبارز در اجتماع مذکور به افشای ماهیت جنگ و خیرات آن برای زحمتکشان دست زده و سپس دستجمعی بسراغ مسئولین رفتند. اما کسی را نیا فتند! بالاخره تصمیم گرفتند نزد رئیس دفتر وزیر نفت که در ساختمان خیابان ویلا بود، بروند. لذا با انجام راهیما شی بدان محل رفتند و علی رغم مقاومت ما مورسین وارد محل رئیس دفتر وزیر شدند. این مزدور رژیم ما مشاهده کارکنان خشمگین، خود را هیچکاره معرفی میکند اما کارکنان که قبلا سخنان تهدید آمیزش را شنیده بودند و اگر کارکنان گرفتند و در محصل

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



## تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسیم (۱۲)

### ج- انواع تبلیغ

#### ۲. انواع تبلیغ در ارتباط با درک اساسی ترین نیاز توده‌ها

در ارتباط با قانون دوم تبلیغ و مشخصه منتج از آن (بموقع بودن تبلیغ) در واقع میتوان گفت که بجز انواع مشخص و تنبیک تبلیغ انواع بشماره دیگر تبلیغ نیز وجود دارد چرا که اساسی ترین نیازهای توده‌ها در شرایط جداگانه، متفاوت است و از آنجا که با بستگی سموع به آنها برخورد کرد، طبیعی است هشاری و استکار کمونیستی میتواند انواع جدیدی از تبلیغ را ابداع نماید. این هشاری و زیرکی در انتخاب انواع تبلیغات مناسب جدید - منطبق با هر شرایط و نیازهای مشخص روز توده - ها، مینماید به توده‌های نرسدن محتوای تبلیغ و جذب توده‌های و غیرتوسمی تبلیغات مابسیار و بسیار برای نماید. تعیین مناسب انواع تبلیغات با نیازهای اساسی متفاوت توده‌ها، حتی بگونه‌ای است که آن انواع تبلیغ که تا دیروز بسیار روسیا رموشر بودند، امروز دیگر با بدجای خود را به انواع دیگر تبدیل کرده‌اند چرا که شرایط تغییر کرده است بدین ترتیب که مثلاً اگر تا دیروز نظاهرات خیابانی مناسب ترین نوع تبلیغ بود امروز مثلاً نشانه‌های خیابانی و یا مشاور بر سرچرا راه گرفته‌اند تبلیغ بسیار موشر مینامند...

بدین ترتیب، تنها و تنها استفاده از انواع کلاسیک تبلیغ (تراکت، اعلامیه و...) که باستی حتما و حتما بطریق خستکی ناپذیری همیشه و بسا در یادها مکتوب (و عدم استفاده از انواع تبلیغی که با شرایط نوین میتواند منطبق گردد، از کار آرائی تبلیغ می‌کاهد. در اینجا نمی‌توان فرمولی برای بافتن انواع مناسب تبلیغ منطبق با شرایط گوناگون، ارائه داد. تنها میتوان به چند نمونه، مناسب اشاره کرد فرض می‌کنیم مسئله شکنجه و زندانیان سیاسی، مسئله اساسی روز توده‌هاست علاوه بر بخش انتشارات گوناگون، مثلا شرایط در شهر آمل بگونه‌ای فراهم شده است که پس از دستگیری توده‌ای از انقلابیون توده‌ها آمادگی فراوانی برای دفاع از زندانیان سیاسی از خود نشان

میدهند. در اینجا یک گروه با ۴ نفره میتواند یک نشانه ترخانی بسیار ساده برای نشان دادن آنچه که در زندانیان رژیم سرانقلابیون می‌آورند، بر راه‌اندازند و پیش‌پشت توده‌ها را برانگیزد. نشان دادن زنده - شلاق زدن، شکنجه، توهین میتواند در تجمیع توده‌ها بسیار مؤثر شود و با فرس میکنند هنگام انتخابات است و ما باید به شعرا مشخص در این انتخابات

تفاوت مثلا در ذکر اخبار در این دو نوع نشریه متفاوت بدین صورت جلوه‌گر میشود که ذکر یک خبر و واقعه محلی با تمام جزئیاتش در نشریه محلی یا فا بیک می‌آید، در حالی که در ارگان مرکزی تنها وقایع مهم در ابعاد سراسر کشور طرح میگردد و یا بحثهای سیاسی و ایدئولوژیک بشیوه‌های متفاوت ارائه میگردد... نکته موردتاکید در اینجا اینست که توده‌های متوسط و عقب مانده در جوامع طبقاتی بخش اعظم توده را تشکیل میدهد. عدم تبلیغ در میان این توده - های وسیع با مناسب ترین انواع و اشکال ممکن آنها را میتواند به آلت دست ضد انقلاب بدل سازد. البته کار در میان این توده‌ها با بستگی با شرایط خاصی انجام گیرد، مثلا با استفاده از هنر، تفریحات سالم، ورزش، تئاتر - گذاری با اخلاق پرولتری و... میتوان انواع مناسب تبلیغ برای این توده‌ها را ابداع کرد. در داستان "چگونه فولاد آبدیده شد" با طریمی - آوریم که چگونه پول گورچاکین با اکوردشون

**ماد را انتخاب انواع تبلیغ نیز، بدنیال عواطف هست توده‌ها نمی‌افتیم تنها و تنها از انواع استفاده میکنیم که بیان کنند اصولیت سترگ مارکسیسم - لنینیسیم است. انواعی که در خدمت بیان حقایق روشن و خدشه ناپذیر هستی است. انواع سوزناکی تبلیغ هرگز نمی‌تواند، قالبی برای بیان حقایق باشد.**

شرکت میکنیم راه انداختن کارناوالی از ده اتومبیل که پلاکاردهای حاوی این شعارها را بر روی آن آویخته اند و با حرکت توام ده نفر از رفقا که این شعارها را بصورت پرچی با خود حمل میکنند بسیار جلب کننده و جالب است یا مثلا بینکاره اتفاقی در محل می افتد و توده‌ها جمع میشوند و در آن صحت میکنند با تکرار بموقع یک رقص یعنی رفتن به بلندی و معطوف کردن توجه توده‌ها به خود و سخنرانی مناسب در - باره آن یعنی در حقیقت تشکیل یک میتینگ خیابانی، بسیار میتواند مؤثر باشد. ساختن یک سرود جالب و با طریح یک لطیفه توده گیر در مورد اساسی ترین مسائل توده‌ها، بخش وسیع یک کارت پستال، دکمه، مدال و... حاوی شعار مناسب برای یک مسئله اساسی روز توده‌ها نیز میتواند از انواع تبلیغ بحساب آید. البته هشاری و پرولتری میتواند، ابداع کننده مناسب ترین انواع جدید تبلیغ باشد.

#### ۳- انواع تبلیغ در ارتباط با در آمیختن با توده‌های وسیع

طبیعی است، انواع تبلیغ در ارتباط با اقشار متفاوت توده‌ها (پیشرو - میانی و عقب - مانده که در مورد آن در قانون سوم تبلیغ سخن گفتیم) متفاوت است مثلا ارکان مرکزی به توده‌های پیشرو واحدی به توده‌های میانی تعلق دارد، در حالی که نشریات محلی یا فا بیک به توده‌های میانی و تا حدودی عقب مانده تعلق دارد. طبیعی است عدم درک این تفاوت میتواند انحرافات اساسی را در بر داشته باشد. این

سحرآمیز در دل دهقانان جوان خانه میگردد و آنها را که تا در مجلس جشن بیرون می رفتند با کتابهای کمونیستی همراه میگردد و بدین - ترتیب جوانانی که ابتدا مجذوب آکوردشون باول شده بودند، بسوی بلشویسم کشیده شده و پس از کار سیاسی - ایدئولوژیک به کومسول (سازمان جوانان بلشویک) مینویسند و کهنوردی - کردش روز تفریح، احیاء تعاونها با فروش کالاها به قیمت ارزانتر، تبلیغ بر روی افراد خاصی از تشکیلات که دارای ویژگیهای ایدئولوژیک خاصی هستند که برای توده‌ها ایجاد اعتماد میکند، نوارهای موسیقی و سرود توجه به فولکلور توده‌ها و... و انواع ابتکاری دیگر میتواند بسیار مؤثر باشد. "لنین در اهمیت تا نشر سرود - های انقلابی در توده‌ها و اهمیت اشعار آن بعنوان انرژی مؤثر در تبلیغ کمونیستی در مقاله خود بنام: "تکا مل سرودهای گروهی (گر) کارگران در آلمان" میگوید:

ترانه‌های انقلابی کارگران را به یکدیگر نزدیکتر و متحد و هم آهنگ ساخته و در آنها ذوق و احساس و روحیه انقلابی می‌آفریند. با استناد به گفتار رهبروا هی زحمتکشان در میتینگها و جلسات، نما پشها و اردوها، کردهم - آشی‌ها و حتی در خانه‌ها اجرا و ایفای نغمه‌ها و ترانه سرودهای انقلابی اهمیت شایانی دارد. به همین جهت نیز لنین در روسیه آفرینش سرودها و ترانه‌های دسته جمعی را از فعالیتها ی انقلابی و کارگری لازم می‌شمرد. (۱)

بشمه در صفحه ۲۴

# خلق ها و مسئله ملی



## چرا حزب دمکرات ۶ تن از پیشمرگان پیکار را خلع سلاح میکنند؟

حزب دمکرات در پی اقدامات ضد انقلابی خود مبنی بر خلع سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی، اخیراً به خلع سلاح ۶ تن از پیشمرگان سازمان ما اقدام نمود. کمیته کردستان سازمان ما در این مورد اعلامیه ای منتشر کرده است که ما قسمتها بی آنرا در اینجا می آوریم:

مدتی است که حزب دمکرات با دادن اعلامیه و ایجا فضای رعب و تحریک به تهدید نیروهای انقلابی در کردستان میپردازد. تاکنون نیز چندین بار اقدام به خلع سلاح نیروهای انقلابی کرده است در ادامه همین سیاست که مستقیماً منافع جنبش مقاومت و توده های انقلابی و آگاه خلق کرد را در معرض تهدید و مخاطر قرار داده است، افراد حزب دمکرات اقدام به خلع سلاح یکدسته از پیشمرگان سازمان ما کردند. . . . جریان خلع سلاح ۶ تن از پیشمرگان سازمان ما توسط حزب دمکرات به این ترتیب بود که:

بعداً ظهر روز ۵۹/۹/۳۰ ۶ تن از پیشمرگان پیکار برای بازدید و کنترل درجاده مها باد - میاندوآب مستقر میگردد، بعداً زمدتی بیگ دستگاه ما شین رنجور گل آلود که شنا سایی آن دشوار بوده از آن محل میگردد. سر نشینان رنجور یکی از مسئولین و تعدادی از افراد حزب دمکرات بودند رنجور بدون توجه به حضور پیشمرگان پیکار درجاده، همچنان به حرکت خود ادامه میدهند یکی از پیشمرگان مستقر در سنگر نیز برای متوقف کردن رنجور، اقدام به تیراندازی هوایی میکند که ما شین مزبور متوقف میشود. در این میان دو تن از پیشمرگان پیکار که ما مور کنترل جاده بودند برای توضیح خواستن بطرف رنجور حرکت میکنند که افراد حزب دمکرات از رنجور پشیمان شده و شروع به فحاشی و توهین به پیشمرگان میکنند، درحالیکه رفقای ما مغول توضیح دادن جریان به افراد حزب بودند، آنها با پیشمرگان ما گلاویز شده و اسلحه ها پشان را میگیرند.

افراد حزب دمکرات در ادامه حرکتشان ضمن فحاشی شروع به تیراندازی بسوی سنگرهای پیشمرگان میکنند که متقابلاً از جانب رفقای ما، تیراندازی هوایی صورت میگیرد، درحالیکه تمامی گلوله های افراد دمکرات به سنگرها زده میشد رفقای ما به این ترتیب اولان نشان میدهند که بقیه در صفحه ۸

## مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی



### مصاحبه کمیته کردستان سازمان پیکار با شیخ عزالدین حسینی

کمیته کردستان سازمان ما با ما موستا شیخ عزالدین حسینی شخصیت سیاسی - مذهبی خلق کرد ما حبه ای انجام داده است و نقطه نظرات او را در مورد وضعیت کنونی جامعه، جنبش مقاومت خلق کرد، اختلافات هیئت حاکمه و بستگی و... را در نشریه "پیکار کردستان" شماره ۴ منتشر کرده است. آنچه که ملاحظه میکنید خلاصه ای از نقطه نظرات ما موستا شیخ عزالدین حسینی در مورد مسائل جاری ایران میباشد. پیکار کردستان ابتدا از ما موستا پرسید که وضعیت امروز جامعه و جنبش خلقهای ایران را چگونه میبینید و از دیدگاه شما روند آتی مبارزات مردم چه خواهد بود؟

ما موستا جواب داد: "مردم روز بروز بیدار می شوند که این بیداری سبب شده که تضاد در درون هیئت حاکمه بوجود آید که روز بروز آنرا ضعیفتر بقیه در صفحه ۶

## حمله به میتینگ کومله توسط افراد مسلح حزب دمکرات را محکوم میکنیم

انقلابی و توطئه آمیز برای زغرت میگردند. در خاتمه افراد حزب دمکرات در اثر تسبیح شدن مردم و هواداران کومله برای مقابله، به عقب نشینی مجبور شدند و میتینگ پایا نیافت. این اقدام، گوشه ای دیگر از عملکردهای ضد انقلابی حزب دمکرات را در کردستان نشان میدهد. حزب دمکرات در شرایطی که رژیم زهر طرف کردستان را مورد هجوم و حشیا قرار داده به میتینگ حمله میکند، پیشمرگان انقلابی را خلع سلاح میکنند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دهد. اقشای این اقدامات ضد انقلابی و ظیفه کلیه نیروهای انقلابی و مترقی کردستان است در ضمن کومله نیز، طی اعلامیه ای برهم زدن میتینگ، دزدیدن ما شین، قلدری و حمله حزب دمکرات به مردم و پیشمرگان کومله را افشا و محکوم نموده است.

روز ۵۹/۱۰/۵ کومله در شهر بوکان اعلام کرده ساعت ۳ بعداً ظهر در مقابل مقر کومله میتینگ جهت مبارزه با اعتیاد و فساد برگزار خواهد کرد، و در آن در مورد محاسمه نفس از عوامل قاچاق هروئین سخنرانی خواهد شد. یکی از سه نفر مذکور فردی بود بنام "هاشم کچل" که پدر سه تن از پیشمرگان حزب دمکرات میباشد بنا به دعوت رفقای کومله عده کثیری از مردم زحمتکش بوکان جلوفتر کومله اجتماع کردند. اما به محض آغاز سخنرانی یکی از مسئولین کومله، عده ای از افراد مسلح حزب دمکرات به داخل جمعیت آمده و با زورگویی و قلدری قصد برهم زدن میتینگ را داشتند. آنها ضمن حمله به مردم یکی از پیشمرگان کومله را کتک زدند. مردم مبارز بوکان در مقابل قلدرمندی افراد حزب دمکرات مقاومت کرده و از این اقدام ضد

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ **مصاحبه** ....

کنند. مردم روز بروز بیدار تر میشوند و فکر میکنند تدریجا این حکومت تغییر خواهد کرد و اگر مردم ایران آگاهانه در مقابل این حکومت مقاومت کنند و آگاهانه با آن برخورد نمایند قطعاً به نفع آنها تمام خواهد شد. ما به آینده بسیار امیدواریم. این اختلافی که حالا در هیئت حاکمه بوجود آمده خودش اهدای این است که این حکومت بسوی سقوط می رود."

شیخ عزالدین سپس در پاسخ به سوال "پیکار کردستان" در مورد بیعت صدر و اختلاف درون هیئت حاکمه گفت:

"مسلم اختلافی که در درون هیئت حاکمه هست بر سر قدرت است نه اینکه یکی از جناحهای هیئت حاکمه خلقی باشد و دیگری ضد خلقی ما هر دو جناح هیئت حاکمه را ضد خلقی میدانیم امروز بیعت صدر از آزادی دم میزند درحالیکه قبلاً خودش ما نند حزب جمهوری اسلامی حرف میزد ما نمی توانیم به حرفهای بنی صدر اعتماد کنیم چرا زاول پیدا بود که بیعت صدر از دیگران بهتر نیست."

آنگاه ما موستا در مورد جنگ ایران و عراق گفت:

"مسلم که این جنگ را غیر عادلانه میدانیم از هر دو طرف. چه هر دو حکومت حکومتهای مرتجع و ضد خلقی هستند و اصلاً نمی توانیم این جنگ را خلقی بدانیم. این جنگ، جنگ دوهیئت حاکمه است که هر دو ضد خلقی هستند. ما این جنگ را محکوم میکنیم و از هیچکدام دفاع نمی کنیم. ما موستا در قسمتی دیگر از سخنانش در این مورد گفت:

"تنها زحمتگشا ایران و عراق از ایمن جنگ زیان خواهند دید و آنها هستند که صدمات این جنگ را تحمل خواهند کرد."

پیکار کردستان پرسید: تا شیر این جنگ را در سطح جامعه چه میدانید؟

ما موستا جواب داد: "مسلم است که این جنگ لطافت زیادی به اقتضای ایران وارد میکند و بحرانهای را در درون کشورهای ایران و عراق بوجود خواهد آورد ولی اگر مردم ایران و عراق هوشیار باشند چون این جنگ منجر به ضعف هر دو حکومت خواهد شد. اگر خودشان واقعا آگاهانه با این مسئله مقابله کنند میتوانند نفع خودشان از این جنگ بهره برداری کنند."

سپس ما موستا در مورد اوضاع جنبش مقاومت و سیرات حرکت آن در قسمتی از سخنانش چنین توضیح داد: "من معتقدم که روز بروز جنبش مقاومت خلقی که عمیق تر و وسیعتر میشود از دو راه یکی اینکه جنبش به میان توده مردم راه یافته و دیگری اینکه جنبش مقاومت خلقی که جدا از جنبش سایر خلقهای ایران نیست که خلسه زدند و بفکر خودش باشد. حال خودش را با سایر خلقهای ایران سهم و در میان رزات شریک می - دانند و به این نتیجه رسیده که هیچیک از خلقهای ایران نمی توانند تنهایی به حق خودشان برسند. با بیعت همه دست به دست هم دهیم. ما جنبش

مقاومت خلقی کردستان را تا جنبش سایر خلقهای ایران میدانیم. روی این اصل است که از خلقهای دیگر انتظار داریم که ما را یاری دهند و از ما پشتیبانی کنند."

پیکار کردستان در مورد وجود جریانات وابسته به بیعت عراق در گوشه و کنار کردستان و سو استفاده نیروهای خائنی همچون حزب توده و سازمان چریکهای (اکثریت) از این مسئله برای تخریب جنبش مقاومت و وابسته قلمداد کردن جنبش از طرف این خائنین نظر ما موستا را پرسید. او ضمن توضیح احوال جنبش مقاومت خلقی و ضرورت مبارزه خلقی که در جهت تحقق آرمانهای خود، چنین گفت: "ما وابستگی را به

## اطلاعیه دفتر

## سید عزالدین حسینی

در باره تذکیر خبر "راد بو صدای آمریکا"

رادبوی امپریالیستی "صدای آمریکا" در برنامه خبری چهارشنبه شب و با مدام در روز پنجشنبه ۵۹/۱۰/۱۱ خود خبری به این مضمون پخش کرد: "رهبران کردستان در نظر دارند که در ۲۲ ژانویه (۲ بهمن) اعلام خود مختاری بنمایند...".

شیخ عزالدین حسینی ... اعلام داشته است که ارتش رها نشیخ ایران که از افسران فراری وابسته به رژیم سابق تکمیل شده است با ما همکاری میکنند ...

دفتر سید عزالدین حسینی لازم میدانم موارد ذیل را در این رابطه به اطلاع هم میهنان مبارز و خلق رزمنده گرد برساند:

۱ - موضوع مربوط به ارتش با مبالغه رها نشیخ ایران و افسران فراری کذب محض بوده و ما موستا و یاران نزدیکان ایشان هیچگاه چنین مطالبی اظهار نداشتند.

۲ - مطالب خیر فوق عمداً طوری بیان شدند که چنان برداشت شود که گویا ما موستا شیخ - عزالدین هم در مسئله شایعه اعلام خود مختاری در ۲ بهمن نظر دو خالته دارند. بدین وسیله اعلام میداریم که ما موستا با موضوع اعلام - اصطلاح چنین خود مختاری ای که افسران از طرف محافل و رادبوی ارتجاعی و امپریالیستی شایع شده است، هیچگونه ارتباطی ندارند.

۳ - خلق قهرمان کرد و کلیه آزادیخواهان ایران که ما هیئت سیاستهای امپریالیسم و عناصر فراری و خود فروخته را بخوبی میشناسند مسلماً میدانند که این خبر در خدمت چه سیاستهایی است و رادبوی ارتجاعی و "رادبوی صدای آمریکا" با پخش این اکاذیب سعی در مخدوش کردن اذهان عمومی نسبت به مبارزه عادلانه خلقی کرد دارند.

۵۹/۱۰/۱۳ دفتر سید عزالدین حسینی

هر شیوه و به هر شکلی که باشد محکوم میکنیم و نمیتوانیم هیچگونه وابستگی را تأیید کنیم ... و قطعاً هر جنبشی که بیروا بستگی به نیروهای ضد خلقی تکیه کند محکوم به شکست است و لوا اینکه آن نیروی را از خلقی کرده ما کند و دشمن مستقیم خلقی کردنیاست ما وابستگی را اساساً قبول نداریم و آنرا رد میکنیم و هر کسی که بسوی وابستگی پیش برود قطعاً با شکست مواجه خواهد شد و اگر قدرت داشته باشد به شکست جنبش منجر خواهد گردید. آنگاه شیخ عزالدین با ردیگر با تاکید و استناد بر روی احوال مردمی جنبش مقاومت، فعالیت نیروهای انقلابی در کردستان و ارتباط جنبش خلقی کردستان با جنبش سراسری ایران چنین نتیجه گرفت: "اگر نیروی وابسته ای وجود داشته باشد قطعاً نمی تواند در جنبش مقاومت خلقی کردستان شریک تعیین کننده داشته باشد و جنبش را آلوده نماید."

ما موستا شیخ عزالدین در پاسخ به سوال پیکار کردستان در مورد استقلال فعالیت او از گروههای سیاسی و روابطش با نیروهای سیاسی فعال در کردستان گفت: "ما با سازمانهایی که در جنبش مقاومت خلقی کرده هستند روابط دوستانه و خوبی داریم و من کافی السابق استقلال خود را حفظ کرده ام و وابسته به هیچ سازمان و هیچ گروه سیاسی نیستم من بعنوان یک شخصیت روحانی مورد اعتماد خلقی کردستان و جنبش مقاومت و در مبارزات خلقی کردستان آنجائی که در توان داشته ام شرکت کرده و میکنم. در این مدت درست است که بعضی از سازمانها روابط نزدیکی با من برقرار نموده اند ولی من وابستگی به هیچ نیروی سیاسی ندارم. این درست است که ما با همه اینها (نیروهای سیاسی) دوست هستیم و هر کسی را که در جنبش خلقی کردستان با ما دوست هستیم تمام نیروهای مترقی در سطح ایران که در مسیر خلق هستند و مبارزه میکنند با دیدگاه خود ما تأیید میکنیم."

در خاتمه پیکار کردستان پرسید: پیغام ما موستا برای خلق کرد و دیگر خلقها و نیروهای انقلابی ایران چیست؟ او در جواب گفت:

"من بدو به خلقهای ایران سلام و درود می - فرستم و از خداوند متعال سعادت آنها را مثلث دارم و پیام من به خلقهای عزیز ایران اینست که هر چند فعلاً ما با تاج و زر زیم بیعت عراق درگیر هستیم ولی نباید ما هیئت دولت را فراموش کنیم و گول هیئت حاکمه را بخوریم چون هیئت حاکمه همان است که در گذشته بود، ما در ضمن اینکه تاج و زر بیعت عراق را محکوم میکنیم به هیچ وجه از هیئت حاکمه پشتیبانی نمی نمایم همان گونه که قبلاً اثار کردیم اختلافاتی که در درون هیئت حاکمه است بر سر قدرت است و در جهت منافع مردم نیست و مردم نباید به هیچکدام اعتماد میکنند و یکی را تا شاید بنمایند. لازم است تذکر بدیم به واسطه اینکه ارتباط ضعیف است اخبار کردستان به خلقهای دیگر ایران آنطور که

بقیه در صفحه ۳۱

## لرستان: تعطیلی مدارس یورش ارتجاع و... شهادت یک دانش آموز

جمهوری اسلامی سنت های ارتجاعی رازنده میکند، روشهای ارتجاعی کلیسای قرون وسطی در مقابل جرته های آکا هی بخش به دستان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بگونه ای دیگر تکرار میگردند. "مکتب" گرایان سرما یه دار و مرتجع که مرگ خود را در آکا هی توده ها می بینند در مقابل دانش آموزان و معلمین مبارز و انقلابی روشهای سرکوبگرانه را پیش می برند. رژیم جمهوری اسلامی به بیانه آمده نبودن مسدود شدن در آغا رسال تحصیلی، از بی زنگشائی آنها در لرستان خود داری کرد و مدارس پرورد هونوز هم تعطیل میباشند. در خرم آباد بعلیرغم "منع صدور احکام با کمازی" که در اثر مبارزه و فشار توده ها و محصلین و معلمین مبارز ما در شده بود نزدیک به ۲۰۰ تن از معلمین متعهد را "اخراج" و سپس اقدام به کشتایش مدارس نمودند و با وجود اعتراض وسیع دانش آموزان، معلمین و خانواده های آنها، رجاشی مرتجع در سفری اقدام روحانی مرتجع "مشکینی" مدیر کل آموزش و پرورش لرستان را تاشد کرد و طبیعی بود که چنین نماید. ما در آن معلمین اخراجی با رها در مقابل آموزش و پرورش اجتماع کردند و در دوپا ردر شهردست به راهبیمائی اعتراضی زدند که البته با یورش و سنگباران او با شان "حزب جمهوری اسلامی" مواجه شدند. در مدارس خرم آباد، ارتجاع، ادا مائه تفتیش عقاید، تفتیش بدنی محصلین و... سر - کوب جنبش دانش آموزی را دنبال میکنند و لسی توده های جوان زندگی را در حرکت مبارزاتی معنی کرده و دست به مقاومت میزنند. دانش - آموزان انقلابی و قهرمان حاضر نیستند معلمین ارتجاعی حزب جمهوری را در کلاسهای خود بپذیرند و دست به مبارزه میزنند. دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه مدیقه رضائی و طلعت - دولتشاهی مبارزه را گسترش میدهند و ارتجاع از روی وحشت و در مانندگی، دبیرستان طلعت... را تعطیل میکنند. روز بعد دانش آموزان این مدرسه در مراجعه به دبیرستان با یورش فالتنها مواجه شده و چند دختر محصل زخمی میشوند. دیورش ارتجاع به منازل آنها سه نفر دستگیر و روز بعد ۱۴۰ نفر از دانش آموزان دومدرسه "اخراج" شده و برای عده زیادی "اخطاریه" صادر میشود! در روز اول دیماه محصلین اخراجی همسراه ما در انشان برای اعتراض به اقدامات ارتجاعی مسئولین به ادارات آموزش و پرورش مراجعه می - کنند که مثل همیشه با او با شان و مزدوران رژیم



مواجه شده و در اثر تیراندازی با سزاران یکی از دختران محصل شدیداً مجروح شده که پس از انتقال به آراک به شهادت میرسد. یک محصل دیگر نیز با گلوله زخمی شده و چند تن از ما در آن نیز زخمی گردیدند.

روزیونیست های فدائی در نقطه مقابل نیروهای انقلابی که در کنارت بوده ها، جنایات ارتجاع را افشا میگردند، در کنارت مرتجعین حزب جمهوری اسلامی قرار داشتند. بی شک یورشهای ارتجاع نمیتواند جنبش توفنده دانش آموزی را از حرکت رو برشد خود باز - دارد.

هر چه گسترده تر باشد جنبش  
او گسترده تر است آموزش انقلابی!

## دانشجوی مبارز، بیاری توده ها سنگر خود را بگشا!

(گزارشی از تظاهرات سازمان دانشجویان  
و دانش آموزان پیکار)

پس از ۹ ماهه که قفل جمهوری اسلامی بر در - های سنگر آزادی، دانشگاه، سنگینی میکند، پس از ۹ ماهه که از انقلاب ضد فرهنگی رژیم میگذرد و در پی خونریزی ددمنشانه ارتجاع، درهای دانشگاه به روی انقلاب و دانشجویان کمونیست و انقلابی بسته مانده است، نبردی انقلابی برای بازگشائی دانشگاه از سر گرفته شده است تا به خواست توده ها و دانشجویان انقلابی قفل های رژیم درهم شکسته شود.

برای پیشبرد مبارزه انقلابی جهت باز - گشائی دانشگاه، سازمان دانشجویان و دانش - آموزان پیکار، عصر چهارشنبه ۵۹/۱۰/۷ ساعت ۴ و ۲۵ دقیقه تظاهراتی ترتیب داد. این تظاهرات از ابتدای خیابان قدس با فریاد اتحاد - مبارزه پیروزی آغاز شد. این شعارهای است که سالها دانشجویان انقلابی در زیر چکمه ها و سر نیزه های دژخیمان رژیم سر - داده بودند و با آن پشت ارتجاع را لرزانده

بودند و اکنون بار دیگر این فریاد همرا با کامیابی استوار و مصمم پیکارگران جوان وطنین - افکن بود. هنوز کلمه مبارزه فریاد دگشده نشده بود که جو سبارها بهم پیوستند، تظاهرات آغاز شد شعله گرم مبارزه توده های انقلابی اطراف دانشگاه را به دور خود جلب کرد و کامیابی آنسان بسوی پیروزی رهسپار گشت، آنان طی راهبیمائی فریاد میزدند: "علیه حزب جمهوری - علیه - لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها - دانشجوی مبارز، به یاری توده ها، سنگر خود را بگشا!" - انقلاب فرهنگی حمله ارتجاع است - تعطیلی دانشگاه خود بهترین گواهاست!" - از قحطی و

کرائی، از جنگ ارتجاعی، مردم به تنگ آمدند! در برابر چنین شعارهای انقلابی، وحشت سروپای خائنین به خلق و روبروییستهای ضد انقلابی را گرفته بود. توده ها و فدائیان اکثریت همچون ما رزخ خورده دست در دست او با شان، قدر رهبران و چاقو کشان رژیم جمهوری اسلامی، "حزب فقط حزب الله" گویان برای پراکندن مغوف مستحکم انقلابیون پیکار رگ - تلات میگردند. اما مشت های یولادین انقلابیون و شعارهای همچون "بهشتی بنی صدر، برای سرکوب خلق، متحد و برابر" در آنها راسجای خود نشانند. حمایت و پشتیبانی مردم، تظاهرات و استقبال شورا نگیز آنها از علامیه ها، تراکتها و نشریات تا زمانیکه بیش از پیش مزدوران ارتجاع و خائنین روبروییست را منزوی کرد و توطئه های آنها را خنثی نمود. با اخره تظاهرات هر کتنگان با شعارهای انقلابی خود در میدان انقلاب متفرق شدند، اما این حرکت آنها، رشد توفان مبارزه برای آزادی دانشگاه این سنگر آزادی، از نیجیر اسارت ارتجاع و امیرالیم را خیر میداد.

## "دانش آموزان انقلابی هر جا که پامی نهند بذر آگاهی میباشند"

دبیرستان پروین در روز ۱۶ آذر شاهد فریاد - های نوید بخش دانش آموزان انقلابی بود و شعارهای آکا هی بخش آنان مدرسه را به لرزه در - آورده بود.

یکی در روز قبل از ۱۶ آذر برای گرامیداشت حماسه آفرینی های دانشجویان انقلابی میهنان دانش آموزان سازمان پیکار با رفقای هوادار وحدت انقلابی، راهکارگر، و رفقای اقلیت در مورد سرنوشت های مشترک صحبت کرده و بعد با هواداران مجاهدین تماس گرفته و متفقاً روز ۱۶ آذر صبح، دانش آموزان را در حیات جمع کرده و

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

## هشدار درباره پیکارگران اسپر

اطلاعات شام نزد هم‌دیما ۱۴ اعلام کرد که ۱۷ تن از هواداران سازمان پیکار در آبان در دستگیر شده‌اند و خبرگزاری پارس نیز در خبری که به سرسراجه‌ها منعکس کرده و از طریق رادیوهای بیگانه و امپریالیستی نیز انعکاس یافت، اعلام کرد که تعدادی از هواداران سازمان ماکه در میان آنها چند پزشک نیز بوده‌اند دستگیر شده‌اند. بدون تردید در میان افرادی که شمار زیادی در سرسراجه‌ها و نیز خویشاوندان و بجموعاً لیت سیاسی و دفاع از منافع توده‌ها دستگیر می‌شوند افرادی از سازمان ما نیز به ساروت درآمده‌اند (هرچند خبر آن را مثل اینبار با گزارش‌های گشتی و هوجی گری نقل کرده‌اند) اما رژیم کروزسروز در نزد توده‌ها رسوا تر می‌شود، از فعالیت افشاگرانه و آگاهانه نیروهای انقلابی بسیار وحشت زده گردیده و بدین ترتیب با ایجاد جو خفقان، زندان، شکنجه و تیرباران به مصاف انقلابیون می‌شود. بدین ترتیب برای تیرش جناياتش در مورد انقلابیون و بخصوص کمونیست‌ها، آنها را مزدوران بیگانه می‌نامد. آخر رژیم جمهوری اسلامی در سهای زیادی از رژیم‌ها هاشن آموخته است. شاه جلاد نیز انقلابیون را "مزدور بیگانه" "خرابکار" و "میدان میداو موز رژیم‌ها کام، بی‌شرمانه به ما چنین تهمت‌های ناروایی می‌بندد. سازمان ما که زدل ظلمت‌های خونین سالهای گذشته جوان زده و ریشه‌ها عمیق فشرده است و همچنان بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر بسوی نور، بسوی آزادی و رهایی کارگران و زحمتکشان را هکشوده و هرگز در برابر امپریالیسم و ارتجاع حتی اندیشه تسلیم بخود راه نداده است، امروز در معرض توهین فرومانیگانی است که در سالهای حاکمیت رژیم شاه خاشن، جزخیانست و کرش، نقیبه، خودگی، و باس و سریدو رکوفتن و در بهترین حالت مبارزه سوداگرا نه‌ای به امید "بهشت"، کاری نداشته‌اند. در زمان شاه خلق‌های قهرمان ما خود دیدند که مزدور بیگانه کیست، امروز نیز توده‌ها روز بروز بیشتر در می‌یابند که چگونه بهشتی‌ها و بازرگان‌ها سر در آخور سفارت آمریکا داشته‌اند و اینک که نزد توده‌ها توسط انقلابیون بخاطر جنایاتشان در سرکوب انقلاب و بازاری سرمایه‌داری وابسته رسوا می‌شوند، اینچنین به حربه کهنه شاه‌ها شن پناه برده‌اند، ما روشن است در پس‌الظلمات رژیم در مورد پیکارگران اسپر یک توطئه است جنايتکارانه شفته است. و از همین روم از همه نیروهای انقلابی و کمونیست می‌خواهیم که در مقابل توطئه‌های جمهوری اسلامی در مورد پیکارگران اسپر ساکت نشینند و ضمن افشای توطئه اخیر جمهوری اسلامی هم‌داستان ما در جهت آزادی آنان و دیگر کمونیست‌ها و انقلابیون بکوشند.

### بقيه از صفحه ۵ جراحی حزب ...

به هیچ عنوان حاضر به خلع سلاح نیستند، تا نیا از بی‌شوری "دمکراتها" بیست سنگرها جلوگیری بعمل می‌آورند. "دمکراتها" که مقامات پیشمرگان پیکار را می‌بینند، یکی از رفقا را که خلع سلاح شده بود به زمین زده و او را تهدید به اعدام می‌کنند، که پیشمرگان بعد از مدتی مقاومت، برای اینکه مسئله را از طریق صحبت حل و فصل کنند و از کشتار جلوگیری نمایند از سنگرخارج می‌شوند که افراد حزب به جلوی پای آنها تیراندازی می‌کنند که در اثر آن یکی از رفقای ما مجروح می‌گردد. بدینحال این جریان افراد حزب دمکرات با پیشمرگان درگیر شده و به زور اسلحه پیشمرگان را از دست آنها خارج می‌کنند. مسئول حزب دمکرات نیز، بعد از توهین به مسئول دسته میگوید: "مگر نمی‌دانید که مسئولیت اجرایی به دست ماست و شما حق ندارید دخالت کنید؟"

"حزب‌ها" بعد از گرفتن سلاحها سوار بر ماشین شده و می‌روند. بعد از این جریان بلافاصله مسئولین سازمان برای صحبت در مورد این جریان با حزب دمکرات تماس گرفتند. مسئول سازمان در این تماس خطاب به مسئولین سیاسی تشکیلاتی آنها با بد حزب دمکرات گفت: "ما حرکت حزب دمکرات را در رابطه با خلع سلاح پیشمرگان سازمان ما عملی غیر اصولی میدانیم. موضوع ما در قبالتها هم هیربولی، مقامت تا آخرین فشنگ است. ما این عمل حزب دمکرات را محکوم کرده و افشا می‌کنیم." و مسئولین حزب دمکرات جواب این حزب طرح می‌شود که می‌کنند فریب مسئول در مقابل موضع قاطع سازمان ما را در قبالت مسئله، "مسئولیت اجرایی امور منطقه" بیان می‌کنند بعد از این مذاکره ملاحظاتی پیشمرگان پیکار در تاریخ ۵۹/۱۰/۴ با زپس داده می‌شود.

### خلق دلاور کرد، هم‌پیمانان ما را!

جریان فوق، نشان‌دهنده این واقعیت است که حزب دمکرات با نیروهای انقلابی، سیاست دشمنی و ضدیت در پیش گرفته است. حزب دمکرات که از گسترش نیروهای انقلابی و کسب اعتبار آنها در میان توده‌ها سخت به هراس افتاده امروز سعی می‌کنند تا با قدرت نمایی نظامی خود نیروهای انقلابی را وادار به عقب‌نشینی در برابر خود نماید. اما ما و کلیه نیروهای انقلابی که با هدف دفاع از منافع زحمتکشان ایران و کردستان سلاح بدست گرفته و بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنیم هرگز توجیه هیچ شرايطی در برابر حزب دمکرات و تهدیدات او نتوانیم عقب‌نشینی کنیم بلکه همچنان که از خلق کبیرمان و از طبقه کارگر قهرمان ایران آموخته‌ایم، با تمام قوا در برابر سیاست تهدید و خلع سلاح نیروها توسط حزب دمکرات ایستادگی کرده و حزب دمکرات را افشا خواهیم ساخت.

اعلام نمودند که برای گرامی داشت ۱۶ آذر، درس را تحریم خواهند کرد و ساعت رادحیاط خواهند ماند.

صف طویل و مستحکم از دانش‌آموزان انقلابی رادحیاط مدرسه برای افتتاح و شعارمیدادند: "دانشگاه سنگرزادگان، مبارز زحمتکشان، علی‌ها امپریالیسم"، "سرکوب دانشجویان سرکوب انقلاب است"، "اتحاد اتحاد علیه امپریالیسم"، "آزادی فعالیت سیاسی حق مسلم ماست"، "دانشجو همسنگرت محمل است، منحل"، "فرهنگ استعماری نابود باید گردید"، فعالیت سیاسی آزاد باید گردد" و... سپس در وسط حیاط جمع شده و یکی از هواداران مجاهدین مقاله‌ای خواند. سپس هواداران "اکثریت" که تا آن موقع حضور نداشته‌اند به منظور عوام‌فریبی و ترس از صف عظیم دانش‌آموزان به صف آمده و یکی از آنها مقاله‌ای خواند. سپس گفتند چون شرایط کشور و مدرسه مناسب است، تنها باید کلاسها را تحریم کرد.

سپس یکی از رفقا اعلامیه سازمان پیکار را در رابطه با ۱۶ آذر خواند و درست زمانیکه رفیق نام سازمان را خواند، تعدادی اعلامیه سازمان بخش شده و مورد استقبال دانش‌آموزان قرار گرفت. سپس یکی از رفقای راهکارگر مقاله‌ای خواند. سپس دوباره برای افتتاح و "اکثریت" هم برای گول زدن بچه‌ها در صف داخل شدند و سعی می‌کردند که شعارها را عوض کنند و به انحراف بکشند، که البته رسوا شدند و سپس به کلاسها رفتند و موقعیکه "اکثریتی" هم میرفتند، توده‌های دانش‌آموز فریاد می‌زدند: "سازشکار، سازشکاری را اینجا هم نشان دادی!" دانش‌آموزان انقلابی برنامهریزی کرده دادند و در دقیقه زنگ مدرسه زده می‌شود و میرم‌رجع از بلیندگوفریا دمیزد: "به کلاس بروید" اما بچه‌ها اهمیت نمی‌دادند و پیکار را نمی‌خواندند. دانش‌آموزان بعد از اینکه چندبار رادحیاط را دور زدند همگی نشسته و سرود خواندند و شعارمیدادند. سپس پرچم آمریکا را آتش زدند و همه در آلایکه پاهایشان را محکم بزمین می‌کوبیدند شعار مرگ بر آمریکا سر دادند.

برنامه تمام شده بود اما چون دانش‌آموزان انقلابی نمی‌خواستند به کلاس بروند قرا شد که سرود بخوانند، اما در تمام کار هواداران مجاهدین سازشکاری کرده و تمایل به کلاس رفتن نشان داده و به همین خاطر بچه‌ها پراکنده می‌شوند و در نتیجه مدیریت ناموفق... با زور بچه‌ها را به کلاسها فرستادند و رفقای مانیز که دیدند بیرون ایستادن چندان فایده‌ای ندارد و منجر به حرکتی جداگانه می‌شود، تصمیم گرفتند که به کلاسها بروند اما بجای درس، بحث راه‌بیا نداشتند و اینکار در اکثر کلاسها هم عملی شد.

با اندکی تغییر به نقل از: اخبار دانش‌آموزی سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار - شیرز





### بنی صدر (لیبرال)

نام: ابوالحسن بنی صدر  
شغل: رئیس سابق "شورای انقلاب"  
وزیر سابق خارجه و رئیس جمهور  
کنونی.  
اندولوژی: لیبرالیسم.  
حرم: شرکت فعال در بازاری سرمایه  
- دارای وابسته به امپریالیسم سرکوب  
و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت  
به خلقهای ایران.

● از تحفه های فرنگ است، در شرایطی که نیروهای انقلابی در زندانها و میدانهای تیر، شکنجه میشوند و تیرباران میگشتند، ایشان راحت و آسوده در پارسی بمدت ۱۷ سال، درس خدمت به سرمایه داری را فرا میگرفت.

● فعالیتش در خارج از کشور، همپای بورژوا - لیبرالهای جبهه ملی بود، پس از رسوایی "جبهه ملی دوم"، در "جبهه ملی سوم" شرکت میکند و دست به انتشار نشریه لیبرالی، "خبرنا" میبندد. در این نشریات هرگز سخنی از سرنگونی رژیم شاه نمی رود، در عوض به چاپ عریضه های لیبرالیها می چون سرهنگ امیررحیمی "به والا حضرت شهبان نور فرح"، که در همه جنا بیات شاه شاهن شریک وی بود، میپردازد.

● با قدرت یابی نیروهای کمونیست در کنگر - اسبون دانشجویان خارج وادیکال شدن مبارزات آنها در جهت سرنگونی رژیم شاه، یعنی - صدر بیعت مخالفت با شاه سرنگونی شاه و ضدیت با کمونیستها، از کنگر اسبون کناره گیری می - کند و در واقع اخراج میشود.

● اوجی تحت فشار نیروهای دیگر نیز هرگز تا سال ۵۷، حاضر به پذیرش شعار سرنگونی شاه و خاتم شدن، در عوض همواره به سمپاتی بر علیه کمونیستها می پرداخت او جز اولین کسانی است که در کنار رجالات الدین فارسی از موضع - ارتجاعی علیه مجاهدین خلق موضع گیری داشته فحاشی ها و لجن پراکنی های وی بر علیه کمونیستها، در خارج از کشور، چهره مشخص دشمن طبقه کارگران را زایلها پیش در او بینما پیش گذاشته بود. او کتابها و اعلامیه های مختلفی بر علیه کمونیستها منتشر میکرد و در واقع ضد بیست اصلی او نه با رژیم شاه، بلکه با کمونیستها بود.

● با او گیری جنبش توده ها، با استغاده از، موقعیت طبقاتی آیت الله خمینی و اشتقاقی که میان لیبرالها و خرده بورژوازی مرفه سنتی بوجود می آید، او آماده میشود تا در کنار دیگر همپالکی هایش برجینش توده ها سوار شده و مانع از پیروزی انقلاب گردد.

● او پس از قیام به عضویت "شورای انقلاب" در می آید و از این پس در کنار رهبری ها در کلیه جنا بیات شورای انقلاب بر علیه توده ها شرکت

## گپشترخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب  
جمهوری اسلامی در پستگاه خلق



مستقیم داده، این جنایات بطور خلاصه، سرکوب و کشتار مبارزان کارگران، مانند کشتار کارگران بیکاران صفا، سرکوب و کشتار رده های تن آفرینان دلاور خلق کرد و ترکمن و سرکوب کمونیستها و دیگر انقلابیون در سراسر ایران و بخصوص شرکت فعال در بازاری سرمایه داری و وابسته وارگانهای سرکوبی ما ننند ارتش ضد خلقی است.

● و در شورای انقلاب، مسئولیت برنامه ریزی اقتصادی را داشته و بدین ترتیب در مورد برنامه های اقتصادی رژیم که در جهت حفظ منافع امپریالیسم بوده و در انتقال بی وقفه بحران امپریالیستی به ایران، تورم، گرانی، بیکاری، وضع بد اقتصادی زحمتکشان، استعمار زحمتکشان توسط انحصارات امپریالیستی و... مستقیما مسئولیت دارد.

● او از برنامه ریزان و سازمان دهندگان اولیه سازمان ضد انقلابی "مجاهدین انقلاب اسلامی" است. و در مراسم اعلام موجودیت این "سازمان" در اردیبهشت ۵۸ در دانشگاه تهران، بدفاع از آنها سخنرانی، میکند و طبق گفته بنی صدر و دسته ضد انقلابی، مرا منتهای آنها را برای گرفتن تا شیدنزد آیت الله خمینی میبرد. (البته اکنون بر سر قدرت میان این دونیروی ضد انقلابی اختلاف افتاده است.)

● چاقاران ارتجاع با شعار "روزنا مبنی - صدرا یجا دبا بدگردد" به نشریات کمونیستی و مترقی حمله کرده و در حقیقت چاقاران بنی - صدر نیز در آینه گیری از چاقاران حزبی کم نمی آورند.

بقیه در صفحه ۱۸

### محمد علی رجایی

اسم: محمد علی رجایی  
شغل: وزیر سابق آموزش و پرورش و  
ونخست وزیر فعلی رژیم ضد خلقی  
جمهوری اسلامی ایران.  
ایدئولوژی: مکتبی، مکتب سرمایه داری  
حرم: شرکت فعال در بازاری سرمایه  
سرمایه داری وابسته به امپریالیسم،  
سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و  
خیانت به خلقهای تهران ایران.

● سهامدار شرکت بسا زین فروش ساختمان اهداف و مدیرعامل شرکت مذکور در زمان شاه خاتم.  
● دشمنی با زندانیان کمونیست طی دوره زندان (که کمتر از ۳ سال طول کشید)، تفرقه - اندازی و عدم شرکت در مبارزات درون زندان در زمان شاه و بیوزمان نیکه وحدت زندانیان سیاسی اعم از مذهبی و کمونیست برای مبارزه با رژیم پیک ضرورت مبرم بود.  
● وزیر آموزش و پرورش قبل از نخست وزیری در رژیم فعلی و بنا بر این مسئول القاء فرهنگ ضد مردمی و عقب مانده به دانش آموزان  
● اخراج هزاران تن از معلمین انقلابی و کمونیست از آموزش و پرورش در تهران، تبریز، شیراز، بندرعباس، اراک و دهها شهر دیگر به بهانه "غیر اسلامی" و "غیر مکتبی" بودن آنها رجایی در این مورد گفته است: "ما نمی توانیم به کسانی که غیرا سلامی هستند اجازه دهیم در مدارس ما تدریس کنند. و پیش نمازی بپردازند. ما نمی توانیم از افرادی که پیش ما دی دارند و به اندیشه های ایزاری معتقدند، این انتظار داشته باشیم تا بینشهای انسانی را تعلیم دهند" (جمهوری اسلامی ۱۵ شهریور ۵۹ رجایی با این حرف نشان میدهد که دشمن نیروهای مترقی و کمونیست است.

● دستگیری و شکنجه و زندانی کردن صدها تن از معلمین انقلابی و کمونیست به اتهام "فعالیت های ضد اسلامی" و در حقیقت بغا طراکما که کردن دانش آموزان که با توافقی رجایی در زمانی که وزیر آموزش و پرورش بود، صورت میگردد.

● تفتیش عقاید در استخدام معلمین طبقه بخشنا میهای رجایی در زمان وزارت.

● تا پیدا عدا مدها معلم کمونیست در ترکمن صحرا و کردستان و... از جمله معلمین شهید عبدالله قزل، بهمن عزتی، هرمزگرچی بیانی و...

● انحلال آموزش و پرورش کردستان برای سرکوب مبارزات دانش آموزان و معلمین انقلابی کردستان.

● رجایی در زمانی که وزیر آموزش و پرورش بود

# علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

افکار ارتجاعی سندگارت ۲۵ میلیون تومان مذکور که به امضای رجایی به حجب منتظری و دیگر "علماء" ریخته شده است، توسط سازمان ما افشا گردید.

● رجایی حل مسئله گروگانها را بعهده گرفت تا رأیطه با آمریکا که بنظر او "تکامل معنوی" یا فتهاست برقرار رکود، تا بتوانند باز از آمریکا اسلحه بخرند و برای همین سفر خیانته آمیز خود به نیویورک از جیب مردم "مستضعف" ۱۴۰۰۰۰ تومان برداخت.

اینها گوشه‌هایی از جنایات رجائی نخست وزیر مکتبی رژیم جمهوری است اما بیرواضح است که در کلیه جنایات و سیاستهای سرکوب - کرا نه رژیم در زمینه‌های مختلف نقش مهمی دارا میباشند، این عنصر عوام فریب خود را "حامی مستضعفین" قلمداد میکنند در حالی که خود از سرکوبگران اصلی زحمتکشان و از جانب املی سرما به داران میباشند و در عوام فریبی دست کمی از همپالکی‌های حزبی و همدستان لیبرالشان ندارند، او با استفاده از آکا‌های زحمتکشان آنها را تحمیل میکنند و از عینا وین "شرعی" و "عرفی"، مکتبی و "اسلامی" در جهت غارت دسترنج زحمتکشان توسط سرما به داران استفاده میکنند رجائی بعنوان نخست وزیر جمهوری اسلامی امروز مستقیماً در سرکوب انقلاب و توده‌های زحمتکش دست دارد، او سعی میکنند خود را "صد امیریا لیست" نشان دهد حال آنکه این فریبی بیش نیست و اوجامی مدافع سیستمی است که امیریا لیستها بر اساس آن به غارت و جبا و ل خلق ما مشغول میباشند، این آقای "مکتبی و حزبی" همانند لیبرالهای خائن دوست امیریا - لیستها و دشمن انقلاب و زحمتکشان است.

### مصادره انقلابی خوابگاه تزئین بدنی توسط کارکنان جنگ زده

بدنیا ل مراجعات مکرر نما بندگان کارکنان مناطق جنگزده به "بنیاد دشمن"، "بنیاد مسکن"، "بنیاد مستضعفین"، دفتر نخست وزیر - بری و مسئولین وزارت نفت برای پاسخگویی به خواسته‌هایشان از جمله تان مین مسکن و عدم رسیدگی مقامات مذکور، کارکنان تصمیم می - گیرند تا خود اقدام کنند. بدین لحاظ روز ۲۳/۹/ اقدام به مصادره انقلابی محل خوابگاه‌ها و تشکیل تریب بدنی میبندند، آنها به محض ورود به ساختمان مزبور با ایجاد کمیته‌های اسکان، تدارکات و... به سازمان نهدی اقدامت خود برداخته و در اطلا قها مستقر میشوند.

مسئولین رژیم که از این عمل انقلابی کارکنان جنگزده غافلگیر شده بودند، سعی کردند بنیاد "غیرقانونی" خواندن این اقدام و توسل به انواع حمله‌ها، آنان را از محل خارج کنند، ولی هوشیاری کارکنان توطئه‌های رژیم را خنثی کرد، طبق آخرین گزارش پاسداران سرما به آب و سرب و سوخت خوابگاه را قطع کرده‌اند

استثما رگر - پیکار) برسد" (جمهوری اسلامی ۱۴ آذر)

● حمایت از سرما به داران بزرگ بنا به ما هیت طبقه‌های خود: این آقای عوام فریبانه خود را می مستضعفین جا میزند و هر کجا که میرسد اسد سخن از "عدالت اسلامی" سر میدهد، اما وقتی که در اوایل نخست وزیریش میگوید: "در هجده ماه گذشته نه دولت به سرما به داران کاری داشته و نه خود آنان در سطح وسیعی حرکت کرده‌اند." (کیهان ۱۹ مرداد ۵۹)، ما هیت حمایت ایشان از مستضعفین آشکارا میشود، البته منظور آقای رجائی از "حرکت سرما به داران در سطح وسیع" چیزی جز دعوت سرما به داران به سرما به گذاری بیشتر و در نتیجه استثما هر چه بیشتر و شدیدتر کارگران نیست، چرا که آقای رجائی نخست وزیر رژیم می است که سرما به داران آنرا میچرخانند آقای رجایی وقیحانه سخنان خود را اینطور ادا می مدهد: "دولت آینده از سرما به داران بزرگ با بدبخواهد که در اعمال خود تجدید نظر کنند." (همانجا) منظور آقای رجایی از این سخنان کلاشانه این است که سرما به داران بزرگ که مردم زحمتکش ما بخاطر غارت دسترنج زحمتکش و استثما رکارگران سالها با آنها مبارزه کرده - اند، کارگران را استثما رکنند و سپس برای خالی نبودن عریضه و برای اینکه کارگران را آسا نتر بفریبند از سرما به داران میخواد که در "اعمال" خود تجدید نظر کنند، آیا گرگها میتوانند همیشه را پا ره نزنند؟ آیا به این سخنان عوام فریبانه این جناب جز کلاشی و حیل‌گری نامی میتوان گذاشت؟

● شرکت در بازی و حفظ سرما به داری وابسته بعنوان بازیگانه امیریا لیسم در ایران تا شاید کشتار و قتل عام زحمتکشان روستاهای ایندر - تاش، صوفیان، بوسف کند، سه روکاتی و غیره لازم به یاد آوری است که این جنایات مشتقی از انبوه جنایاتی است که در دوره نخست وزیری آقای رجایی انجام گرفته است.

● فریب توده‌های زحمتکش و دعوت آنها به شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی، و تبدیل فرزندان توده‌ها به گوشت دم‌توب سرما به داران زالسو صفت.

● آقای رجایی بعنوان نخست وزیر جمهوری اسلامی در اقدامه تن از رفقای ما در خوزستان پیکارگران شهید شکرالله دانیال، محمدعلی اشرفی، منوچهر نیک اندام و رفیق "علیرضنا" همایون بری زاده "از رفقای اقلیت بدست جلدان جمهوری اسلامی شرکت داشته است بنا بر این دستش مملو بخون این چهار انقلابی - کمونیست و دهها انقلابی دیگر آلوده است.

● تحریک وسیع توده‌های نا آگاه و همچنین سازمان ندهی دسته‌های اوپا ش و قداره بندبیر علیه آوارگی جنگ در شیراز، اصفهان، بروجرد و... از طریق تبلیغات امام جمعه‌های مرتجع وابسته به یاد خود.

● ریختن ۲۵ میلیون تومان از بیت المال مردم بحیب مفتخوران جهت تبلیغ و ترویج

دانش آموزان مبارز را به شیوه‌های مختلف زیر فشار فرار داده و سرکوب میکرد، از جمله - سیاستهای سرکوبگرانه و عمارتنداز: انحلال شوراهای و ممنوعیت ایجاد شوراهای در مدارس، ایجاد حفاقن و جواختنای برای جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان، نفتش عقابدوا - خراج دانش آموزان انقلابی و...

● تعدی بیست نخست وزیر برای سرکوب انقلاب: رجایی، این سرما به دار مکتبی، در آغاز استثما بش به نخست وزیری گفت: "من مقلد امام، فرزند مجلس و سراد در رئیس جمهور هستم." او با این سخنان خود بدستی بنیان میگذارد عوام فریبی را بخوبی از رهبران رژیم جمهوری یاد گرفته است، او خود معترف است که فرزند خلیف مجلس ارتجاعی که مرکز تجمع عوام فریبان و مفتخوران است میباید بدین ترتیب و همگامی و همدستی خود را با نمایندگان سرما به داران در تحمیل و سرکوب زحمتکشان و خلقها اعلام میکند، رجایی سپس خود را برادر رئیس جمهور عنوان میکند، برآستی که رجایی و همپالکی‌های او در حزب جمهوری اسلامی، برادران لیبرالها از جمله بنی صدر در سرکوب انقلاب توده‌ها میباشند.

● شرکت فعال در کلیه جنایاتی که بدست رژیم جمهوری اسلامی بویژه حزب جمهوری اسلامی انجام میگیرد از جمله کشتار در کردستان، تروور انقلابیون، سرکوب نظهرات و میتینگها و... ● سرکوب نظهرات حق طلبانه کارگران پیکار آقای رجایی در سمینار انجمنهای اسلامی کارخانجات گفته است: "آنها (مصادره انقلاب) بنا داشتن درجه دکتری فوق لیسانس ولیما نس لیباس کارگری پوشیده و در صف کارگران می - ایستند و با درکارخانه‌ها مشغول کار میشوند."

(جمهوری اسلامی ۲۷ آذر ۵۹) زهی وقاحت و بیشرمی! گویا اینهمه کارگران کرسنه پیکار در جات دکتری فوق لیسانس ولیما نس دارند که لیباس کارگری پوشیده اند رجائی با این گونه با طبل سرکوب خونین نظهرات کارگران پیکار در شهرهای مختلف را توجیه میکند!

● جنایات از فتوادالها، سرکوب مسزات دهقانان زحمتکش که به مصادره انقلابی زمین - های مالکین و فتوادالها دست میزدند، رجایی در مورد مصادره انقلابی زمینهای مالکین توسط روستائیان در سمینار به اصطلاح واگذاری زمین گفت: "من به عنوان یکی از اعضای شرکت کننده در این سمینار رشیدان نگران این بنده (مصادره انقلابی زمینها توسط دهقانان - پیکار) هستم، با بدبا این حرکت مصادره انقلابی یک مقابله اصولی نمود." آقای رجایی سپس حمایت آشکار خود را از فتوادالهای ستمگر و خونخوار اعلام میکند: "متحرفین لزوما راست گرا نیستند ممکن است جیب گرا هم باشند زیرا بنا به فرمان امام کسانی میخواهند مانع از آن شوند تا زمینهای بزرگ را که افرادی (روستائیان زحمتکش - پیکار) بطور نا مشروع مالک شده‌اند بدست صاحبان آن (فتوادالها و مالکین

## لیبرالها و بازگشایی دانشگاه

لیبرالها، دانشگاهی بدون انقلابیون و مکانی برای تربیت متخصصین لیبرال میخواهند درحالی که کمونیستها و انقلابیون دانشگاه را بعنوان کانون افشاگری و مبارزه طبقاتی امپریالیسم و ارتجاع و سنگری برای آزادی و انقلاب میخواهند.

گوید:

دانشجویان چپ، "تلافی طاغوت شکست - خورده و لیس کردن پیروزی را از بیرون کردن و بی آبرو ساختن هر چه استاد دوهیئت تعلیماتی و بهم ریختن نظام آموزشی و اداری (منظور نظام آموزشی و "طاغوتی" است - پیکار) میدیدند" و سپس با زرگان آنرا با هر چه طرفداران "منطق و انقلاب اسلامی" و... میدادند. بدین ترتیب آقای بازرگان مخالف اقدامات دانشجویان انقلابی در پردوایستگان رزمیپهلوی ازدانشگاه است. او مخالف فعالیت سیاسی انقلابیون در دانشگاه است، او میخواهد همان نظام آموزشی و اداری که در خدمت سرما به اداری وابسته بود باقی بماند، تا دانشگاه مانند زمان شاه خاکسپاری و کوشش خود را صرف تربیت متخصصین سرما به اداری وابسته کند و دانشجویان انقلابی را نیز که خواهان فعالیت انقلابی هستند، شدیداً سرکوب نماید. شاید کسی تحت تاثیر تبلیغات لیبرالها قرار گرفته باشد و بگوید لیبرالها که مانند حزبیهها، "خشن" و "سرکوبگر" نیستند، اما غافل از اینکه آنچه بنی مدروبا زرگان متحد با حزبیهها بر سرکردستان آورده و بنی صدر و حزب بر سر داد دانشگاه، نشان میدهد که بموقعش لیبرالها از حزبیهها در کثیت و کشتار و سرکوب هیچ کم نمی آورند. ببینید در مورد همین دانشگاه، لیبرالها چه سیاستی در مقابل کمونیستها پیشنها میکنند:

### سرکوب کمونیستها و انقلابیون، آزادی مشترک لیبرالها و حزب

با زرگان میگوید:

"گروههایی که (منظور کمونیستها است - پیکار) را با تقلید! انتقام و نهادم، هدف و حرفه شان میباشند و تنها برای نفس انقلاب و تدوم آن اصال قائل بودند (!!)... چنین مصلحت میدیدند... با شدت و سرعت هر چه تمامتر از یکطرف به تبلیغ مرام و برنامهای خود در میان روشنفکران و مردم بپردازند (!!) و از طرف دیگر تند و متوسل انقلاب را از طریق تخنیه یا تصفیه دانشگاهها و کارکردن افراد و عناصرو تا زهر خورده گذشته اجرا نمایند (!!) (همانجا) بدین ترتیب معلوم میگردد که لیبرالها چگونه با اقدامات انقلابی دانشجویان

با تنها حزب جمهوری اسلامی به دانشگاه و جنایت هولناک او با شان و پاسداران حزب در اول اردیبهشت که به شهادت دهها دانشجوی قهرمان (و بدنبال آن اعدام و ترور مودنیها، معتمدیها، علویها، دانشا لیا و...) انجامید، دانشگاه را این سنگر خونین آزادی ۱۴ اردیبهشت ۵۹ تعطیل گردید. جنایت اول اردیبهشت که از سوی بنی صدر لیبرال نیز تائید شد، هدفی جز مقابله با نیروهای انقلابی در دانشگاه نداشت. رژیم عا جز از خاموش کردن شعله های پرفروغ آگاهی از دانشگاه به تعطیل آن دست زد. اما اگر لیبرالها نیز خواهان سرکوبی نیروهای انقلابی در دانشگاه هستند، اما خواهان تعطیل بودن دانشگاه نیستند، و اگر سیاست "چماق" حزب جمهوری در مقابل انقلاب، در دانشگاه بصورت سرکوب کامل و تعطیلی سنگر آزادی جلوه گر میشود، سیاست "چماق و تان" شیرینی "لیبرالها سیاستی مزورانه و فریبکارانه را برای فریب توده ها و سرکوب انقلاب، ایجاد میکند. از اینرو مبارزه در جهت بازگشایی دانشگاهها بدون افشای ماهیت شمارهای لیبرالها در این مورد نمیتواند منظور کامل در جهت اهداف دموکراتیک انقلاب قرار گیرد.

### لیبرالها چرا از بازگشایی سخن میگویند؟

انقلاب اسلامی، میزان، آرمان ملت و خلاصه تمامی شریات ارتجاعی لیبرالها، اکنون از بسته شدن "مرکز علم و دانش و تخصص" مینالند اما چرا؟ آیا آنها واقعا خواستار ادامه فعالیت دانشگاه بعنوان سنگر آزادی هستند و یا نه! آنها خواهان همان دانشگاهی هستند که رژیم شاه نیز در آرزوی میسوخت و نتوانست آنرا بسازد، یعنی دانشگاهی بدون اجازه فعالیت سیاسی برای انقلابیون، بدون مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و تنها مکانی برای تربیت روشنفکرانی متخصص در خدمت سرما به اداری وابسته، ببینیم با زرگان لیبرال خواهان کدام دانشگاه است. با زرگان اساس فعالیت دانشجویان را در دانشگاه محبوب لیبرالها "تعلیم و تربیت و تخصص و تحقیق" (میزان ۲۶، آذر) میداند و شنیده به دانشجویان انقلابی که با قوانین و ضوابط و استادان و کارکنان دانشگاهی مخالف میگردند، می تازد و می -

مخالفتند. لیبرالها از اینکه دانشجویان برنامهای انقلابی را در میان روشنفکران تبلیغ نموده و با نظام کمپنه دانشگاهی مبارزه کنند، وحشت دارند. آنها بر ما تند حزبیهها از یک دانشگاه انقلابی و در خدمت توده ها برخود می - لرزند، اما بر سر مقابله با دانشجویان انقلابی و فعالیتهای آنان در شیوه مبارزه با حزبیهها توافق ندارند. آنان میکوشند با "نزاکت" به سرکوب دانشجویان انقلابی و کمونیست بپردازند. بقول بازرگان ارعاب و حمله و ضرب دانشجویان توسط جناح رقیب (حزبیهها) در اول اردیبهشت به این منجر میشد که:

"بها نه های خوبی بدست مخالفین داده و "بها شیوه های خاص مبارزات مطبوعاتی انحصار و آنها تمام آنها که پرچم رتجاعی برافراشته بودند، قیافه حق بجانب بیشتر و هاله مظلومیت و بسا برای آنها خواهان بیشتر در قشرهای دانشجویان آموزش دیده میگردند" (همانجا) . دانشجویان در سرتا سر تاریخ این - - - - - است، "سرکوب صفر بسودا انقلاب است" ، "استبداد دختن بسودا انقلاب است" ، "لیبرالها خواهان سرکوبی ظریف هستند، "آدم بکش ، اما خون روی دستهایت را همیشه بشور!" ، باور نمی کنید، ببینید چگونه از مقابله با کمونیست - ها سخن میگویند:

"با این ترتیب مقابله با گروههای متحرک و مخرب چپ بعوض آنکه از طریق سازندگی و برنامهای مثبت و وظایف دانشگاهها باشد... (همانجا) آری همانطور که در حکومت با زرگان و بنی صدر دیده ایم: لیبرالها خواهان مقابله مثبت! هستند، یعنی چماق و تان شیرینی، یعنی سرکوب و کشتاری که پوشیده انجام گیرد و بسا بر ما و نقشه چندباز لیبرالها بگویند، ای حزبیهها! جلوی چشم مردم، آدم نکشید، مردم می بینند آنها را بگیرد و در خفا اعدام کنید ضمن آنکه صحبت از آزادی نیز با دستان خود، لیبرالها میگویند جلاد پس از کشت و کشتار باید دستا نش را بشوید و با دستان تمیز بر سر سفره جشن قتل بنشینید، درحالی که حزبیهها اینرا نمی فهمند و با همان دستان خون آلود جلوی توده ها ظاهر میشوند و اینرا لیبرالها نمی خواهند.

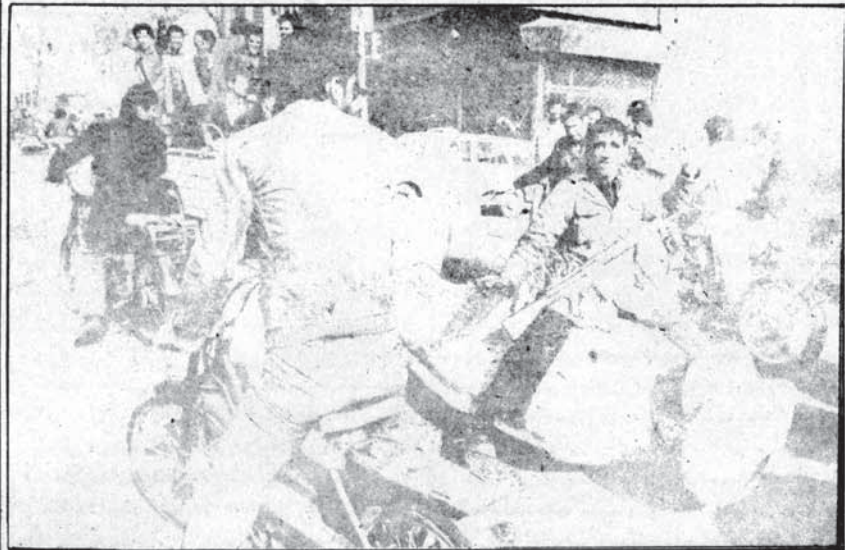
پس روشن شد که لیبرالها خواهان چه دانشگاهی هستند دانشگاهی بدون نیروهای انقلابی (البته این حسرت بدلشان خواهد ماند) آنها به حزبیهها میگویند، دانشگاه را با زرگان، سرما به اداری وابسته تخصص میخواهد، منتها با راهحلهای سنجیده کمونیستها را سرکوب کن، در دانشگاه که بنیاد فعالیت نیروهای انقلابی صورت بگیرد. مگر گفته های "اعلیحضرت هما یونی" با دستان نیست که میگفت دانشگاه جای درس و مشق است، نه جای "خرابکاری" مثنی کمونیست

بقیه در صفحه ۱۲

## لیبرالیسم، ایدئولوژی ضد انقلابی بورژوازی را فاش و طرد نمائیم

## زحمتکشان ایران شاه را فراری دادند،

### شاه جلاد مرد، ولی هنوز...



ساعت ۱۳/۰۸، روز ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ شاه جلاد، درمانده زحمتکش انقلابی خلقهای ایران که رژیم بوسیده سلطنتی را اولین هدف ضربات توفنده خود قرار داده بود از ایران فرار کرد. فرار شاه خا شن در شرایطی صورت میگرفت که مبارزات توده‌های زحمتکش ضربات کاری بسزای بیخبر لوزان رژیم وابسته با مهربا نیمه‌وادمی- ساخت، شهرهای ایران در فریادهای خشم توده‌ها می‌لرزید، کشتارهای ارتش آمریکایی شاه کوچکترین تزلزلی در توده‌های بی‌خاسته ایجا دنگ کرده بودند دولت آشتی ملی "شریف اما می مزدور، نه حکومت نظامی" از هاری جلااد و نه آخرین توطئه رژیم شاه و امیریا لیم یعنی دولت بختیار خا شن نتوانسته بودند رژیم شاه را از بحران مرکزی که گلویش را فشار میداد درها سازد. شاه که هدف اصلی خشم خروشان زحمتکشان ایران نبود و ما هم بود که شعراهای "مرگ بسز شاه" توده‌ها تا قوس مرگ سلطنت سنگینش را به صدا درآورده بودند، مستأمل و درمانده ایران را ترک کرد تا با میلیاردها دلاری که از دسترنج خون زحمتکشان میهن ما ثروت بی‌آوردی برای خود و خانواده منحوش فراهم آورده بود به عیش و عشرت در کناره‌ها با نش بپردازد.

مردم ایران، برای اولین بار پس از سالها خاکمیت ترور و خفقان فاشیستی، پس از تحمیل شکنجه‌ها، زندانها و بیس از کشتارهای دسته‌جمعی با فرار شاه مزدور، دژخیم خلقهای ایران رنگ خنده و شادی بر چهره‌شان نشست. توده‌های مبارز به‌خیا با آنها ریختند و فرار بزدلانه دیکتاتور خون آثام را جشن گرفتند. زحمتکشان میهن ما فرار شاه را مقدمه بیروزی و بیش درآمد آزادی می‌دانستند. آنها که پس از سالها خفقان و سرکوب، نتوانسته بودند موقعیتی انقلابی در جا مع ما

پدید آورند، شاه از این بودند که با مبارزه ای طوفانزا جلاد خلقهای ایران را بزانود آورده اند و او را با چشم پراگ از تخت سلطنت تنگ بین بسا شین میکشند. فرار شاه اولین پیروزی جنبش انقلابی خلقهای ما بود، جنبشی که دورنمای خود را نه فقط فرار شاه خا شن بلکه سرنگونی رژیم وابسته با مهربا لیم شاه و بنا بودی سرما به داری وابسته و پنیسا دجا معادای نوری و برانه‌های نظام کهن قرار داده بود. پس از فرار شاه خا شن توطئه‌ها و نیز کشتارهای آخرین نخست وزیرش بختیار مزدور نیز نتوانست رژیم را از تیرخشم توده‌ها برهاند. توده‌ها با قیام پرشکوه بهمن ماه بساط رژیم شاهنشاهی را در هم چیدند اما عدم وجود رهبری انقلابی طبقه کارگر و سازمان شاهان رهبران فدا انقلابی که بر جنبش سوار شده بودند، زحمتکشان ما را از رسیدن به هدف و پیروزی شدن بازداشت، زحمتکشان ایران با مبارزه انقلابی و بدستان بیرونی شاه جلاد را فراری دادند، شاه دق مرگ شد ولی هنوز خون توده‌های زحمتکش و قهرمان بر سنگفرش خیا با آنها بر در و دیوار شهرها خشک نشده بود که سرکوب و ستیم و استعما رو این بار تحت نام جمهوری اسلامی بر میهن ما، مجددا مستولی گشت. ولی مرجعین از تاریخ درس نمیگیرند. توده‌ها شیکه رژیم تا بدندان مسلح شاه آمریکا را با سرکوب و بیروسیا ختند و با مبارزه انقلابی خود شاه جلاد را فراری دارند، با مسلح شدن با آکا هی طبقه‌ای و در ادامه مبارزه اعتلائی کنونی، آنچه را که نتوانستند پس از فرار و سرنگونی شاه یکسوف آوردند، در آغوش خواهند گرفت. دور نیست که توده‌های انقلابی ما روزهای نظیر فرار شاه ... را دوباره زنده کنند.

## بقیه صفحه ۱۱ لبرالها...

و ما رکیست اسلامی!

### باز هم تلاش برای

### سوار شدن بر جنبش توده‌ها

بدن تربیت معلوم است که لبرالها خواهان باز شدن جهنم دانشگاهی هستند. آنها نیز مانند حزبیه به گفته آیت الله خمینی کاملاً معنقدند که دانشگاهی که در آن کمونیست - ها تبارزه بپردازند، بنا بدیا رشود (مطوعات ۲۹ آذر)، اما آنها ضمن دادن برنامه برای مقابله با کمونیستها خواهان این با زکنا شی هستند چرا که آنها بفرگ تربیت متخصص برای سرما به داری وابسته هستند. چرا که اکثریست استادان دانشگاه (بجز معدودی استاد کمونیست و دموکرات) لبرال هستند و آنها با با زکنا شی دانشگاه در اندیشه تقویت موضع خود نیز در قبال حزبیه هستند.

### واژه مهمتر آنها برای بریدن سر روی

امواج، ناراضی توده‌ها، تخصص زیادی دارند و چنین است که برای فریب توده‌ها، لفظاً آن

شعاری را که وابسته توده‌هاست، تکرار میکنند، (هر چند که محتوای مورد نظر لبرالها با آنچه توده‌ها میگویند از زمین تا آسمان متفاوت است) توده‌ها دانشگاه را برای اشاعه آگاهی و بعنوان سنگر آزادی و در خدمت جنبش میخوانند و لبرال - ها دانشگاه را در خدمت سرما به داری وابسته آنها شعار مورد علاقه توده‌ها را تکرار میکنند تا خود را محق جلوه دهند و با زبانه‌های ردیو برشان توده‌ها بسوی قدرت بلغزند و در ضمن بسته بودن دانشگاه را موجب افزایش ناراضی توده‌ها و خطری برای حکومت میدانند، آقای با زرگان که در نصیحت کردن شاه خا شن تجربیات گرانبهای اندوخته است به حزبیه هشدار میدهد:

"معلوم است، وقتی شما بیش از صد هزار نفر جوان را که در سنین حداکثر جوش و خروش و تشنه فعالیت و دریا فت هستند، بیگانه روویلان خیا با ن و خا نه میکنید، خودشان بیدر و مادرهایشان ناراضی میشوند و ق میزنند" (هانا) میبینید چه ترسی از انقلاب و ناراضی توده‌ها دارند این لبرالها! جالب اینجاست که حزبیه نیز ترسان از دانشگاه، بخاطر او جکیری انقلاب است. آیت الله خمینی به لبرالها که خواهان بازگشتی دانشگاه است میگوید "شم سیاسی ندازید!" (مطوعات ۲۹ آذر) چرا که این کار کمونیستها را رشد میدهد، و لبرالها نیز از همین زاویه به حزبیه می‌نزدند که "بسته بودن دانشگاه موجب رشد کمونیستها میشود!" بهر صورت نه تنها در مورد دانشگاه بلکه در دیگر مسائل نیز، نه راه حل لبرالها و نه راه حل حزبیه، رژیم را نجات نخواهد داد، زیرا ضد انقلاب در هرکمی که بر میدارد، بدست خویش کور خودش را میکند! "ورژیم نخواهد توانست مانع رشد انقلاب و کمونیستها گردد.

## دمکراسی انقلابی چیست؟

آری، "دمکراسی" لیبرالها با دمکراسی واقعی مردم که تنها در آزادی سیاسی خلاصه نمیشود، فرسنگها فاصله دارد. "دمکراسی" لیبرالها مانند شیرینی بال و دما و شکم است. آنها از دمکراسی تنها چهره لوث شده آن را می شناسند.

### ۳- دمکراسی سیاسی، از دمکراسی اقتصادی جدا نیست.

نمی‌توان دمکراسی سیاسی وجود آورد، بدون آنکه حقوق دمکراتیک اقتصادی برای مردم ایجاد شود. دمکراسی سیاسی تنها بر مبنای تامین رفاه اقتصادی زحمتکشان، رفع ستم ملی از خلقها، ایجاد حقوق و امکانات مساوی برای بهره‌برداری به نفع زحمتکشان، جلوگیری از غارت و چپاول بی حد و حصر دسترنج کارگران، برقراری ۴۰ ساعت کار در هفته، افزایش دستمزد متناسب با هزینه زندگی، ایجاد کار برای بی -

آزادی "برای خلق ما سخن گفت. چنین عملی نه آزادی برای خلق ما بلکه اسارت و برده‌گی برای خلق ما و آزادی برای طبقه سرمایه‌دار ایران است که لیبرالها خود را از دست می‌دهند. به همین دلیل است که با زرگان این سرمایه‌دار لیبرال، مصادره ملی کردن صنایع را توطئه شوم کمونیستها "میخوانند، چرا که مصادره ملی کردن صنایع (نه آنچه رژیم می‌کند) حقیقتاً توطئه‌ای علیه منافع امپریالیسم است! بنا بر این: از نظر ما مبارزه برای کسب آزادیهای دمکراتیک از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

● کارگران و زحمتکشی که در زانگه‌ها بسر می‌برند، نان شبش را نمیتواند در برآورد و صبح ناشام برای در آوردن نغمه‌ای آن این دروآن در می‌زنند، چه وقت، حوصله فراغت خاطر او مکان خواهد داشت که به مطالبه می‌نشیند، دارای عقیده‌ای مستقل باشد و بتواند در امور سیاسی جا معشکر است کند آری تنها با تامین حد اقل رفاه اقتصادی، توده‌های ستمدیده‌هاست که میتوان دمکراسی سیاسی واقعی را برقرار نمود.

کاران و تامین کلیه حقوق صنفی، رفع ستم مالکان و امپریالیستها از دهقانان و سپردن زمین به دهقانان، ملی کردن کلیه انحصارات بانکی، صنعتی و تجاری به نفع خلق و لغو قراردادهای اسارتبار که تنها منافع امپریالیسم را حفظ میکنند... تا مبنی میشود. آری تنها با برقراری چنین رفاه اقتصادی است که میتوان از دمکراسی به معنی وسیع کلمه (دمکراسی سیاسی و اقتصادی) سخن به میان آورد. اما لیبرالها که برای قریب مردم، خود را "سینه‌چاک" دمکراسی و آزادی معرفی میکنند، کوچکترین برنامه و نقشه‌ای برای تامین منافع اقتصادی زحمتکشان و ایجاد دمکراسی اقتصادی ندارند (و نمی‌توانند) - توانند داشته باشند، و با لعن از آنجا که خود جز طبقه سرمایه‌دار ایران هستند هر چه بیشتر به فکرا افزایش استثماری کارگران و زحمتکشان و برکردن جیب خودشان هستند به همین دلیل است که بنی مدروهمها لکبها بش مرتب از "کار بیشتر"، "کوش بیشتر" و "افزایش تولید" سخن می‌گویند، ولی آنها کار بیشتر و تولید بیشتر برای سرمایه‌داران می‌خواهند آنها البته از "بازندگی" نیز سخن می‌گویند، اما با زندگی برای سرمایه‌داران، بازندگی برای ساختن آنچنان جا مع سرمایه‌داری است که طبقه سرمایه‌دار ایران را غرق در پول سازد. آنها از آزادی اقتصادی نیز سخن می‌گویند، اما آزادی اقتصادی از نظر آنها، آزادی رشد سرمایه‌های خودشان، آزادی گسترش روابط با امپریالیسم و آزادی غارت بیشتر دسترنج کارگران و زحمتکشان است، براسستی چرالبرالها تاکنون ذره‌ای از ضرورت و تامین منافع اقتصادی

### ۲- دمکراسی حقیقتاً انقلابی، تنها در آزادیهای سیاسی خلاصه نمی‌شود.

اینکه فکر کنیم دمکراسی تنها به معنی آزادی بیان، عقیده و... است اشتباه کرده‌ایم - دمکراسی یک مجموعه‌ای از حقوق توده‌های انقلابی است که نه تنها شامل آزادیهای سیاسی (حق بیان و اندیشه و...)، بلکه شامل برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش یا بی‌اعتبارت دقیقتر رفع ستم ملی بر خلقهای دیگر برقراری حکومت انقلابی دمکراتیک از طریق شوراها و ملج کارگران و دهقانان و... است. اگر حکومتی بجای آنکه بطریق شورایی و یا توسط کنگره خلق از "پائین" به انکاء مردم حکومت کند، از طریق بوروکراتیک و از بالا "و به دور از مشارکت مستقیم و واقعی مردم حکومت کند، دمکراسی موجود در چنین حکومتی ظاهری بوده و واقعی نیست. لیبرالها چنین "دمکراسی" را به خلق زحمتکش ما توپید میدهند، یعنی حکومت از بالا و بدون دخالت مستقیم مردم. به همین دلیل است که لیبرالها دشمن سرسخت شوراها و واقعی هستند و آنرا "کمونیستها" می‌خوانند. و با زرگان و بنی مدروهمها لکبهای لیبرالشان با رها از ضرورت انحلال شوراها "کمونیستی" بودن آنها "با لخره" - "شورایی" شورا "حرف می‌زدند آنها و حجت دارند که خلق ما از طریق شوراها و انقلابی، در اداره مملکت نقش داشته باشد. لیبرالها می‌خواهند یک حکومت بوروکراتیک، قانونی (طبق قانون سرمایه‌داری) و با نظم و اداره (نظم و اداره سرمایه‌داران) وجود داشته باشد و به همین دلیل مردم را از دخالت در امور دولتی و مملکتی بر حذر میکنند و از "خلل" شوراها - های کارگری در امر مدیریت و تولید می‌نالند

در مقابل لیبرالیسم! بدشلولوی ضد انقلابی طبقه سرمایه‌دار! ما هیت ضد انقلابی لیبرالها و دروغین بودن فریادهای به اصطلاح آزادیخواهانسه آنها را توضیح دادیم. توضیح دادیم که آزادی از نظر لیبرالها در جا مع ما به معنی آزادی برای سازش با امپریالیسم است، گفتیم که بنی مدروهمها "آنها به دلیل همراهی با توده‌ها بلکه به دلیل بخطر افتادن منافعی که توسط رقیب، بلندگشته است و هرگاه مبارزه توده‌ها اوج گیرد، اینان خود به مها رزیدن و سرکوب آن می‌پردازند. سرکوب کردن و ترکمن محاربه دوره نخست - وزیر با زرگان و ریاست جمهوری بنی صدر نیرگواه بارز این مدعا است. اکنون ببینیم که دمکراسی واقعی و آزادی حقیقتاً انقلابی چیست و مردم ما چه نوع دمکراسی را میخواهند؟ از نظر ما کمونیستها:

### ۱- مبارزه برای کسب آزادی از مبارزه برای استقلال جدا نیست.

حتما بارها شنیده اید که ما می گوئیم "مبارزه برای دمکراسی از مبارزه ضد امپریالیستی جدا نیست" این جمله بیان کاملتر رابطه مبارزه برای آزادی و استقلال در جوامعی نظیر ایران است.

چگونه میتوان با دهها قرارداد اسارتبار اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیسم جنایت - کاروا بسته بود و با آزادی سخن گفت؟ چگونه میتوان ارتش دست پرورده امپریالیسم آمریکا را حفظ و با آزادی نمود و با آزادی سخن گفت؟ چگونه میتوان طبقه سرمایه‌دار وابسته به امپریالیسم را در غارت و استثماری دسترنج کارگران و زحمتکشان آزاد گذاشت و با آزادی آزادی برای مردم زحمتکش سخن گفت؟ چگونه میتوان سلطه امپریالیسم بر میهن ما را که مستلزم سرکوب هر چه خشن تر و شدیدتر خلقهای ایران است حفظ نمود و با آزادی سخن گفت؟ بنظر ما آزادی و دمکراسی واقعی در درجه اول به معنی آزادی از ستم امپریالیستی است که به خلق ما وارد میشود و این ستم امپریالیستی را نمیتوان از بین برد مگر با قطع سلطه امپریالیسم از میهن ما که تنها با برقراری دولت کارگران و زحمتکشان، مصادره ملی کردن املاک و کارخانجات سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم، حذف صنایع زانگه امپریالیستی، تا بود کردن ارتش دست پرورده امپریالیسم و جایگزینی آن توسط ارتش انقلابی خلق و... صورت می‌گیرد. بنا بر این برخلاف نظر لیبرالها، نمیتوان با منافع سیاسی امپریالیسم همسوئی نمود، بزرگترین خواست امپریالیسم یعنی سرکوب کارگران و زحمتکشان را به اجراء آورد، ارتش دست پرورده را رشد و گسترش داد، از طبقه سرمایه‌دار وابسته به امپریالیسم پشتیبانی نمود و در یک کلام سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را حفظ و با سزای کرد و با زهم از

**۵- دمکراسی خلق، دیکتاتور برای ضد خلق است.**  
دموکراسی توده‌ای تنها رفا دموکراسی و استقلال را برای توده‌ها به ارمغان نمی‌آورد، بلکه دیکتاتور برای عدا انقلاب نیز هست. همان‌طور که گفتیم ما آزادی‌های اجتماعی را قدم بر آزادی‌های فردی می‌شماریم و از اینرو آزادی هر نیروی ضد انقلابی که بخواهد بر دموکراسی خلق ضربه بزند جلوگیری کرده و او را سرکوب خواهیم کرد، بنظر ما نمیتوان دموکراسی واقعی را برپا کرد و آن را از تعرض و توطئه امپریالیسم و ضد انقلاب ممنون نگه داشت، مگر آنکه با یگانگی‌ها داخلی آنرا نبودنمود. ما معتقدیم که هر کس بر علیه منافع انقلابی خلق و برای تأمین منافع امپریالیسم در ایران دست به فعالیت بزند، با بدسروکوب شود از اینرو موافق سرکوب هر چه شدیدتر در روسته بختیار، و بسی سالار جاف، بالیزبان، زرکاری، ملاکسان، فتودا لها، طبقه سرمایه‌دار ایران و کلیه سرسپردگان امپریالیسم و همدستان آن و سایر ضد انقلابیون هستیم از اینرو ممکن است عده‌ای بگویند که آنچه که ما نیز می‌گوییم دیکتاتور است، پس چه

اعتصاب... برای زحمتکشان و کلیه نیروهای خلقی، تا مین برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برسمیت شناختن فعالیت آزادی‌اند و مستقل تشکیلات صغی و سیاسی کارگران، دهقانان، خلفا، و کلیه نهادهای دمکراتیک، آزادی خلفا در تعیین حق سرنوشت خویش، تضمین آزادی سر - بازان و درجه‌داران تحت نظام شورائی، آزادی مطبوعات انقلابی و مترقی و آزادی دخالت در اداره کشور توسط انتخاب نمایندگان شورا - های انقلابی خلق...  
آری ما در چپا چوب این آزادی‌های اجتماعی دمکراتیک است که آزادی فردی را برسمیت می‌شناسیم. ما فرد را بر اجتماع مقدم نمیدانیم و از اینرو آزادی فردی که مغایر با منافع توده‌ها و اجتماع باشد شدیداً مخالفیم ما کمونیست‌ها آزادی بیان، عقیده، قلم و سایر آزادی‌های فردی را در چپا چوب آزادی‌های اجتماعی قابل حمایت میدانیم به این ترتیب ما آزادی عقیده بیان و قلم برای فردی ضد انقلابی (نظیر بختیار و لیبرال‌ها و امثالهم) را آنجا که مغایر با منافع عمومی زحمتکشان میدانیم برسمیت نمی‌شناسیم

**بر خلاف تبلیغات لیبرال‌ها و کلیه امپریالیست‌ها، ما کمونیست‌ها مخالف آزادی فردی نیستیم اما مخالف همه نوع آزادی فردی هستیم. ما آزادی اجتماعی را برای آزادی فردی مقدم می‌شماریم چرا که تنها در پرتو آزادی‌های اجتماعی است که دمکراسی سیاسی واقعی مستقر میشود.**

فرقی با دیکتاتور سرمایه‌داران و وابسته به امپریالیسم دارد؟ در جواب باید بگوییم سوال دمکراسی برای همه انسانها نمیتواند یکسان باشد. فریبکاری بورژوازی و همان لیبرالیسم دروغین و ظاهری آنهاست. ما می‌برسیم مگر خلق و ضد خلق انقلاب و ضد انقلاب منافع مشترکی دارند که دموکراسی بتواند برای هر دو آنها باشد حکومتی که ضد خلق می‌خواهد، دمکراسی دروغینی که لیبرال‌های ضد انقلابی آن دم می‌زنند، همان‌طور که گفتیم دیکتاتور برای کارگران و زحمتکشان است و متقابلاً دموکراسی انقلابی که خلق بدنبال آن است، مخالفت و دیکتاتور بر ضد خلق است.

**۶- تضمین کنند دموکراسی تسلیح مستقیم توده‌هاست.**

گفتیم که حفظ دمکراسی برای خلق، مستلزم سرکوب ضد خلق است از نظر ما کمونیست‌ها، حفظ دمکراسی و حاکمیت مردم تنها از طریق برپا داشتن شورا‌های مسلح کارگران، دهقانان، سربازان و... ممکن است. باید جای سلسله مراتب در ارتش شورا‌ها، سربازان برقرار شود با بدسروکارخانه‌ها، مزارع و روستاها و خلاصه همه جا شورا‌های مسلح خلقی وجود داشته باشند تا بتوانند در برابر ارتش و زوات امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی، به دفاع از انقلاب و حکومت انقلاب و دمکراسی توده‌ای برخیزند و توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع را درهم‌کنند، ما لیبرال‌ها

اما از نظر لیبرال‌ها "آزادی فردی" ضد انقلابیون باید تأمین باشد، فی‌المثل بختیار نیز باید آزادی داشته که فعالیت کند (نگاه کنید به نظرات بازرگان و مدنی در باره بختیار که می‌گفتند، به عقیده آنها افسردلاق و ما دقسی است و باید حق با زکشت به کشور را داشته باشد) از نظر لیبرال‌ها، آزادی فردی برسمیت شناخته میشود، منتها به شرطی که نظم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم مورد تهدید قرار نگیرد لیبرال‌ها برای آزادی فردی سینه‌چاک میکنند، اما آنها از آزادی انقلابیون و کمونیست‌ها و آزادی‌های اجتماعی به نفع زحمتکشان بیزارند. آنها از منحل شدن اطلاعات کورکورا نه در ارتش و ایجاد سیستم رهبری انتخابی در ارتش، ایجاد شورا‌های انقلابی سربازان و... بیزارند، از وجود شورا‌های واقعی کارگری که منافع آنان را بخطر می‌اندازد بیزارند، از برسمیت شناختن آزادی حق تعیین سرنوشت برای خلق‌های کرد، ترک، عرب، ترکمن، بلوچ و... بیزارند، از آزادی گروه‌های انقلابی ضد سرمایه‌دار (کمونیست‌ها) بیزارند از قانون شکنی آنها (عدم وفاداری کمونیست‌ها به قوانین ارتجاعی و بورژوازی) بیزارند و خلاصه از هر چه که منافع آنان را به خطر بیندازد، بیزارند آنها از اذیت فرد دفاع میکنند، آنها فردگرایی را تبلیغ میکنند، چرا که حیثیتشان در گرو مالکیت فردی (خصوصی) بر سرمایه و وسائل تولید است، چرا که اگر مالکیت فردی فلان سرمایه‌دار را زکارت خانه برچیده شود، منافع آنان بر باد میرود.

زحمتکشان ایران سخن نگفته‌اند؟ چرا هیچ سرمایه‌های به نفع مردم زحمتکش برای حائل مسئله‌کراسی، بیگاری، فقر و فلاکت توده‌ها و... نداده‌اند؟ چرا علمبرغم برخی عوام مغربسی‌ها مانند دفاع از مستضعفان "کوچکترین قدمی در راه زحمت - کشان شوانسته اند بردارند؟ آیا به جز این است که منافع آنان (سرمایه‌داران لیبرال) نهدر نام منافع زحمتکشان، بلکه در تشدید استثمار آنها و تشدید فقر و فلاکت توده‌هاست؟ آیا به جز این است که آنها بنا به ما هیت ارتجاعی خود نمیتوانند کوچکترین قدمی در راه هابردارند؟ آری به همین دلیل است که در سخنان "آزادیخواهان" آنها سخن و سرمایه‌های برای تأمین منافع اقتصادی زحمتکشان نیست و نمی‌توانند هم باشد.

ما کمونیست‌ها که بیکبیرترین دموکراسی انقلابی را برای مردم مستمیده خود بنویسیدیم تا مین رفاه اقتصادی زحمتکشان را نیز جز - لاینفک تا مین آزادی‌های دمکراتیک میدانیم چه معتقدیم اگر زحمتکشان ما در بدترین شرایط زندگی بسر ببرند، آزادی بیان و عقیده و حق رای و غیره به چه دردشان می‌خورد، کارگرو زحمت - کشی که در زاغه‌ها بسر میبرد، نان شیش رانمی - تواند در دنیا وارد صبح ناشام برای درآوردن لقمه‌ای نان این دروآن در میزند، چه وقتست حوصله فراغت خاطر او مکانی خواهد داشت که به مطالعه بنشیند، دارای عقیده‌ای مستقل باشد و بتواند در امور سیاسی جامعه شرکت کند؟ آری تنها با تأمین حداقل رفاه اقتصادی توده‌های مستمیده است که میتوان دمکراسی سیاسی واقعی را برقرار نمود.

**۴- آزادی‌های اجتماعی بر آزادی‌های فردی مقدم است.**

بر خلاف تبلیغات لیبرال‌ها و کلیه امپریالیست‌ها ما کمونیست‌ها مخالف آزادی فردی نیستیم، اما مخالف همه نوع آزادی فردی هستیم ما آزادی اجتماعی را بر آزادی فردی مقدم می‌شماریم چرا که تنها در پرتو آزادی‌های اجتماعی است که دمکراسی سیاسی واقعی مستقر میشود در پرتو آزادی‌های اجتماعی است که آزادی فردی مفهوم واقعی خود را پیدا میکند و استعدادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کوفتا مگر گردد... ما آن آزادی فردی را که مخالف و مغایر با منافع اجتماعی باشد، مد - البته که برسمیت نمی‌شناسیم فی‌المثل مسا آزادی دستجات لیبرال‌ها، دارو دسته بختیار و کلیه نیروهای ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم را برسمیت نمی‌شناسیم و آزادی فردی که معنایش آزادی بودن در هر نوع فعالیت ضد انقلابی در جهت همدستی با امپریالیسم است تا برای منافع زحمتکشان میدانیم و به هیچوجه از آن حمایت نمی‌کنیم از اینرو ما رزمه - برای دمکراسی و آزادی‌های دمکراتیک، عمدتاً متوجه آزادی‌های اجتماعی است. ما نند آزادی فعالیت گروه‌های انقلابی، آزادی اجتماعات، راهبیمایی

عبه در صفحه ۲۰

بقیه از صفحه ۱

اینک مدت نسبتا طولانی است که بیکمترین نیروهای جنبش کمونیستی ما به برکت یک مبارزه ایدئولوژیک نسبتا فعال، تزهائی نظریا زمان واحد، اشتغال، مبارزه ایدئولوژیک - همکاری و... را رد کرده و امروز دیگر کسی نیست که حد اقل در حرف و صریحا از جنبش تزهائی دفاع کند. دیدگاه اشتلاف که زمانی طرفداران پروپا قرصی داشت و نگرش مشخصا راست و انحلال طلبانه از وحدت جنبش کمونیستی را عرضه مینماید و جلوه های آن، "کنفرانس وحدت" "دانشجویان مبارز"، "تشکیلات دوران گذار" بود، هم اکنون در عرصه مبارزه ایدئولوژیک کاملا بی اعتبار گشته و در عرصه هممل کاملا به بین بست رسیده و ورشکسته شده است.

تجربه این دوساله به اندازه کافی نشان داد که جنبش دیدگاهی تا چه اندازه سودمانعی در راه وحدت کمونیستها ایجا دکرده و چگونه در مبارزه ایدئولوژیک برای وحدت جنبش کمونیستی اختلال می نماید. این تجربه همچنین نشان داد که وحدت نیروهای جنبش کمونیستی فقط از کاتالیک مبارزه ایدئولوژیک مستمر و پیگیر حول مسائل شوریک و عملی انقلاب و در متن پراتیک انقلابی حاصل میشود.

ما با چنین درکی از وحدت جنبش م- ل و با علم به اینکه در بسیاری از مسائل اساسی انقلاب وحدت داشتیم، برای حل مسائل مورد اختلاف و تدقیق مسائل اساسی وارد پروپا قرص مبارزه ایدئولوژیک درونی برای دستیابی به وحدت شدیم. طبیعتا می بایست، چه مسائلی که در کلیت خویش مورد توافق بود و چه مسائلی که محل آنها میا موردا اختلاف بود، دقیقا و بصورت همه جا نهیای به بحث و بررسی بگذاریم. پراتیک دوساله اخیر بهترین زمینه ای بود که مسائل سیاسی و ایدئولوژیک را نه بر اساس آنچه که ادعا میشود بلکه بر اساس آنچه در عمل تحقق یافته است، مورد ارزیابی و برخورد قرار دهیم. این مبارزه ایدئولوژیک که بیش از ۶ ماه بطول انجام میدنقش مثبتی در نزدیک بنماید دیدگاهها ایفا نمود.

البته ما هیچگاه با این درک حرکت ننمودیم که وحدت خویش را با بحث و گفتگو تحقق بخشیم. همانطور که گفتیم پراتیک گذشته و بخصوص شرایط متحول جامعه و جنبش که نیروها را در مقابل تندپبجهای سخت و تعیین کننده ای قرار میدهد، خود زمینه وحدت ما را در بسیاری از مسائل اساسی نشان داده بود. ما نمی بایست و هرگز هم اصولی نبود که درباره مسائل اساسی شوریک و نظرات با بهای به بحث و گفتگوی درونی نشسته و بخواهیم از این طریق به وحدت برسیم علاوه بر مباحث عمومی سیاسی - ایدئولوژیک مسائلی چون ماهیت طبقاتی هیات حاکمه، قضیه سفارت، مسئله جنگ و... از جمله مسائلی



بودند که به بهترین وجهی وحدت یا اختلاف ایدئولوژیک سیاسی ما را نشان داده و بعنوان محکی در ارزیابی ما از مباحث سیاسی - ایدئولوژیک در عمل قرار میگرفت، طبیعی بود که هرگاه، مثلا در جنگ اخیرا اختلاف اساسی بین ما بوجود میامد، از آنجا که این اختلاف جلسهای از اختلاف در مباحثی بشمار میرفت، دیگر ضرورتی در پیگیری و ادامه مبارزه ایدئولوژیک درونی برای وحدت نبود و کاتالیک به مبهم مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی مرتبط میگشت. ما معتقد نبودیم و بر این اساس نیز حرکت ننمودیم که با اعتراف به یکسری از مواضع وحدت خویش را صورت بدهیم. ما از این نقطه حرکت ننمودیم که برنا مه وظیفه مئی و آن مباحثی سیاسی - ایدئولوژیک که می بایست با به وحدت قرار گیرد، در عین حال میبایست در طول یک پروپا قرص مورد جریان پراتیک انقلابی، مجموعا انطباق خویش را نشان داده و با از طریق یک انتقاد دریشه ای و اساسی زمینه نزدیکی وحدت فراهم شده باشد. با حرکت از درک فوق از امر وحدت، ما وارد درپروپا قرص مبارزه ایدئولوژیک درونی و در عرصه های سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی شدیم. در این مسیر علیرغم اینکه ما اختلافات مشخصی در زمینه ارزیابی از حرکت آینده خرده بورژوازی مرفه و برخی اختلافها در چگونگی ویرسیم همکاری بین نیروهای جنبش کمونیستی داشتیم، اما بدلیل فراهم بودن زمینه های اساسی وحدت و با توجه به اینکه در مبارزه ایدئولوژیک نیز دیدگاههای ما در زمینه های موردا اختلاف به هم نزدیک شده بود، وحدت را ضروری دانستیم و آن اختلافات را مانعی در جهت وحدت تلقی ننمودیم و آن را به مبارزه ایدئولوژیک درونی در سازمان پیکار محول نمودیم.

قابل ذکر است که در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی و سازمان پیکار (بصورت برخورد های دوطرفه) و مبارزه ایدئولوژیک درون گروهی، رفقای پیکار خلق به اشتقاق مشخصی از گذشته خویش دست یافته و تحلیلی از این اشتقاق در آخرین نظرات درونی خویش ارائه نمودند. این رفقا در تحلیل خویش به بررسی راست روی (انحراف راست) در فعالیت خارج از کشور (بصورت ارائه تز نیمه مستعمره - نیمه فئودال و شرکت نداشتن در

پراتیک مبارزات انقلابی داخل کشور) و انحراف راست اکونومیستی در داخل کشور پرداخته و آن را موردا انتقاد قرار دادند. جلوه های انحراف اکونومیستی و انحلال طلبانه رفقا در مسئله دانشجویان مبارز - هسته های کارخانه، قبول موقتی تشکیلات دوران گذار و بحران درونی گروه تبارز یافته بود.

مباحثی و مباحثی ایدئولوژیک - سیاسی این وحدت عبارت بودند از:

- ۱- مبارزه با رویزونیسم مدرن
- ۲- رد تز ارتجاعی و رویزونیستی سه جهان
- ۳- رد تزوتسکیسم
- ۴- رد مشی چریکی
- ۵- قبول تز سوسیال امپریالیسم بعنوان یکی از مباحثی وحدت و عضویت
- ۶- دیدگاههای وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر
- ۷- ساخت جامعه آرایش طبقات، مرحله انقلاب بزنا مه حداقل پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک ایران و جمهوری دمکراتیک خلق
- ۸- مباحث تاکتیکی و مشی مبارزات سیاسی و ارزیابی از احزاب بورژوازی
- ۹- ماهیت بورژوازی و ارتجاعی هیات حاکمه
- ۱۰- اساسنامه

در مورد ادغام تشکیلاتی، بعد از مبارزه ایدئولوژیک بر سر مسئله معیارهای عضویت موضع سازمانی، رفقای پیکار خلق بر اساس معیارهای سازمان پیکار در کمیته مشترکی که از نمایندگان دوطرف تشکیل شده بود، بر اساس توافق طرفین مورد ارزیابی قرار گرفته و در تشکیلات سازمان پیکار زمانه ندهی شدند.

گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (پیکار خلق) سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۵۹/۱۰/۱۶

## خبری از خرمشهر

اخیرا شرکت ایران و ژاپن که بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر کارگر و کارمندان دارد، به ۸۰٪ کارکنان خود حاکمی مبنی بر مرخصی اجباری داده است مدت این مرخصیها محدود بوده و در احکام مزبور صحبتی از پرداخت حقوق و مزایای کارگران نشده است. همچنین روسای این شرکت از کارکنان خواسته اند تا کمپنها تخلیه کنند و این درحالیست که اغلب کارکنان این شرکت که از اهالی آبادان و خرمشهر هستند، خانواده های جنگزده خویش را به کمبند کور آورده اند. صدور این احکامها اعتراض و مخالفت کارکنان مواجه گردیده است.



# پیش سوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

## شیراز: آوارگان دست به مبارزه میزنند

گروهی از آوارگان مستقر در شیراز، در جاده‌های اسکان یافته اند که اکثر آنها سوراخ و یا باره هستند و به همین جهت هنگام بروز باران داخل و خارج چادرها و تنگ‌های برای آنان ندارد. آوارگان مستقر در شیراز همچنان از نظر مواد غذایی و پوشاک نیز در مضیقه هستند. برای اعتراض به وضع نامسا من حاکم بر اردوگاه آوارگان، نود و هفت تن از آنان روز ۲۲ آذرماه دست به تظاهرات اعتراضی میزنند که از طرف برادران ارتجاع سرکوب می‌شود. مبارزه آوارگان جنگ و افشاکاری کمونیستها و نیروهای انقلابی عوام فریبیهای جمهوری اسلامی را که تحت فشار نود و هفت تن دروغین حمایت آوارگان را بلند کرده، بیش از پیش افشا میکند.

## اخبار جنگ

### ارتش جمهوری اسلامی و موشک سام شوروی

اخیراً ارتش جمهوری اسلامی به موشکهای زمین به هوای سام ۳ ساخت سوئیسال امیرالیسم شوروی مجهز شده است. این موشکها ۲۶۰ هزار تومان قیمت دارند و پس از یکبار تیراندازی فقط "چکانده" آن میماند که برای استفاده مجدد با بدروا نه شوروی کردند.

رژیم جمهوری اسلامی همزمان با خرید سلاح از امیرالیستهای غربی خود را به تسلیحات ساخت شوروی نیز مجهز می نماید تا بیش از پیش این واقعیت را که حفظ منافع طبقاتی ارتجاع "هم شرقی و هم غربی" را می طلبد اثبات نماید.

## باز هم مصیبت‌های جنگ برای زحمتکشان

ادامه جنگ ارتجاعی بین رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق برای زحمتکشان جز فقر و بدبختی نصیب دیگری نداشته است. اخیراً ستاندار چهارم حال بختیاری سه کلیه "شوراهای" روستاها (شورا!) ابلاغ کرده است که "بعلت موقعیت جنگی کلیه برنا مه‌های عمرانی قطع شود". رژیم جمهوری اسلامی برای تا مین هزینه‌های جنگ خانمان برانداز، آن مقدار رنجشهای کار عمرانی را هم که برای عوام فریبی در برنا مه‌ها پیش‌تر داده بود حذف مینماید. مهم آن است که منافع سرما به داران حفظ شود که در این جنگ هم محفوظ است. از "کهرنگ" ۸ نشریه‌ها داران سازمان در چهارم حال بختیاری (با اندکی تغییر)

## آوارگان جنگ مسبب در بدریشان را می شناسند

هر چه از آغاز جنگ ارتجاعی دور می‌شویم، ماهیت فریبکارانه و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، بهتر و بیشتر برای توده‌های جنگزده افشا می‌شود.

روز هجدهم ماه گذشته، برادران ارتجاع در ادامه سیاست سرکوب دانشجویان انقلابی، به خوابگاه دانشجویی در خیابان "نجات‌اللهی" حمله کردند و کوشیدند بیپناهان فریبکاران "اسکان آوارگان جنگ" را تحت فشار در اختیار گرفته و دانشجویان را بیرون بریزند ولی با مقاومت دانشجویان مواجه شدند و طبق معمول به اسلحه پناهنده شدند که آنهم کاری از پیش نبرد! بعد از ظهرها روز "کمیتگی" های مرتجع با تفاق یک خانواد آواره جنگ مجدداً به خوابگاه برگشتند و گفتند "اطاقهای خالی را برای اقامت آوارگان در اختیار ما بگذارید" دانشجویان ضمن افشای ماهیت رژیم سرکوب خانواد جنگزدهگان توضیح دادند که چگونه ارتجاع می‌کوشد از وجود آنان سوء استفاده تبلیغاتی نماید. زن زحمتکش آوارهای پاسخ داد که "ما قبلاً چند باره "کمیتگی" مرا جمع کرده و هر بار سرمان به سنگ خورده بود. به همین جهت مستقیماً با یکی از دانشجویان تماس گرفتیم و گفتند که ما بی‌توانند اطاقهای در اختیار ما بگذارند و الان هم در بین راه، اینها (ایشان) به کمیتگی‌ها (همراه ما) راه افتادند و ما کاملاً به هدف اینها آکامیم." اینها اگر میخواستند به

## راهپیمایی زحمتکشان بهبهان در اعتراض به گرانی

با شروع جنگ غیرعادلانه کنونی علاوه بر شدت گرفتن بیکاری و گرانی، خانه خرابی و در بدی نیز به مشکلات زحمتکشان افزوده شد. زحمتکشان بر اثر "برکت" این جنگ حامل بسک عمر خود، یعنی خانه و زندگی و کارشان را از دست دادند. رژیم نه تنها به این زحمتکشان هزینه‌ای بابت زندگی نپرداخته بلکه هر روز قیمت اجناس را افزایش داده و با رنگین نام عوارض جنگ را بر دوش زحمتکشان اندخته. (انتظاری که از رژیم ضد خلقی میرفت) اما زحمتکشان که در زندگی روزمره بی برده اند رژیم‌های آنها نیست و دارندارشان را به دود و آتش سپرده، فریاد اعتراض خود را در همه جا بلند کرده اند. در حدود ساعت ۹/۳۰ صبح روز ۱۰/۱۰/۵۹ عده ای حدود ۲۰۰ نفر از زحمتکشان آواراه و بومی بهبهان بعنوان اعتراض به گرانی قیمت روغن دست به تظاهرات زدند و پس از فریاد ارتجاع رفتند. آنان در طول راه شعارهای "روغن ۲۹ تومانی گرونی، گرونی" "مرگ بر کار و فروش مرگ بر سرما به دار" را می‌دادند. تا اینکه به فرمانداری شهر رسیدند. برادران سرما به با سلاحها پیشان

مشکل آوارگان رسیدگی کنند در شیراز رژیم با پیشان آب زخمیکردند، به آنها توهین نمی کردند. در اصفهان با آنها بدرفتاری نمی‌کردند و... و "اینها بفکر این مشکلات نیستند! آن در شهرستان آوارگان در خطر انواع سرما بهها هستند و دولت کوچکترین اقدامی نمی‌کند." دانشجویان توضیح دادند که با وجود هزاران

آبارتمان خالی در تهران، چرا آوارگان را اسکان نمی‌دهند. زن آواراه داد مه داد: "ای بابا اینها راه من نکوشید، اینها اگر میخواستند تمام خوزستان را در شهرک اکباتان می توانستند جا بدهند ولی اینها می‌ترسند که آوارگان به تهران بیایند و به همین خاطر آنها را به

## جنگ غیرعادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق



## نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

### تظاهرات و راهپیمایی جواب آوارگان به تبلیغات دروغین رژیم

در ماه شهر

در روز ۹/۲۷/۹۰ در کمپ "ب" رژیم مثل همیشه به زحمتکشان و آواره لوبیای فاسد و کندیده میدهد، بطوریکه کلیه کسانی که آشرا خورده بودند دچار مسمومیت میگرددند. در همین روز روز بعد ۹/۲۸/۹۰ در حالی که باران شدید نیز باریده بود آب و برق کمپ نیز از طرف مسئولین قطع میگردد این مسائل موجب برجستگی بیش از پیش بدبختی و رنج و دردا آوارگان میگردد.

در روز ۹/۲۸/۹۰ نما بندگان هر ردیف (L-Q) ساعت ۱۱ برای تحویل گرفتن غذا به آشپزخانه میروند و مطلع میگرددند که جیره آشپزخانه خالی است. با مشورت تصمیم میگیرند هر نما بنده به ردف خود سرکشته و مردم را برای گرفتن جیره به طرف آشپزخانه روانه نکنند. مردم از هر طرف بسوی آشپزخانه آمدند. آنان خشمگین و ناراحت میگفتند "آب و برق را که قطع کرده اید، غذا هم که لوبیای فاسد و نان خشک میدهید. بیس بکشید که میخواهید ما را به کشتن بدهید." عده ای می گفتند: "در آشپزخانه را با زنجیرها خودمان کار کنیم". مسئولین در مقابل اعتراض مردم خشمگین که در حال اوچگیری بود ترجیح میدادند سکوت کنند. مردم خشمگین شروع به دادن شعار "عالی پور، عالی پور، عالی پور، عالی پور، عالی پور" (عالی پور مسئول آشپزخانه کمپ است) "جیره حق مسلم ماست نمودند و سپس دست به راهپیمایی زدند تا به خیابان اصلی کمپ "ب" رسیدند. جمعیت حدود ۳۰۰ نفر بود که همه یکجا فریاد میزدند "شماره آواره، نان، مسکن، آزادی"، "آواره، آواره" خواهان قطع جنگ است. زنان در حالیکه بچه های کوچکشان را در بغل داشته و عده ای طرفیهای خالی غذا را بر سر دست گرفته بودند، بطرف در

خروجی کمپ حرکت کردند. تصمیم گرفته شده نزد فرماندار سربندرز و جمعیت در حالیکه یکسره شعار میدادند بطرف سربندرز حرکت کردند در سربندرز "شماره ۱" تعداد، تعداد، آواره، آواره، آواره، آواره" را می دادند. تعدادی از آوارگان مستقر در سربندرز نیز صف را همپا با آنها پیوستند.

جمعیت در باغ شهرداری توقف کرده و سه نما بنده برای صحبت با فرماندار را انتخاب کردند فرماندار این نما بنده و محری رژیم جمهوری اسلامی نما بندگان مردم را "اخلالگر" و "مفسد انقلاب" خوانده و آنان را به عنوان نما بنده مردم قبول نمیکند!! (حتما خودش را نما بنده مردم میدانسته)، یکی از نما بندگان این مسئله را به اطلاع مردم میرساند و مردم با تاخیر دوباره نما بندگان از این عمل فرماندار ریشه خشم آمده و با شعار "فرماندار را بدجواب بگویند" به سوز فرماندار میروند و به این ترتیب توطئه فرماندار و ایا دیش که قصد تفرقه افکنی بین مردم و نما بندگان شان داشتند را نقش بر آب میکنند.

فرماندار نیز ما بنده مردم را از رژیم همان سیاست همیشگی را با زنی کرده و با گفتن این که "ما کمبود مکانات داریم"، "با بیست جیرفت بروید، از غذا و بهداشت خبری نیست" خیال خود را با مبالغه راحت کرده و جمعیت را ترک میگوید.

جمعیت با شعار "فرماندار فراری با بیست جواب بگویند" مشت محکمی بر دهان آقای فرماندار و دیگر مسئولان رژیم میکوبند، بخشدا را در میانی میکنند تا بدبا یکسری موعظه ها خشم مردم را فرو نشاند و طبق معمول به جنگ و... متوسل می گردند که با زهمی تا شربود و ناچار میشدند خواسته های آنان را قبول کرده و بطور کتبی بپذیرد که سه نما بنده، منتخب مردم هستند و قرار میشود االی کمپ ۲ نفر دیگر نیز انتخاب نما بندت این ۵ نفر را موزیع غذا، پوشاک امور بهداشت و... نظارت داشته باشند. آوارگان بعد از این پیروزی که دستاورد اتحاد و مقاومتشان بودا رخشا برای بازگشت به کمپ وسیله نقلیه گرفته و با شور فراوان به کمپ بازمیگردند.

نقل از فریاد آوارگان شماره ۹  
کمیته خوزستان

بقیه از صفحه ۱۸ بنی صدر...

قدرت بخرد، ادعاهای دروغین او تنها برای تکیه زدن بقدرت است و نه برای توده های مردم کارنا نه فوق کونه کوچکی از خسانتهای اوست او هرگز قابل اعتماد نبوده و نمی تواند باشد. بنی صدر متحد دوست امیربا نیستها و دشمن زحمتکشان است و با بدهم چون دشمن با او و همپالکی هایش برخورد شود.

"سازمانی بنام پیکار نشر به ای (ندای آواره از کمیته اصفهان سازمان) بخش کرده که همه اش در به راه وضعیت ما آواره های دانسکا نوشته، خیلی خوبست تمام مسائل را بازگو کرده، از بدبودن وضع غذایی که همش نون و پنیر میدهند و تمام چیزهای نوی دانسکا را نوشته تنها اینها هستند که بفکر ما میباشند به قربان سازمان پیکار".  
ب نقل از "فریاد آوارگان" ۹ (کمیته خوزستان)

جا های برتی مثل جیرفت میفرستند که هر بلائی بتواند سرشان را بیاورند و کسی نفهمد و اگر لازم هم تدبیر کار را ببینند.

مزدوران کمیته که اوضاع را "تا مساعد" دیدند با تهدیدات توخالی، خوابگاه را ترک کردند. موقع رفتن آنها، خانواده جنگ زده کمپند که الان میروند و در روزها ماهها بیامی - نویسنده که دانشجویان آوارگان را راندند (!) و رویش تبلیغ میکنند!

سیرا و جکیرنده مبارزات و فعالیت آگاه هکانه کمونست ها و نیروهای انقلابی، توده ها را بیشتر و بیشتر آگاه خواهد کرد و آنگاه که جنبش صحنه های زیبائی که مزدوران ارتجاع بزدلان را هفرا را پیش میگیرند زبیا دترو زبیا دتسر خواهد شد و طولین فریادهای خشم توده ها محکمتر و موثرتر جنبش باد!

## پای صحبت زحمتکشان آواره

اصفهان

در روایتی که بطرف خوابگاه ها دانشجویی دانسکا صنعتی اصفهان میرفت عده ای از آوارگان با هم به صحبت نشسته بودند. زنی میگفت "ما آواره ها با یکدیگر اتحاد نداریم، هنگا میکه شرب آب سرد را قطع میکنند ما اعتراض نمیکنیم و تازه بعد از چند روز بفکر میباشیم که راستی آب سرد را قطع کرده اند. ما همه آواره ایم، از یکجا آمده ایم و یکجور بدبختی و ظلم بر ما میشود. ما با بدبا هم متحد میباشیم، اگر متحد میباشیم هر بلائی دلشان بخواد هدیر ما میاورند."

زن دیگری میگفت: "خوابگاه ه برشته از جاسوس، اطلاق می شود حرفی زد، تا حرفی میزنیم به گوش نیابتی (معاون استاند) که در دفتر ایداد خوابگاه همیشه حضور دارد) میرسد، اینقدر جاسوس دارند که نیابتی گفته "من از هر لقمه ای که شما میخورید خبر دارم" تا رگبها یک نفر را به جرم مخالفت با رژیم و شعار نویسی گرفته اند مگر ما آزادی نداریم! آزادی عقیده با وجود داشته باشد. از روزی که خونده روی کسار آمده اند و وضع ما بدتر شده هر روز که میگردیم ما بدبخت تر می شویم" و با عصیان نسبت به رژیم حرف میزد. در ادامه گفت: "نیابتی به من می گوید: "پسرتو سش بالای ۱۵ سال است با بد خوابگاه را ترک کند، در غیر اینصورت بنا به تعهدی که داده ای با خانواده مجبور به ترک خوابگاه میباشی" من حاضر به ترک این محل نیستم، چرا که این ساختمانها با خون و عرق ما مردم بدبخت بالا رفته و گرنه اینها (نیابتی و خراسانی) که کارهای نبودند، دانسکا هیا عسری مردم زحمتکش بالا رفته و چون مال خودمان است حاضر به ترکش نیستیم. زن دیگری ادا مه داد:

## مبارزه علیه جنگ راه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

## بقیه از صفحه ۹ بنی صدر...

از طرف حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی ، کاندیدای نمایندگی مجلس خبرگان میشود و با تهیه پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی نقش مستقیم در تدوین قوانین ضد انقلابی بر علیه زحمتکشان ایران دارد. بعدها در جنگ قدرت با حزبی ها او با رها تا کید میکند که به ولایت و فقیه ایمان دارد و بدان رای مثبت داده است.

پس از اشغال لانه جاسوسی ، به وزارت امور خارجه منصوب میشود و چون کوشش برای آزادی گروگانهای جاسوس بودا میریالیسم آمریکا شکست میخورد ، استعفا میدهد.

او که پس از ورود به ایران کوشیده بود حتی المقدور در پشت پرده ایمان ندانند مردم شرکتش را در اقدامات جنایتکارانه دولست با زرگان ننهند ، با لافها فریفتن توده ها ، دامین زدن به توهم آنان به ریاست جمهوری انتخاب میشود.

او پس از انتخاب سریع شروع به با زسازی سرما به داری وابسته میکند و در نتیجه دروغها و عوامفریبی ها بیش از پیش آشکار میشود.

او پیش از این دم از اقتصاد توحیدی - و مخالفت با سرما به داری میزد تا توده ها را کول بزند ، اما تمام سیاستهای اقتصادش همواره در جهت حفظ و تحکیم سرما به داری وابسته به امیریا - لیم بوده است .

او همواره و بخصوص پس از ریاست جمهوری به دفاع ، تحکیم و با زسازی ارتش ضد خلقی شاهنشاهی پرداخته است ، پرسنل انقلابی ارتش را محکوم کرده و از سلسله مراتب ارتجاعی ارتش که در حقیقت با دگمستاران آمریکائی است ، حمایت کرده است ، او از فرماندهان ارتش شاه خاشن یعنی فلاحیها ، ظهیرنژادها و با قربیها دفاع کرده و حتی کوشیده است تا افرادی چون با قری و دیگر کودتاچیان ارتش را از زندان آزاد کند و همچنین به خرید سلاح از امیریا لیمت - ها پرداخته و در یک کلام کوشیده است ، ارتش دست پرورده آمریکا را که در قیام بهمن ۵۷ ، ضربه دیده بود ، با زسازی کند .

او فعلا لانه به سرکوب خلق قهرمان کردید است و وقت احترا به آنجا رسد که در سخنرانی به مناسبت سالروز و زحمتکشان جمهوری اسلامی در فروردین ۵۸ گفت : " از همین لحظه ارتش حق ندارد بیوتین از پای در آورده ، مگر آنکه آن خطه از وجود ایمن یا غیبا ( منظور خلق دلاور کرد و پیشمرگانشان قهرمانش است - پیکار ) پاک کند . خلع ...

جنايات بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی را در کردستان هرگز فراموش نخواهد کرد .

بفرمان او و دیگر جناحهای رژیم ، ارتش ضد خلقی ، ترکمن صحرا را به خون کشید ، او با بن جنایات را تنها " ده در صدقا طبعیت " خویش اعلام کرد ، در مورد جنايات قبیح ترور رهبران خلق ترکمن ، بنی صدر و قیام نامه اعلام کرد ، آنها نباید ترور میشدند ، بلکه باید در بیدار دگم جمهوری اسلامی محکوم به اعدام گشته و قاتلانشان نیز با ران

میشدند .

او نیز در کنار حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی مسئولیت مستقیم جنايت " اول اردیبهشت " ، در دانشگاهها ایران کدهها دانشجوی کمونیست و انقلابی کشتار شدند را دارد . او فردای کشتار خونین دانشگاه در سخنرانی در دانشگاه تهران اعلام کرد ، این اولین روز رسمیت و قانونیت جمهوری اسلامی است آری از نظری بنی صدر ، کشتار دانشجویان انقلابی به جمهوری اسلامی رسمیت میبخشد .

او مدافع علنی و مستقیم امیریا لیستهای اروپائی و زاپین بوده و علنا از این امیریا لیستها دفاع کرده است ، او غیر مستقیم نیز با رها امیریا لیسم آمریکا دفاع کرده و کوشیده است تا منافع امیریا لیسم را در ایران حفظ کند . در اینجا لازم است بگوئیم ، برخی از مشاورین بنی صدر ، ریزیونیستها یا خاشن سهجا نپها هستند و اساسا سیستم فکری او در ارتباط با مقوله دوا بر قدرت و اتحاد با امیریا لیستهای اروپائی ، از نظرات سهجا نپها تا شریذیرفته است .

او شدیداً به ضدیت با نیروهای انقلابی پرداخته است تا کنیک خاشنه خلع سلاح او ، که می خواست نیروهای انقلابی را وادار به پذیرش حرکت در چارچوب قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی بکند و نظام سرما به داری وابسته را به رسمیت بشناسد ، هدفی جز سرکوب نیروهای انقلابی نداشت . او در اسفند ۵۸ ، خاشنه به نیروهای انقلابی گفت : " خانه به خانه شما را خواهیم گویید و هیچ شعاعی با شما نخواهیم داشت . " ( بنی صدر این سخنان را بلافاصله پس از کشتار رگنبد اظهار داشت ) .

او نه تنها با حق تعیین سرنوشت خلقهای کرد ، ترکمن و ... مخالفت کرد ، بلکه در ارتباط با سرکوبی تشکلهای توده ای کارگران اظهار داشت " شورایی شورا " ، بدین ترتیب ما هیئت فدکا رگری خود را یکبار دیگر بنا بست نمود .

او تحت عنوان حمایت از " تخصص " ، کوشیده است ، تا سرپرستان رژیم پهلوی و مدبران با تجربه زمان شاه را برای با زسازی کا ملتبر سرما به داری وابسته بکار بگمارد .

بنی صدر در سخنرانی اش در خزان ، اسفند ۵۷ به کارگران می گفت : " کارگران هستند که نشان با پیسی کولا میخورند و ما میدانیم که خیلی ضرر دارد ( ! ) ولی شما کارگرها بدانید ، فلان سرما به - دار که هفت رنگ خورشت میخورد ، چون خورشت بر چرچی است ، بهترتر از آن پیسی است ( ! ) " یعنی بنی صدر کارگران را کول میزند و با عنوان اینکه غذای کارگرها از غذای سرما به داران کمتر ضرر دارد ، میکوشد که کارگران بقبولانند که همان نان و پیسی خودشان را بخورند و برای بهیود وضع زندگی رقب با خود نکوشند . بنی صدر عوامفریب به کارگران میکوشد که سرما به - داران خونخوار را رها رزه نکنند و سیستم سرما به - داری را تا بودن سازد ، چرا که او مدافع خونخواران و دشمن زحمتکشان است .

او نه تنها با اعدام ، سرپرستان رژیم شاه خاشن مخالفت میکرد ، بلکه کوشید تا برخی از عناصر خاشنی که ارتباطشان با امیریا لیسم دیگر - کا ملا آشکار شده بود را نیز آزاد کند ، از جمله او میناچی و خسروشقاچی ، این خاشنین به خلق - ها را از زندان آزاد کرد و از امیریا لیسم ، مدنی و قطب زاده حمایت نمود .

بنی صدر دوست احسان تراقی ، برنا مهریزو ایدئولوگ حزب رستا خیز و زامهره های حساب رژیم سرما به داری وابسته تا هاشن بود ، احسان تراقی با کوشش بنی صدر ، پس ارقیام از زندان آزاد شد و اکنون یکی از مشاورین بنی صدر میباشد ، طبیعی است که مشورتیهای تراقی با او ، در جهت باری و مساعدت به بنی - صدر را را شه برنا مه های برای وابستگی بیشتر به امیریا لیسم است . بنی صدر با رفتار با صلاح محبت آمیز نسبت به خاشنی مثل دکتر تراقی در واقع نشانهای را که در رژیم گذشته از او قرض گرفته است به او پس میدهد . بنی صدر و حبیبی در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده ادبیات شاگردوستیا احسان تراقی بودند . تراقی برای هردوی آنها بورس تحصیلی در فرانسه را درست کرد که تا سالها بعد از شرفا تش در فرانسه بهره مند بودند ، احسان تراقی مشاور عالی لیرتبه ساواک و نیز نماینده ایران در یونسکو بود . تراقی هرگاه از فرانسه رده می شد مهمان بنی صدر بود

او صاحب امتیاز نشریه لیبرالی و ارتجاعی انقلاب اسلامی است که به سود امیریا لیسم و علیه کمونیستها مرتب تبلیغات میکند .

بنی صدر بعنوان فرمانده کل قوا ، مسئول مستقیم کشتار زحمتکشان در سراسر ایران و بخصوص کردستان بوسیله نیروهای ضد خلقی انتظامی جمهوری اسلامی است و پس از جنگ ایران و عراق نیز ، بنی صدر همپای دیگر رهبران دولت های ایران و عراق مسئول مستقیم کشتار زحمتکشان ایران و عراق در جنگ میان رژیم جمهوری اسلامی و رژیم ضد خلقی بعث عراق است .

اکنون چنین کسی که هرگز به مبارزه انقلابی با رژیم شاه دست نزده و در خارج از کشور ، خوش میگذرانده است و پس از ورود به ایران متحد با حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی به با زسازی سیستم سرما به داری وابسته و سرکوب انقلاب برداخته است ، ادعای انقلابی بودن و آزادی خواه بودن میکند ، ادعای دروغین او تنها بعلت جنگ قدرت با حزب جمهوری است ، و گرنه به حکومت او نیز نشان داده است ، که نمی تواند آزادی توده ها و زحمتکشان را تحمل کند ، او نیز مانند حزب جمهوری دشمن آزادی و انقلاب ایران است .

خلقهای قهرمان ما بنی صدر را در کنار حزب جمهوری خاشن به خلقهای ایران میدانند و ادعاهای دروغینش را مبنی بر آزادیخواهی با ورندارند . بنی صدر فریبکار دغلبازی است که میخواهد بر شاه های توده ها سوار شود و به بقیه در صفحه ۱۷

توضیحی درباره ستون پاسخ به نامه‌ها

● برخی از رفقا ضمن انتقاد به صفحه "پاسخ به نامه‌ها" پرسیده‌اند چرا در شرایطی که سه سئوالات بسیار زیادی حول مسائل حاد و مهم مردم جنبش کمونیستی وجود دارد در این صفحه باید به سئوالات، ابهامات و انتقادات رفقا پاسخ داد، عموماً نامه‌های تهمیجی رفقای کارگرو زحمتکش درج می‌گردد، و کمترین سئوالات رفقا پاسخ داده می‌شود.

در پاسخ به رفقا با بدگوشیم قصد ما از انعکاس بیشتر نامه‌های کارگران و زحمتکشان و کمترین پاسخ دادن به سئوالات سیاسی رفقا ناشی از کم‌بها دادن به مسئله ابهامات، سئوالات و انتقادات رفقا، که بطور کلی ناشی از درکمان از وظیفه پیکار تبلیغی-سیاسی بودجه ما معقدیم "پیکار تئوریک" آن ارگانی است که باید به سئوالات و انتقادات تئوریک رفقا پاسخ گوید و پیکار تبلیغی - سیاسی که از بردن توده‌های بیشتری برخوردار است وظیفه بحوری اش فعالیت تبلیغی - سیاسی است باید بیشتر به نامه‌های کارگران و زحمتکشان که جنبه تبلیغی، تهمیجی بیشتری دارد، پاسخ بگوید. در عین حال ما میکوشیم تا ترکیب هرچه مناسبتری از مطالب ترویجی و تبلیغی در صفحه پاسخ به نامه‌ها ایجاد کنیم ولی همانطور که گفتیم نمیتوانیم کل صفحه پاسخ به نامه‌ها را به مطالب ترویجی اختصاص دهیم! پیروزی باشد!

● رفقای توزیع و بخش غرب تهران پرسیده - اند چرا صفحات نشریه مرتباً افزایش می‌یابد و آیا بهتر نیست تعدادی اعلامیه‌ها و تراکت‌ها که برد بیشتری دارند افزایش یابد و اینهمه صفحه را با محدودیت‌هایی که دچار آن هستیم افزایش بدهیم؟

رفقا در رابطه با ضرورت انتشار بیشتر تراکت‌ها و اعلامیه‌ها، ما نیز به آنجه که شما گفته - اید و تقسیم‌وازی نیرو کوشیده‌ایم اعلامیه‌ها و تراکت‌های بیشتری را در طی هفته منتشر می‌کنیم اما در مورد ۳۲ صفحه شدن نشریه با بدگوشیم که بنظر ما مبارزه طبقاتی جاری در جامعه ما است بیش از آنچه در ۳۲ صفحه نشریه می‌آید، تبلیغات و... می‌طلبند در این رابطه ما قصد داریم حداقل نشریه را ۲ بار در هفته منتشر کنیم در عین حال تا زمانیکه این امر به اجرا درآید، ما نمی‌توانیم از بخشی از تبلیغات خود در هفته صرف نظر کنیم. به همین جهت تاگزیر هستیم فعلاً موقتاً نشریه را در ۳۲ صفحه منتشر می‌کنیم. امیدواریم که با کمک کلیه رفقای چاپ، توزیع و بخش بتوانیم هرچه سریعتر نشریه را دوباره در هفته منتشر می‌کنیم. پیروزی باشد!

درباره استقلال سیاسی

● رفیق ف - از اضعاف نظر من نامه مفصلی



در مورد برخورد به مقوله استقلال سیاسی "سئوالاتی مطرح کرده است آیا آنچه در پیکار ۸۳ دربرخورد به استقلال سیاسی درج شده است با مقالات قبلی پیکار و بویژه با آنچه در پیکار تئوریک در مورد استقلال نسبی سیاسی آمده است متناسب نمی - باشد چه ما در پیکار تئوریک گفته‌ایم "رژیم جدید ایران از لحاظ سیاسی دارای استقلال نسبی سیاسی است... و اساساً در درجه اول از مصالح و مقتضیات طبقه بورژوازی ایران تبعیت می‌کند (صفحه ۵۳ پیکار تئوریک) و بر اساس همین استقلال سیاسی نسبی هردو کشور (ایران و عراق) جنگ بین این دو رژیم را ناشی از توطئه‌های امپریالیسم ناسیونالیست، بلکه ناشی از منافع بورژوازی دو کشور رزبایی کرده‌ایم. سپس رفیق ضمن تکیه بر نظرات لنین در مورد استقلال سیاسی، می‌گوید: "با انطباق سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی با سیاست امپریالیسم جهانی، آیا به معنی وابسته بودن آنست؟" در پیکار ۸۳ می - گوئیم "بدین ترتیب سیاست‌های جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم جهانی است"

رفیق، در پاسخ به سئوالات تو مقدمتاً از ما است بگوئیم که ما در آینده بطور مفصل به مقوله استقلال سیاسی که رفقای زرمندان و راه کارگر برسدان معتقدند، برخورد خواهیم نمود.

اما بطور خلاصه در رابطه با تناقضی که بدان برخورد کرده‌ای باید گفت اولاً: حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت بورژوازی است. طبقه بورژوازی ایران از لحاظ اقتصادی وابسته به امپریالیسم است. از این لحاظ در روند عمومی و در نهایت رژیم جمهوری اسلامی ایران جزئی از سیستم جهانی امپریالیستی محسوب می - گردد. از اینرو رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند در روند عمومی، سیاستی مستقل از منافع امپریالیسم جهانی داشته باشد هر چند که ممکن است در این با آن مقطع سیاست‌های وی در اختلاف با منافع خاص این یا آن کشور امپریالیستی صورت پذیرد. اختلاف منافع که در برخی سیاستها ممکن است بوجود آید نیز ناشی از مقدم بودن منافع بورژوازی ایران بر منافع امپریالیست - هاست. و این نیز بدلیل کارگزار نبودن رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

بنابراین زمانیکه می‌گوئیم رژیم جمهوری اسلامی، وابسته به سیاست‌های امپریالیسم جهانی است، این سخن را بنا بر مجموعه سیاست‌های این رژیم و بنا بر انطباق ناگزیر سیاست‌های رژیم با سیاست‌های امپریالیسم جهانی در روند عمومی خویش ذکر می‌کنیم بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند در تحلیل

نهائی و در روند عمومی حرکتش در مجموع سیاست‌ها، مستقل از منافع امپریالیسم جهانی حرکت نماید. و در عین حال بدلیل کار - گزار نبودن این رژیم و مقدم بودن منافع بورژوازی ایران نسبت به بورژوازی امپریالیستی (که بطور کلی در انطباق با یکدیگر قرار دارد) از "استقلال سیاسی نسبی" سخن گفته‌ایم بدین ترتیب ضمن توضیح رابطه دیالکتیکی

زیربنا و روبنا نقش و جایگاه اقتصاد و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی را بیان کرده‌ایم بنظر ما درکی که سیاست را عکس برگردان اقتصاد جلوه دهد و وابستگی تمام عیاراً اقتصاد را به داری وابسته ایران، وابستگی تمام عیاراً سیاسی (کار - گزار رژیم جمهوری اسلامی) را نتیجه بگیرد تفکرات کونومستی و دکماتیک خود را بنمایا پیش می‌گذارد. در عین حال درکی که بگوئد سیاست و اقتصاد را از یکدیگر جدا کند و بی‌بند و بار به فراموشی سپرد و سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران را سیاستی مستقل (مستقل از منافع امپریالیسم جهانی) جلوه دهد، تفکر بورژوازیستی - تروتسکیستی خویش را بنمایش می‌گذارد، ما همدارمیدیم که زمینه تئوریک پذیرش تئوری رویزیونیستی "راه‌شده غیر سرما به داری" جنبش تلقی از استقلال سیاسی است که راه کارگر نیز شدیداً بدان آلوده است. در عین حال با بسته تئوریک درک تروتسکیستی از استقلال سیاسی اعتقاد به "سرما به داری خودبو" است که برخی از نیروهای جنبش کمونیستی بدین انحسراف آلوده‌اند.

● رفقای نازی آباد تهران، جوای علیت حذف صفحات دهقانی از نشریه شده‌اند و در مورد ضرورت وجود صفحه‌ها صفحاتی در پیکار مختص جنبش دهقانی که نقش وسیعی در انقلاب نیز دارند، توضیحاتی داده‌اند.

رفقا! ما خود نیز به ضرورت چنین امری را قعیماً زکلیه رفقای دهقانی که در مناطق روستایی فعالیت میکنند میخواهیم که اخبار و گزارشات مربوط به مبارزات منطقه‌ها برای هیئت تحریریه پیکار هرچه سریعتر ارسال دارند. متناسباً برخی از رفقا حتی دست به انتشار نشریات دهقانی در منطقه زده‌اند، اما اخبار و گزارشات آنرا به پیکار ارسال نکرده - اند. بسیاری از رفقای ما در بلوچستان، استان فارس، مازندران، گیلان و... فعالانه در میان دهقانان تبلیغ و ترویج میکنند، اما شماره آنرا برای "پیکار" ارسال نمیکنند. فی‌المثل نشریاتی مانند "پیکار بیچاره" که متعلق به رفقای گیلان است منتشر میشود، اما صفحه دهقانی نشریه مرکزی به دلیل فقدان اخبار و گزارشات بسته است! ما ضمن انتقاد به رفقای دهقانی که در این زمینه کم‌کاری کرده‌اند، فعالانه خواهان ارسال گزارشات و اخبار از مبارزات دهقانان هستیم

موفق باشید!

### نامه‌های ازد و ست کارگر رسم، ارتزویین

"من یک کارگری هستم که در کارخانه کار می‌کنم و حقوقم طوری هست که برابری با خرم‌نظام میشود. حتی آخر سرج دستی میگیرم من کمونیست نیستم ولی کارشان را قبول دارم و هر کاری باشد تا با خدا ندادم خودم هم میگیرم. من جندی بیش می‌خواستم در جاب اعلامه به سازمان بیکار کمک مالی کنم ولی همانطور که گفتیم حقوق کم بود ولی فکری کردم که بعد از ۸ ساعت کار یکا ریسروون یعنی اضافه کاری کنم تا بتوانم به سازمان بیکار و به این مبارزه کاران راه حقیقت کمک کنم. بیروز و موفق باشید"

دوست کارگر! از ابتکاری که برای کمک مالی به سازمان بیکار رسته‌اید، بی نهایت سپاسگزاریم عمل شما میتواند در مرتضی یا شدرای کلیه رفقا و دوستانی زحمتمندی که خواهان پرداخت کمک مالی به سازمان هستند، اما محدودیت مالی دارند.

ما ضمن قدردانی از توجه شما به ضرورت گسترش فعالیت‌های سازمان، کوشش میکنیم با انکاء به کارگران و زحمتکشان ایران، بساط ستم و استثمار سرمایه‌داری وابسته را بچینیم. بیروز باشید!

● رفیق کریم ضمن استقبال از انتشار مرتب تراکت‌های افشاگرانه سازمان به برخورد تنگ نظرانه برخی نیروهای سیاسی اشاره کرده است که بدون ذکر نام سازمان، تراکت‌های مزبور را مورد استفاده قرار داده‌اند.

رفیق کریم، ما ضمن تأیید نظر تومینی بر ضرورت حفظ رعایت اما نیت، معتقدیم کلیه نیروها میتوانند با ایدانسانا دافشاگرانه را ولسو آنکه منبع آن نیروی سیاسی دیکروسوده باشد، مورد استفاده قرار داده و بردافشاگری را گسترده نمایند، لیکن باید ضمن استفاده از این اسناد و انتشار گسترده تر آنها، منبع خبر را نیز ذکر نمود. ما خود نسبت به آنچه گفتیم وفا داریم و فی المثل در تراکتی که مربوط به اخبار درون ارتش بود، ضمن استفاده از اسناد رفتاری "افلیت" منبع آن را نیز ذکر کردیم. بهرحال بنظر ما برخوردی نظیر آنچه در زندگان در نشریه ۴۴ خود بیکار رسته است، برخوردی تنگ نظرانه و خرده بورژوازی می‌دانیم که به عمداً ذکر تمام نام سازمان ما که سنده ۲۰ میلیونی رفیقان را افشا کرده است، خودداری نموده است. چرا که ما با...؟

### رفقای دی‌گره برایمان در این هفته نامه فرستاده اند:

مهندس آزاری - احمد - مسئول اهواز - ج، ل - احمد، ف - الف، شیراز - الف، زهرکرد - افسانه، ن - اربو شهر - مادر مسلمان - ج، د - دانش آموز - ن ۱۹ - ارمسنی - الف - ک -

### بقیه از صفحه ۱۴ دمکراسی...

که "سینه‌چاک" دروغین آزادی و دمکراسی هستند از تسلیم مستقیم توده‌ها، از اعمال حاکمیت مردم بر سر بنوعت خویش وحشت دارند، آنها توده‌ها اعتماد دارند و می‌ترسند سلاح در دست توده‌ها به‌بازاری بر علیه خودشان که ستمگر و غارتگر دسترنج آنها نند، بدل شود. ما "دمکراسی" دروغین لیبرالها، ارتش دست - پرورده امپریالیسم و سوسیالیسم‌های فدا نقلابی است که بتواند منافع سرمایه‌داری را حفظ و حراست کند و کارگران و زحمتکشان را سرکوب نماید.

### ۷- بهترین دمکراسی در سوسیالیسم برقرار میشود.

دمکراسی خلق اگر چه دمکراسی انقلابی است، اما هنوز در چهار رچوب نظام سرمایه‌داری است، هنوز مالکیت خصوصی بر وسایل تولید در آن نفی نمیشود. به اصطلاح هنوز یک نظام بورژوازی است و به این علت نمیتواند بهترین دمکراسی باشد. بهترین دمکراسی، دمکراسی ای است که مبتنی بر نابودی هر نوع استثمار و ایجاد برابری بین انسانهای زحمتکش باشد بنا بر این بهترین دمکراسی، با نابودی سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم ایجاد میشود. سوسیالیسم را تنها میتوان با دیکتاتور طبقه کارگر برقرار و حفظ نمود دیکتاتور پرولتاریا دمکراسی سوسیالیستی، دمکراسی تمام عیار برای کارگران و زحمتکشان و دیکتاتور پرولتاریا علیه کلیه دشمنان سوسیالیسم است. تا پذیرد سوسیالیسم شود که اگر بهترین دمکراسی، دموکراسی سوسیالیستی است، پس چرا شعار جمعی سوسیالیستی دمکراتیک خلق را تبلیغ میکنیم و شعار برقراری فوری سوسیالیسم را نمیدهم در جواب این سؤال باید گفت این درست است که دموکراسی ایده آل ما دمکراسی کارگری (سوسیالیستی) است، اما از شرایط موجود تا ایده آل فرسنگها فاصله وجود دارد. طبقه کارگر ایران هنوز از آنچنان آگاهی و تشکل برخوردار نیست که بتواند تنها تنهایی حکومت سوسیالیستی برقرار کند، در عین حال طبقه کارگر متحدینی چون خرده بورژوازی شهر و دهقانان را دارنده قشرهای از آنسان سوسیالیسم را قبول ندارند، اما دارای تمایلات و خواسته‌های دموکراتیک و ضد امپریالیستی هستند و متحد طبقه کارگر محسوب میشوند. اکنون شرایطی مهیا نیست که بتوان بلافاصله مالکیت فردی بر وسایل تولید را لغو کرد و سوسیالیسم را برقرار نمود. از اینرو است که نمیتوان یکباره

فرزانه - ارامنهان - مریم - کارگر هسته بنتک - DSH - ج، ک، م، زلاهیجان - رفیق کارگر ج ارتزویین - د، ج، یخ، از شهران - ف از معلمین - ن از معلمی که مستند دانش آموزی شرق تهران - عبدالرضا ۱۷۰ کارگر - کارگر مکاتیک اراهیجان - ف، ی، از کارمندی - حمید ۱۳ ارقم - یخن و نوزبع غرب تهران .

سوسیالیسم را برقرار نمود و دمکراسی سوسیالیستی را ایجاد کرد و قبل از آن باید جمهوری دمکراتیک خلق که در اتحادیه افشاری و طبقات خلقی است، بسایده شود. اما طبقه کارگر به جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان یک دوره گذار به سوسیالیسم نگاه میکند و خواهان آن است که از حکومت دمکراتیک به حکومت سوسیالیستی برود، چه طبقه کارگر یا هرگونه روابط بورژوازی (سرمایه‌داری) مخالف است و در نهایت خواهان نابودی آن است. بنا بر آنچه گفتیم جمهوری دمکراتیک اگر چه یک حکومت دمکراتیک انقلابی است، اما دمکراسی در آن هنوز کافی نیست و بهترین دمکراسی دموکراسی سوسیالیستی است و جمهوری دموکراتیک دورانی است موقت برای مهیا کردن شرایط لازم برقراری سوسیالیسم.

### ۸- بدون رهبری طبقه کارگر، دمکراسی واقعی پا برجا نیست.

اگر قبول داشته باشیم که بهترین دموکراسی با استقرار سوسیالیسم برقرار میشود و اگر بپذیریم که این طبقه کارگر است که در سوسیالیسم حکومت میکند، پس باید قبول کنیم که در بین افشاری و طبقات دمکرات و انقلابی جامعه، طبقه کارگر بیکارترین مدافع دمکراسی و انقلابی - ترین دمکراتها است و تنها اوست که میتواند بهترین دموکراسی توده‌ای را تأمین و آرا به دموکراسی پرولتری ارتقاء دهد و در محدوده دمکراسی جامعه سرمایه‌داری باقی نمی‌ماند و می‌کوشد آرا به دموکراسی سوسیالیستی برساند. بنا بر این اوبیش از همه به دموکراسی می‌اندیشد و بیشتر از همه خواهان دموکراسی است (تا هر چه زودتر به سوسیالیسم برسد) بنا بر این تنها رهبری طبقه کارگر است که ما من برقراری و پیروزی دموکراسی در جمهوری دمکراتیک خلقی است با لعن اکثر رهبری مبارزات توده‌ها را لیبرالها در دست داشته‌اند، نه تنها دمکراسی انقلابی را برپا نخواهند کرد، بلکه به انقلاب خیانته کرده به ما زش با امپریالیسم برداخته و آنگاه کارگران و زحمتکشان را سرکوب خواهند نمود. لیبرالها در طول دوساله اخیر، چه در دوره بازرگان، چه در دوره بنی صدر، نشان داده‌اند که آنها تنها به فکر منافع خویش که همانا دسراش با امپریالیسم تأمین میشود، هستند و این منافع مغایر با خواسته‌های دمکراتیک توده‌هاست. مردم ستمدیده مین مادرتجربه بچشم خود دیده‌اند که لیبرالها چگونه می‌کوشند مبارزات توده‌ها سوار شده، آرا مها کرده و به ما زش بکشند و بالاخره چگونه این با اصطلاح آرا دخواهان، برای حفظ منافع طبقاتی خود دستشان تا مرفق بسه خون کارگران، زحمتکشان و خلفها آغشته‌کنند است. کشتار خلق قهرمان کرد، ترکمن، سرکوب کارگران و زحمتکشان در دوداندمشک و بیکاران و... جز کوچککی از جنایات این عوام فریبان است که دست در دست برادران "حزبی‌شان" برای حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران، از آن دریغ نورزیده‌اند.

# هنرمقاومت هنرپرولتری



کارگران حرف بزنند و آنان را به پیش بخواهند  
"آزاد" و "نیکلابویج بیوترا" گرفته‌اند. انقلابیون  
بزرگ و سازماندهان نامدار رور همراهن شناخته  
شده‌سوسال دموکراسی که همزمان لنین و  
استالین بودند: کتسخوولیها، بوکدانها و...  
دارای پیوندی عمیق وناگسستی با توده‌های  
کارگرفتند.

"نینا" از این لحاظ دارای درسهایی  
آموزنده‌ای برای تمام کمونیستهای جهان  
است و به آنان ضرورت و شیوه پیوند توده‌ای برای  
بردن آگاهی سوسیالیستی را می‌آموزد. آموزش  
- هائی که برای تمام پیشاهنگان طبقه کارگر  
ضروری است.

## ایسکرا چگونه بدست کارگران می‌رسید

لنین در "چدا بدکرد" یک بخش نما مرابه  
مسئله تشکیلات سوسال دموکراسی و اینکه  
چگونه ایسکرا قادر است نقش یک سازمانده  
جمعی را ایفا کند، اختصاص میدهد. در کتاب  
"نینا" خوانندگان میتوانند این مسئله را با  
همه جزئیات آن احساس کنند اهمیت فعالیت  
انقلابیون با کوششها در این نیست که آنان  
بدینالروی از درخواستهای روزمره و اقتصاد  
و جنبش خودبخودی طبقه کارگر نمی‌پردازند،



میردازد: نقشه رای کالنین برای پاسخ به  
چنین ضرورتی ارائه میدهد، نقشه تا سیسی

## رمان "نینا": اثری از گنجینه رئالیسم سوسیالیستی

### میراث زنده یک انقلاب

کوناگون  
مبارزه  
اقتصادی -  
سیاسی و  
تئوریک به  
رهبری  
مبارزات  
دموکراتیک و  
سوسیالیستی

ادبیات و هنرنویس، رئالیسم سوسیالیستی  
که انعکاسی از مبارزه طبقاتی پرولتاریا و  
بیا نگر آلمان مشترک طبقه کارگریزبان هنر  
است، آثاری بیادماندنی به ما آورده است  
"نینا" اثری از گنجینه روالنا پذیررئالیسم  
سوسیالیستی است که برای کارگران، انقلابیون  
جوان و حتی انقلابیون حرفه‌ای کمونیست حاوی  
درسهایی ارزشمندی است. "نینا" نام مخفی  
چاپخانه ایسکرا است که پلیس همه نیروی خود  
را برای شناسائی آن بسیج کرده و میبندارد که  
این نام متعلق به دختری انقلابی است.

بدلیل کمبود مکان یک بررسی مفصل  
نکته‌وار بر روی اساسی ترین آموزشهای این  
اثرگرانها از گنجینه رئالیسم سوسیالیستی  
انگفا میکنیم:

### تصاویر زنده پیوند سوسیالیسم

#### باجنبش کارگری

"نینا" رمانی است که تمام ویرلموس و  
عینی به شیوه رئالیسم سوسیالیستی از مائیل  
خادوسوسال دموکراسی روس در یکی از دورانیهای  
بر تلامف فعالیت ۱۹۰۱-۱۹۰۴ ارائه میدهد  
این خلاصه ترین شرحی است که از رمان "نینا"  
مینوان ارائه داد. در این سالها چگونه تلفیق  
سوسیالیسم با جنبش کارگری به مسئله مهم جنبش  
مدل شده بود. در کتاب "چدا بدکرد" حرمانهای  
درون سوسال دموکراسی روس در آن سالها  
در ارتباط با موضوع نامبرده شکافته شده و  
نظریه لنینی ضرورت تشکیل حزب کارگرسوسال  
دموکرات روسیه، بد شکل تئوریک بیان گردیده  
است. ما باید ادریم که لنین در آن کتاب چگونه  
تربیط کار سوسال دموکراتهای روسیه و حرمان  
انحرافی را که جای بردن ایده‌های سوسیالیستی به  
مسلمان کارگران، در عرصه‌های کوناگون، بدنیسی  
کارآگاهان نه‌نقشه مند میردازد و تفسیل آگاهی  
را با سطح حرکت خودبخودی تئوریکه میکنند  
با دانستن دموکراتیستها بد شکل سوسیالیستی  
از انقلابیون حرفه‌ای را می‌دهد. سوسیالیستی که  
ساخت تردیونونی را می‌مکنند و بدنیسوان  
بنا هتک آگاهی سیاسی طبقه کارگر در عرصه‌های

### اهمیت "نینا" (چاپخانه ایسکرا)، آنچنان است که لنین بارها از آن سخن میگوید و یکی

از برجسته ترین کارهای بلشویک، رفیق شهید، لاد و کتسخوولی هرزم در بیان  
استالین و عضو تحریریه برد زولا، به سرپرستی آن نگارده میشود. اهمیت "نینا" در آن  
است که اگر چاپ و پخش ایسکرا توسط "نینا"ها، لاد و "ها" و "آزاد"ها نباشد، ایسکرا ای  
لنینی نمیتوانست با توده‌ها پیوند بخورد و نقش تاریخ ساز خود را ایفا نماید. کتاب "نینا" هر  
اهمیت تکثیر و پخش روز افزون مطبوعات کمونیستی در زمان توده‌ها شدیدا افزایش می‌دهد.  
■ در رمان "نینا"، خواننده، حمایت سوسیالیست دموکراسی را در یکی از دورانیهای پرتلاطم  
فعالیت آن با بسیاری از جزئیات پرشور به چشم می‌بیند.

بلکه ضمناً آنان توانایی آنرا بدست آورده بودند که  
زبان کویای جنبش سوسیالیست دموکراسی روس،  
یعنی ایسکرا را در مقیاسی سراسری به گفتگو  
با توده‌ها و ادارت، و این تنها یک سازماندهی -  
متحکم ممکن گشت. مادر "نینا" میبیتیم که  
چگونه نسخه‌های ایسکرا از خارج به کار ارسال  
میشد و ایسکرا، در چاپخانه‌ها کو، که دور از چشم  
پلیس و با رعایت مخفی کاری خلاقی، در دل توده -  
ها به کار مستمر مشغول بوده‌چاپ می‌رسید،  
کتسخوولی که یکی از سرشناس ترین و نامدار -  
ترین سوسال دموکراتهای کرجی و از سازماندهان  
کمیته تفقا زبود، رهبری چاپ و پخش ایسکرا را به  
عهده داشت. سیستم عالی و سازمان یافته پخش  
ایسکرا که قادر بود در سریع وقت، به نیازهای  
توده‌های کارگری پاسخ گوید و بطور زنده و فعال،  
ارتباط نیروی آگاه و توده‌ها را نامن کند،  
در این کتاب بزورنی سازگوشود و ستان می -  
دهد که اگر جنبش کمونیستی در پی سوسالیست  
بوده‌هاست، اگر ما با نادانان با حمایت  
چپ رساندن رنده برین مثال بدنیسی و

"ایسکرا" به مثابه محوری برای سازماندهی  
جمعی و کار انقلابی است. ایسکرا با بد نقش یک  
مروج، مبلغ و سازمانده جمعی را ایفا کند و  
انقلابیون حرفه‌ای بی‌رور اندک‌ها دریا شنند  
همچون فرماندهان جنگی مبارزه‌ها در طبقه‌های  
را رهبری کنند. "نینا" داستان چاپخانه  
ایسکرا در ریواکو، داستان مبارزه آگاهانه و نقشه مند  
سوسال دموکراتهای با کوشش پیوند با طبقه کارگر است.  
در کتاب تصاویر زنده‌ای از چگونه‌ی بردن  
آگاهی سوسیالیستی به میان کارگران ترسیم  
میشود، و خواننده کوی به چشم خود شیوه کار  
بلشویکی، را می‌بیند، حضور آنان را در اعصاب  
و مبارزات کارگری تشخیص میدهد و می‌آموزد  
چگونه آنان به شور و خشم توده‌های کارگری که  
دست به مبارزه می‌زنند جهت آگاهاننداده‌ها اجازه  
نمی‌دهند جنبش آنان بطور خودبخودی بدان  
بورژوازی کشیده شود و ما بشود در جهت دان  
ردن به مبارزه آگاهی تا بدین طریق می‌توانند  
و در این راه ایسکرا و چاپخانه‌ها، "نینا" نقش  
اساسی ایفا میکنند قبول یکی از رهبران "نینا"  
زمان توانایی است که سوسالیست در زمان تمام

## گرامی باد یاد رفقای شهید



صدیقه رضایی

- تولد در ۱۳۳۴

- رفیق صدیقه خواهر مجاهدین شهید رضا شیها بود  
- پس از سال ۵۰ و در تماس با سازمان مجاهدین به فعالیت انقلابی خود پرداخت  
- او با هوشیاری و فداکاری و ایستادگی و عمل و تحرک تحسین آمیز خود در پیشبرد انقلاب دموکراتیک و فدا میربا لستی خلقهای ایران فعالیت میکرد.  
- در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم را پذیرفت  
- رفیق صدیقه در ۱۸ دی سال ۵۵ زمانیکه بیش از ۲۰ بهار از عمر برپا را ونمی گذشت طی انجام یک ما موریت انقلابی در محاصره مسزودران ساواک قرار گرفت و به شهادت رسید



مهدی فتحی

- تولد در ۱۳۳۰ در کرمان

- دانشجوی دانشگاه صنعتی تهران در ۱۳۴۹ شرکت فعال در مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویی و سازماندهی اعتراضات و تظاهرات - شروع فعالیت مخفی با بخش اعلامیه ها و نشریات انقلابی سازمان مجاهدین خلق و عضویت در سازمان در سال ۵۲ - پذیرش مارکسیسم لنینیسم در اواخر سال ۵۳ - رفیق مهدی در انضباط، دقت و رعایت طوابع و اصول تشکیلاتی از بهترین ها بود فداکاری و احساس مسئولیت و دلسوزی رفیقانه نسبت به همه امور سازمان از ویژگیهای این رفیق شهید بود.  
- شرکت در عملیات نظامی اعدام انقلابی به مستشار نظامی آمریکا سمعان معاون فرمانده (۶ شهریور ۵۵) - تلاش و فعالیت انقلابی چشمگیر در جریان آنها جرم رژیم و دوره خانه گردی های سال ۵۵ و ۵۴ - شهادت در یک درگیری مسلحانه در ۲۹ دی ماه ۵۵



رضا تفکری

- تولد در ۱۳۳۳ در خانواده ای کم در آمد در سراب

- دانشجوی پزشکی شهران ۱۳۵۲ و شرکت فعال در مبارزات صنفی سیاسی دانشجویی و حمایت از سازمانهای انقلابی آن سالها و پذیرش مارکسیسم لنینیسم  
- در اردیبهشت ۵۵ با بخش منشعبات از س.م.خ. ا. تماس گرفت و بدلیل مسائل امنیتی زندگی انقلابی مخفی برگزید.  
- صداقت و پرکاری و جدیت رفیق و علاقه شدید به سازمان انقلابی خویش زبانه زد رفقا پیش بود - در روز عاشورا سال ۵۵ در محاصره جنا پیکاران ساواک قرار میگرفت و مسلحانه با آنها درگیر میشود.

- شهادت در ۲۳/۱۰/۵۵

توده های قهرمان تا قهرمانان توده که عشق و آگاهی و تجربه انقلابی در وجودشان مآ میزد و تبلور میابد، نشان میدهد، ما در کتاپ میبینیم چگونه سازمان بلشویکی، با سخت گیری و دقت به تربیت کسانی میپرداخت که با بدنقش پیش - فراوان آگاه طبقه کارگر را بمعده گیرند، کسانی که همچون فرماندهان آگاه جنگی با بدخما نسل تجارب، آگاهی، و انضباط لازم برای پیکاری دوران سازگسب کنند، آری ما در کتاپ بسه راز فولادین شدن حزب کمونیست روسیه پی میبریم و در میابیم که معنای ملموس ستاد در زمینه طبقه کارگر، چیست، ما در همین جا به معرفی "نینا" خاتمه میدهم و زتما رفقای کمونیست و دوستان انقلابی، از همه کارگران و زحمتکشان می خواهم که این اثر را زنده را مطالعه کرده و آموزش های آنرا در راه انقلاب بکار گیرند.

"نینا" به شیوه بورژوازی، بدام قهرمان بردازی - های دروغین نمی افتد لیکن بدرستی نشان میدهد که چگونه قهرمانان کمونیست در دل توده ها زاده میشوند، آنان خود جزئی از توده های عادی، که زیر ستم سرما به و ارتجاع دست و پا می - زنند هستند، لیکن از آن زمان که به مبارزه آگاهی پیدا میکنند، از آن زمان که غرایز آشتی ناپذیر طبقه ای شان و احساسات پرشور درونی آنها، با آگاهی سوسیالیستی درمی آمیزد و تن به رزمی دوران ساز میدهند، در کوره نبرد آبدیده شده و به حماسه آفرینان بزرگ ساختن دنیایی نوین بدل میشوند.  
"آذر" و "ورا" دو نفر از انبوه قهرمانان زمان "نینا" هستند که نویسنده برپروسه تغییرات آنرا از فردی عادی به پیشاهنگی جان نیاز، از نا آگاهی به آگاهی، از افرادی در میان

شروعی به توده های ریزی کند که فادریا شد به موقع آنها را بگردر هنموده های حزب بسیج کند و به پیشروی فراخواند، در "نینا" کتسخوولی به درستی، خود به این مسئله مبرم اشاره میکند: "کار اساسی ما بخش وسیع محصولات چاپخانه میان توده های کارگراست" او تا کید میکند آن دسته از رفقای که قادرند در میان زحمتکشان نفوذ کرده و ارتباطی پیوسته با کارخانه ها و معادن برقرار کنند مهمترین وظیفه شان بخش ادبیات زیرزمینی است.

چگونه یک کمونیست پرورش می یابد  
آموزش بسیار کارگرا نهی "نینا" برای تمام انقلابیون جوان، با زگوئی پررور شد و آبدید شدن افراد انقلابی کمونیست است، اگر چه

## زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق



بسیه از صفحه ۳ پیام ...

اخراج کارگران در حال میگذرد، چرا که میدانند آمدن همه کارگران به آبادان ممکن نیست. در آستانه مهین سیاست ارتجاعی بود که دولت صنعت نفت نقشه طرح تعهدنامه‌ای را ریختند که از کارگران خواسته شده بود تا کارگران از وزارت نفت نخواهند که آن را بطور "موقت" بر سر کار بیاورند و بدین ترتیب به کارگران شرکت نفت القا میکنند که زمانیکه آن از آبادان خارج شده اند، اخراج شده حساب می‌آید و آسند و آینده خود را به تصمیمی که وزارت نفت برایشان خواهد گرفت، واگذار میکنند. این ترتیب دست وزارت نفت برای اخراج، باز نشستی و کاهش حقوق کارکنان بازمی‌نماید. روشن است که این سیاست‌های ارتجاعی به این جا ختم نمی‌شود. رژیم برای کارگران زیر پوششی هم برنا می‌دهد. با وجودیکه کارگران زیر پوششی از مزایای برابر با کارکنان رسمی برخوردار بودند و رژیم نیز در گذشته متعهد شده بود که آن را رسمی کند اما اینک به این کارگران گفته است که برای رسیدگی بوضع خود به "وزارت کار" بروند و طبقا معلوم است که وزارت کار هم هیچگونه مسئولیتی را در قبال آنان قبول نمی‌کند. روشن است که هدف رژیم چیست. رژیم قصد دارد با فرستادن آنها به این وزارتخانه و اجرای ماده ۳۳ قانون کار ارتجاعی که بر اساس آن کارفرما می‌تواند با پرداخت ۱۵ روز حقوق کارگر را اخراج کند، از "شر کارگران" زیر پوششی خلاص شود. و این حيله تازه ای نیست. همان حيله‌ای است که رژیم برای کارکنان زیر پوششی شیمیایی با ساکارا در همکار برده و با ارجاع دادن آنها به وزارت کار عملا آنها را اخراج کرده است.

کارکنان جنگ زده!

کارگران و زحمتکشان ایران مبارزات پر شور و قهرمانانه را پشت سر گذارده اند و به خصوص در طی ۲ سال پس از قیام کارگران تجار و گرانها بی بدست آورده اند. یکی از این تجار و گرانها نقش اتحادیه کارگری کارگران برای بدست آوردن حقوق خود است. بیادید و یادید که در طی مبارزات پر شور و پیش از قیام چگونه درسا به وحدت و یکپارچگی و به هم راه می‌پرتوده‌ها رژیم مزدور و ضد خلقی را به زباله‌دانی تاریخ انداختید. بیادید و یادید چگونه توانستید با حرکت یکپارچه خود در سال گذشته و سال طرح ضد کارگری لغو تعطیل پنجشنبه‌ها و افزایش ساعات کار را عقیم گذارید.

بیادید و یادید چگونه اعتماد یکبارگیه ۷۰۰۰ کارگریمانی در سال گذشته وزارت نفت را مجبور به عقب نشینی و قبول رسمی کردن کارگران کرد.

آری ما این تجار و گرانها اکنون باید برای حقوق از دست رفته خویش بمبارزه دست زده و ضمن اعتراض و مبارزه علیه جنگ کنونی رژیم را مجبور سازید که حقوق شما را بطور کامل برداشت نماید. این مبارزه نه فقط برای حقوق بلکه برای خواربار، مسکن، لغو تعهدنامه و کسب آزادیهای سیاسی، آزادی اعتماد و ... را نیز دربر خواهد گرفت.

به همین علت باید ضمن غشی نمودن طرح‌های رژیم برای ایجاد تفرقه و پراکنده کردن کارگران و کارمندان جنگ زده نظیر جدا کردن کارکنان رسمی و زیر پوششی حضور غیبی ماهانه با حفظ وحدت و یکپارچگی و متشکل شدن تحت رهبری "شوراهای هماهنگی کارکنان جنگ زده" مبارزات خود را علیه جنگ ارتجاعی و احقاق حقوق خود سازماندهی کنید.

در این میان از آنجا که رژیم روز بروز متزلزل و ناتوان تر می‌گردد و به همین علت

ما هشتاد و نه نفر، انجمن و مسخولیمان (مبارزات خود را متشکل و گسترده تر سازید، برای ابتکار باید:

۱- از نمایندگان سابق شوراهای خود در آبادان و ... بخوانید در ادامه وظایف نمایندگی در آن شورا که برای شرح تکمیل شده اند آنرا بصورت "شوراهای هماهنگی کارکنان جنگ زده" احیا نمایند.

۲- شوراهای هماهنگی، مستقر در شهرهای باد شده یا لا شوری سراسری کارکنان جنگ زده را برای هماهنگ کردن حرکات کارکنان جنگ زده بوجود آورید.

۳- شوراهای هماهنگی سراسری جهت جلب حمایت و پشتیبانی سایر کارکنان صنایع نفت و کارخانجات و صنایع موجود در هر منطقه از مبارزات بحق کارکنان جنگ زده با یستی با آنها تماس گرفته، حمایتشان را جلب نمایند.

۴- شوراهای هماهنگی ضمن مرز بندی با سندهای بررسی مسائل جنگ زدگان که از طرف وزارت نفت ایجاد شده اند، با یستی نظارت و کنترل مستقلا خود را بر آنها (سندهای بررسی) اعمال نمایند.



۵- شوراهای هماهنگی سراسری ارگانی را جهت نشر اخبار، گزارشات و مسائل و ... دهند و به کارکنان جنگ زده بوجود آورند. با داداشها سید که کارکنان در مبارزاتشان سلاحی بجز سازماندهی ندارند. بیروز با دما زرات بحق کارگران! برقرار با دصهوری دموکراتیک خلق! نقل و تلخیص از اعلامیه سازمان بکار در راه آزادی طبقه کارگر کمته خوزستان ۵۹/۱۰/۵

بیشتر رسمی در حفظ موجودیت خود ادامه تشدید فشار بر کارگران خواهد پرداخت سعی خواهد کرد بین مبارزات را با سرکوب پاسخ گوید، از اینرو باید آگاهی برسی استهای رژیم مقاومت متشکل خود را سازماندهی کنید. از آنجا که رژیم سیاست پراکنده نمودن و کوچک کردن اجتماعات را دنبال میکند، نوده‌های جنگ زده عموما و کارکنان صنعت نفت را خصوصا در دستور کار خود قرار داده با یستی ضمن حفظ هویت خود با تجمع در چند مرکز عمده (شیراز

فان، مسکن، آزادی



بقیه از صفحه ۳ تخصص ...

تکنیم و تا روز ۱۳/۱۰/۱۵ به آنها مهلت مدهیم. تخصیص آنها به کمیته و همکاران در صورت لزوم در نظر گرفته می شود. این شوراها کمیته های تخصصی خواهند بود و کارهای آنها را به صورت منظم و منسجم انجام خواهند داد.

۱- هرگونه کمیته و کمیسیون و تصمیمگیری در آنها بدون حضور و مخالفت مستقیم نمایندگان واقعی و منتخب جنگ زده صنعت نفت از نظر ما بیرون اعتبار و عملی بوده و تنها تصمیمی را قبول داریم که مورد تأیید شورای آوارگان باشد.

۲- کمیته ای متشکل از تمام شوراهای صنعت نفت تشکیل و هرگونه همکاری و همبستگی را با این شوراها از جنگ زده اعلام می دارند.

۳- پرداخت حقوق و حقوق معونه برای تا میس معاش خانواده جک زدگان تحت معیارهای عادلانه و مناسب با توجه به ماهه بندی (مدیران جنوب که کلیه حقوق خود را تاکنون دریافت کرده اند) را با سایر قایم مسئولین صنایع و معادن برابر قرار دهد.

۴- برای اسکان دادن آوارگان جنگی بطور فوری عمل کرده و در این مهم کارکنان تا غلظت صنعت نفت حاضر به همه تونده باری درجهت شناسایی محل های قابل سکونت مثل دانشگاه ها، هتلها، باشگاهها و مساجد و سایر مراکز دولتی و غیره اقدامات لازم را انجام دهند.

۵- با در نظر گرفتن الویت آوارگان جنگ زده نسبت به سایرین خواهان هر چه سریعتر رفع نیازهای ضروری از قبیل سوخت و خواربار، پوشاک و سایر اموال زندگی و غیره ... میباشیم.

۶- هرگونه کارکنی مدیران و مسئولین صنعت نفت را جهت رفع نیازهای منطقی آوارگان جنگ شدیداً محکوم می نمایم.

۷- هرگونه اخراج و بازنشستی اجباری در شرایط فعلی، کارهایی فرستادن به مناطق جنگی و اعزام کارکنان رسمی و غیررسمی با بدبختان شوری سراسری کارکنان جنگ زده باشد.

۸- هرگونه تفرقه و جدایی انداختن بین کارکنان جنگ زده تحت عنوان رسمی و غیررسمی پوششی را محکوم و همه را کارکنان پاک و صدیق این صنعت میدانیم.

۹- برخورد های غیر انسانی، توهین و هتک حرمت از طرف هر مقامی نسبت به آوارگان جنگی کمک به بیابان شدن اهداف و انقلاب میدانیم. شورای کارکنان عملیات پالایش پالایشگاه تهران شورای متحد پالایشگاه تهران

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

یک نوع تبلیغ دیگر ما هم هست. یعنی تبلیغ فرهنگی و فرهنگی که در واقع نوعی تبلیغ است. این تبلیغ در واقع نوعی تبلیغ است. این تبلیغ در واقع نوعی تبلیغ است.

۴- انواع تبلیغ در ارتباط با بیان حقایق

بورژوازی برای تسلط بر دستش بسیار با زاست، از کشف ترس انواع تبلیغ استفاده میکند، دختران ربا، مسائل جنسی، مواد مخدر، انواع مبتذل هنر (موسیقی، بازی، فیلمها، عکس)، از انواع تبلیغ بورژوازی محسوب میشود. اما ما کمونیستها تنها آن انواع تبلیغ را اصولی میدانیم که در خدمت انقلاب و طبقه کارگر است. از نظر ما هیچوجه "هدف" و "وسیله" را توجیه نمی کند. ما در انتخاب انواع تبلیغ نیز، بدنبال عواطف پست نوده ها نمی افتیم و تنها از نوعی استفاده میکنیم که بیان کننده اصلیت، سترک ما را کنیم - لنینیم است. انواعی که در خدمت بیان حقایق روشن و خنده ناپذیر هستی است. انواع بورژوازی تبلیغ هرگز نمی تواند، قالی برای بیان حقایق باشد. چرا که این توضیح لازم باشد گفت انواع تبلیغ در ارتباط با بیان حقایق را میتوان سه دو قسمت تقسیم کرد.

۱- بیان حقایقی که نفی کننده نظام کهنه و طبقات استعمارگر است با تبلیغ نفی که در برگیرنده تمامی آن تبلیغاتی است که ما در جهت نابودی طبقات استعمارگر انجام میدهیم. ۲- بیان حقایقی که برنا مه ها و پیشینه های ما را در جهت ایجاد نظام نوین (البتها که میهای متعدد برای رسیدن به این نظام نوین یعنی جمهوری دموکراتیک خلق، دیکتاتوری پرولتاریا و کمونیسم) ارائه میدهد با تبلیغ اثباتی. ما همواره با بستن رژیمهای فذخلقی و طبقات استعمارگر را نفی کرده و به اثبات حقا نیست تا ربحها ز خویش ببرد ازیم، در اینجا لازم نیست بگوئیم که روزیونیستها از نفی طبقات کهن به لطائف الحیل جلوگیری کرده و شعارهای اثباتی نوین را بوسیله بورژوازی میکوشند تا عملی سازند! آنها با خاک پا شیدن به چشم توده ها به عنوان تبلیغ اثباتی به دادن رهنمود و پیشینها دیده دولتهای ارتجاعی می پردازند و

(۱) - ادبیات شفا هی خلق (فولکلور) از نظر مارکس، انگلس، لنین، گورکی

مثلاً از جمهوری اسلامی میخواهند که شورا ایجاد کند یا توده ها را مسلح نماید... تقسیم بندی دیگر در این ارتباط میتواند، بیان حقایق بصورت مستقیم و غیر مستقیم باشد. مثلاً لنین برای اثبات رکتایش بصورت علمی در روسیه تزاری، مثالی را که در مورد روسیه بودنیسم از این نوشت تا با زبان استعاره و بطریق غیر مستقیم، حقیقت را بگوید. در واقع گاهی اوقات برای استفاده از شراکت علمی کمونیستها - ما از استفاده از تبلیغات غیر مستقیم هستیم. دیگر مفهوم بودن توده ها نسبت به حاکمیت و حزب و دسته بخصوص میتواند، موجود، استفاده از این نوع بیان حقایق باشد. مثلاً لنین برای تبلیغ شعار سرنگونی دولت بورژوازی پس از انقلاب قوربه شعار "همه قدرت به شوراها" و "پایتان، صلح، آزادی" را که نفی کننده حاکمیت موجود بود مطرح میکردند. این بیان غیر مستقیم تبلیغ شعار سرنگونی بود. چرا که توده ها بعلمت توهام آما دگی پذیرش شعار مستقیم سرنگونی نبودند، ما نیز اکنون با دادن شعار جمهوری دموکراتیک خلق در حقیقت بعلمت توهام توده ها بطور غیر مستقیم شعار سرنگونی میدهیم البته روزیونیستها و با حاکمیت کرایشات روزیونیستی میکوشند تا با عنوان کردن دروغین استفاده از این تاکتیک جلوی افشای مستقیم ارتجاع را بگیرند، مثلاً راه - کارگر که دارای گرایشات نیرومند روزیونیستی است با عنوان کردن این مسئله گوش دانه است تا از افشای ارتجاع بدلیل شرایط ویژه جنگ خودداری کند. (رجوع کنید به یکار ۸۴) کمونیستها همیشه در تاکتیک دست خود را نمی بندند و در شرایط مشخص از انواع متعددی تبلیغ استفاده میکنند، اما به شرطی که این تاکتیک در خدمت استراتژی انقلابی طبقه کارگر باشد، نه نافی آن بدین ترتیب تبلیغ غیر مستقیم در شرایط مشخص نباشد، استراتژی افشای دشمنان توده ها را زیر پا بگذارد و در شرایطی که ما سندا کنون بیش از پیش توده ها آما دگی پذیرش شناخت ما هیت جمهوری اسلامی را دارند، افشای قاطع این دشمنان را تعطیل کرد، آری اگر آنها ریشتها دست خود را در مورد تاکتیک میبندند، روزیونیستها نیز تا کنون با بیان درست برداشته استراتژی، انقلاب توده ها است.

پایان

توضیح: مجموعه مقالات مربوط به تبلیغ مندرج در ۱۲ شماره پیکار بصورت جزوه منتشر خواهد شد.

بقیه از صفحه ۳ سپیمان ...

کارخانه و شورای فرماندهی آن را وادار به تسلیم در برابر خواستشان نمائند و لذا نیاز - جوری کارخانه مجدداً شروع به کار کرد. در ضمن در این مجمع چهره ضد کارگری "شورا" و عوامل سرما به داران بیش از پیش در نزد کارگران افشا گردید.

شورای تعمیرات با لاینکا - تهران  
شورای تکنیکیهای تعمیرات با لاینکا - تبریز  
شورای اموریات لایش و مخازن با لاینکا - تبریز  
شورای کارمندان با لاینکا - شیراز  
شورای مرکزی کارکنان اموریات زرگان  
شورای پالایش با لاینکا - اصفهان  
سندیکای خطوط لوله و مخازن تبرات تهران





## "افزایش تولید": راه کارگر بدنبال روپزیونیستهای اکثریت (۲)

راه کارگر با دفاع از شعار افزایش تولید - موضعی را اختیار کرده است که روپزیونیستها با سدا آن هستند. جالب اینجاست که راه کارگر روپزیونیستهای اکثریت در این مورد به رقابتی با یکدیگر پرداخته اند که تنها موجب خوشنودی رژیم میگردد. از این رو بررسی هر چند مختصر حملات اخیر روپزیونیستهای اکثریت به موضع کمونیستی در قبال شعار افزایش تولید، نه تنها ریشه این شعار را به یادماندنی و آشکار میسازد، بلکه دنباله‌روی نیروهای چپ را - که رگزار روپزیونیستها را نیز که چهار رنعل به سمت روپزیونیسم مینوازند، بر ملا میسازد!

### روپزیونیستهای اکثریت: از شعار افزایش تولید تا ارشاد غیر سرمایه‌داری!

روپزیونیستهای اکثریت که موضع آشکارا سرمایه‌داری را نه تنها در مورد شعار افزایش تولید حتی موجب اعتراض و طرح "سوالاتی در مورد" "اولویت این شعار را نگیزه تبلیغ آن"، از جانب هواداران آن گردیده است، برای "توجیه" هواداران خویش به بررسی "مبانی این شعار" پرداخته است، و الحاق که عمیق این مبانی روپزیونیستی را بروشنی آشکار کرده است!

روپزیونیستهای اکثریت که رژیم جمهوری اسلامی را اساساً "ملی و ضد امپریالیست" میگویند: "از هنگامی که یک حاکمیت ملی و ضد امپریالیست، قدرت سیاسی را به دست میگیرد، برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی و ضد امپریالیستی علی‌الامول میتوان و باید شعار افزایش تولید را مطرح کرد و ملی تضمین واقعی کارآیی انقلابی این شعار همانا مصادره و ملی کردن سرمایه‌های بزرگ است... و ملی طرح شعار افزایش تولید را نباید موقوف به تحقق کامل شعار ملی کردن سرمایه‌های بزرگ نمود بلکه با استقرار قدرت سیاسی مستقل که عموماً با حاد قلی از سلطه این قدرت بر بخشهای اقتصاد همراه است، میتوان و باید این شعار را جایگزین شعار توقف تولید کرد" (کار روپزیونیستی شماره ۹۱ - تأکید غلطی و دوخطی از ما است)

بدین ترتیب میبینیم که روپزیونیست‌ها تنها با تظاهر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، خیانتی آشکار به منافع طبقه کارگر و سرمایه‌داران توده‌ها مینمایند، بلکه کرنش در مقابل بورژوازی

زی را تا بدانجا میرسانند که حتی برخلاف بیان خود که "تضمین" شعار افزایش تولید را در - گروه "مصادره و ملی کردن سرمایه‌های بزرگ" می‌خوانند، برای آنکه می‌باید "اشتباه" رخ دهد،

بلافاصله توضیح میدهند که شعار افزایش تولید را نباید موقوف به تحقق کامل شعار ملی کردن سرمایه‌های بزرگ نمود! "چرا که حاد قلی از سلطه این قدرت (رژیم) بر بخشهای اقتصاد" برقرار است، برآستی که روپزیونیستهای نوپای اکثریت، چیزی از بردار کهنه‌ها نشان حذب خاشن توده، کم‌نندارند! آنچه که زرخشان این آقاییان بروشنی استنباط میشود اینست که: اولاً بزعم آقاییان، اقدامات عوا مهربانانه رژیم مبنی بر دولتی کردن پارهای از کارخانجات و موسسات خصوصی، تحت عنوان "ملی کردن" گویا واقعا بمعنای ملی کردن است که از وظایف جمهوری دمکراتیک خلق و یا حکومت دیکتاتور پرولتاریا مینماید! یعنی بزعم روپزیونیستهای رژیم جمهوری اسلامی میتوان و باید از اقتصاد دیکتاتور دیکراتیک را به انجام رساند! (یعنی تجدید نظر در اصول مارکسیسم) (نا نیا روپزیونیستهای اکثریت معتقدند که برای افزایش تولید "تحقق کامل" این امر ("ملی کردن" جمهوری اسلامی) هم ضروری نیست! همان حاد قلی که رژیم "مستقل" بر بخشهای اقتصاد تسلط دارد برای افزایش تولید کافیست.

به عبارت دیگر آقاییان معتقدند که دیگر نیازی به جمهوری دمکراتیک خلق و رهبری طبقه کارگر نیست، چرا که وظایف این حکومت را رژیم "خرده بورژوازی" کنونی حتی در زمینه اقتصاد، انجام میدهد، و منافع آن قسمت از تولید که در اختیار رژیم است، عا بدر سرمایه‌داران نگردیده و به خود کارگران و زحمتکشان بر میگردد! واقعا که عجب "کشف بزرگی" است! روپزیونیست - های ما تمامی این لاف‌های را تحت پوشش این که قدرت سیاسی "ملی و مستقل" است، بخورد هواداران خود میدهند، از این تحریف آشکار و اقعیات که بگذاردیم، نشوری و رشکسته "راه رشد غیر سرمایه‌داری" از لایبای مقاله اخیر اکثریت آشکار میشود، این بیان که رژیم (بفرض) خرده بورژوازی و ملی میشود حتی در جهت استقلال اقتصاد کشور تحت سلطه کارگر و مبردا رد و وظایف اقتصاد دیکراتیک خلق را به انجام میرساند، چه چیزی جز نشوری مرده مذکور است؟

روپزیونیستهای اکثریت بدفاع از بی‌پروای بورژوازی بر میخیزند!  
روپزیونیستهای اکثریت با به استدلالن را

در طرح شعار افزایش تولید، ملی و ضد امپریالیست "ادانتن رژیم قرا ردا ده اند، آنها می نویسد: "افزایش تولید در جامعه ای با حاکمیت ملی و ضد امپریالیست، بیش از آنکه به نفع امپریالیسم تمام شود، در خدمت تقویت بنیه اقتصاد قرار میگیرد، یعنی ثمرات افزایش تولید در وجه غلبش به منافع پستوانه مادی قدرت ضد امپریالیستی حاکم در میآید." (کار روپزیونیستی شماره ۸۷) در اینجا "اکثریت" اعتراف دارد که افزایش تولید در خدمت قدرت حاکم است، ولی پنا به ما هیئت روپزیونیستی است که وظیفه ای جز آرایش بورژوازی و واروخته جلوه دادن حقایق برای طبقه کارگر ندارد، قدرت حاکم را "ملی و ضد امپریالیست" قلمداد میکند آنهم رژیمی که ما هیئت ضد انقلابیست امروزه برای بسیاری از توده‌ها روشن گشته و امواج نا رضایتی و مبارزه بر علیه رژیم بورژوازی در سراسر کشور گسترده تر میگردد. روپزیونیستهای اکثریت اینطور وانمود میکنند که گویا طبقه کارگران حتی پیشروان آن از جنگ تا عا دلانته کنونی حمایت میکنند، آنها برای "اثبات" ادعای خود، سرا سر نشربا نشان را از نفا شیبایی که "کارگر" را باز درباری زوی پاسدار نشان میدهد انباشته اند و همدا بحزب خاشن توده شعار اتحاد توده‌ها با رژیم سرمایه‌داری حاکم را سر میدهند، اما این خاشن به طبقه کارگر غافل از آنست که شدت مبارزه طبقاتی در جامعه ما آنچنان است که خیلی زودتر از آنکه روپزیونیستها تحورش را هم بکنند، طبقه کارگر و سرمایه‌داری کمونیست‌ها و انقلابیون راستین به ما هیئت ارتجاعی رژیم و کارگران درگاهش (روپزیونیست - ها) بی‌میرند. افسانه "اتحاد کارگر و پاسدار" نیز تنها در نفاشی روپزیونیست‌ها باقی خواهد ماند! کارگران ایران آنقدر پاسداران رژیم را در حال پاسداری از منافع سرمایه‌داران مشاهده کرده‌اند، و آنقدر با این مزدوران رژیم درگیری داشته‌اند، که عقب مانده ترین بخش کارگران، بخش دیگری از این طبقه نسبت به پاسداران سرمایه‌داری و با منافع سرمایه‌داری و وابسته در تضاد آشتی نا پذیر قرار داد دست و پا زدنهای مذبحا نه روپزیونیستها برای آشتی دادن ایندو نیروی آشتی نا پذیر، نتیجه ای جز افشای بیش از پیش خودشان نخواهد داشت!

اگر رژیم جمهوری اسلامی توانست برآه - انداختن جنگ ارتجاعی کنونی و با سواستفاده از احساسات وطن پرستی توده‌ها چند صبا حی سمت مبارزه و جگر بند طبقه کارگر را منحرف نماید و کارگران و زحمتکشان را به دفاع از منبهن بورژوازی فراخواند، امروز ما هدیم که چگونه

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



مواضع اصولی و استراتژیک خویش پای خواهند فشرد! کمونیستها "تاکتیک مناسب" را فقط آن تاکتیکی میدانند که نه تنها استراتژی آنها را نفی نکند بلکه در خدمت آن باشد. ما راه - کارگردار اینجا همدا با رویزیونیستها گشته و از این بابت ابراز نا رضایتی میکنم!

استدلال رویزیونیستها در این باره همواره این بوده است که کمونیستها "پیگیر" راه بر هر گونه انعطاف تاکتیکی "را مینهندند" از آنجا که تاکتیکی مناسب "تا توان هستند" اما در ک رویزیونیستها از "انعطاف تاکتیکی" و "تاکتیکیهای مناسب" چیزی نیست جز زیر پا گذاشتن هرگونه اصل و استراتژی کمونیستی. آنها برای این منظور از هرگونه تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق ایثاتی ندارند، حال راه کارگردار نیز "مصمم" گشته است که از رویزیونیستها اکثریت تقلیدکنند از تکرار مصرا نه شعرهای آنها گرفته تا تحریف آشکار نقل قول لنین، همه و همه در خدمت این "مصمم" راه کارگردار گرفته اند! اما طبقه کارگر قهرمان ایران که طی مبارزات چندسال اخیر تجربیات و درسهای فراوان کسب کرده است، باید میگردید چگونه رویزیونیسم را از ما رکنسیم تمیز دهد و چگونه میان شعرهای رویزیونیستی و شعرهای واقعی و طبقاتی خویش تفاوت بگذارد. حال راه کارگردار بد تصمیم بگیرد که کجا ما را انتخاب کند، ولسی یک چیز را نباید از یاد دور نماید و آنست که ما را انتخاب کرده است. چنین شعرها را درست لب پرتگاه رویزیونیسم ایستاده است! همدارونما!

### سخن کوتاه یک کارگر

در زمان قیام ما میگفتند که پس از پیروزی در خانه تان را میزنیم و برای تان پول نفت و پوشتاک و غیره را میدهم... ولی حالا در منزل ما را میزنند و میگویند: "بیا شید جسد فرزندتان را بگیرید، او را کشته ایم."

### از انتشارات جدید سازمان



باخت! رویزیونیستها اکثریت که بدنبال برادر برزگرشان حزب خائن توده روانند، چنان از خدمت به بورژوازی و رژیم مست گشته اند که برای خوشایند آنها هرچه از دهان نشان در میآید بخورد توده ها میدهند، و این هیچ تعجیبی ندارد.

### راه کارگردار سخنان رویزیونیستها اکثریت:

زمانیکه رفقای راه کارگردار به تکرار راپلاطلات رویزیونیستها میپردازند، جای بسی شگفتی است! رویزیونیستها اکثریت درجائی از مقاله مذکورشان مینویسند: "کسی که در شرایط کنونی شعر را افزایش تولید اشعار سرمایه داران میداند، در واقع حاکمیت را حاکمیت سرمایه داران معرفی میکند" بله، ما نمی توانیم وفا دار به آرمان کارگردار باشیم، مگر آنکه بسه ما هیت سرمایه داران نه رژیم پی برده باشیم و "اکثریت" نیز این ادراک فته ولی از آنجا که هدف خود را نه وفا داری به آرمان طبقه کارگر بلکه خیانت به آن، قرار داده است به تفرسی ما هیت سرمایه داران نه رژیم میپردازد. ما راه کارگردار را تکرار رتبه های رویزیونیستی اکثریت نه تنها نخواهد توانست به آرمان طبقه کارگر وفا داریمانند، بلکه در صورت عدم مبارزه قاطع وجدی با انحرافات خویش به همان منجانبی درخواهد غلطید! "اکثریت" در غلطید!

راه کارگردار هیچ چاره ای ندارد با بد همچون اکثریت با "ملی و فدا مهربا لیست" قلمداد کردن حاکمیت، به تطهیر بورژوازی میپردازد و با طردن رتبه های رویزیونیستی اش به راه انقلاب وفا داریمانند. الگوسازی راه کارگردار شرایط پیش از انقلاب اکتبر در روسیه که طبقه کارگردار استانه انجام انقلاب سوسیالیستی بود، در واقع التقاطی است که به راه نخست منتهی میگردد، بخصوص آنکه راه کارگردار بی پوئانند ما هیت رویزیونیستی شعر را افزایش تولید در شرایط کنونی، به شیوه های اپورتونیستی تحریف واقعات و نقل قولهای لنین از یک طرف و برخورد غیر ما دقانه به کمونیستها (از جمله با زمان ما)، جهت مخدوش کردن واقعات، از طرف دیگر میپردازد. راه کارگردار مدعی است که: "پیکار" در چهارچوب همه یا هیچ محبوس است و "با" در چهارچوب تحلیل کلی و تکرار اصول استراتژیک باقی مانده و از آنجا که تاکتیکی مناسب نیست، توان "است" (همانجا - تاکیدها از ما است) این مطلب که اپورتونیستها و رویزیونیستها، کمونیستها و نیروهای انقلابی را آنرا ریشست و پیرو "چهارچوب همه یا هیچ" مینامند، تا زکی ندادند و میبینیم که راه کارگردار رویزیونیستها اکثریت اتفاقا در این مورد نیز به زیان مشترکی رسیده اند! چرا که "اکثریت" هم مینویسد: "آری با ردیگر اصل تلاشی آنرا ریشیم هیچ چیز یا همه چیز" در قالب شعر افزایش تولید مشروط ندایان میشود. (کار رویزیونیستی ۸۸ - تاکید از ما است) البته کمونیستها در هیچ یک از اصول خود با بورژوازی سازش نخواهند کرد و بر همه

این توهمات در بر خورد با واقعات چون حبابی از هم میپاشند! او جگیری مبارزات کارگردار در کارخانجات و طرح خواستهای منفی (اضافه دستمزد، مخالفت با کم کردن حقوقشان به بیانه جنگ و مخالفت با اضافه شدن ساعت کار، اعتراض به گرانی سرمایه و آوارا خراج و بیکاری کارگردار و...)، او جگیری مبارزات آوارگان زحمتکش، این قربانیا مستقیم جنگ ارتجاعی، گسترش مبارزات دانش آموزان و سایر زحمتکشان همه و همه گواهی اثر شدن حربه اخیر رژیم بر علیه توده ها، میباشند.

رویزیونیستها اکثریت با استناد به اندک تشکلات زرد و فدکا رگری رژیم همچون "خانه کارگر" و "با" تنها به ناگما هترین بخش کارگردار میخوانند "حقانیت" خود را نشان دهند. در صورتیکه آنچه که آشکارا میشود، کرنش رویزیونیستها در مقابل رژیم سرمایه داری و سر فرود آوردن در مقابل منافع بورژوازی است!

کار رویزیونیستی مینویسد: "طبقه کارگردار قهرمان ایران و همه نیروهای انقلابی نیز به طریق اولی با تداوم تولید و ترمیم و بازسازی اقتصاد ایران زده ما تاکتیکی اخلاکگرانه و مخرب امپریالیستی را در امر فتلج کردن اقتصاد ایران و شکست انقلاب، خنثی و بی اثر میکنند تا راه دشوار استقلال اقتصاد و... را بگشایند." (همانجا - تاکید از ما است)

رویزیونیستها اکثریت از "اقتصاد بحران زده ما" محبت میکنند ولی نمی گویند که چرا اقتصاد ما بحران زده است؟ آیا بحران عمیق اقتصاد ایران دنیا له همان بحران نیست که رژیم خائن شاه را سرنگون ساخت و مگر این بحران از ما هیت گندیده سرمایه داری وابسته ایران ناشی نمیکردد؟ میدانیم که بحرانهای اقتصاد ایران با به انقلاب منجر شده و بسود توده ها حل میگردد و با سرمایه و اصلاحات بورژوازی موقتا بسود سرمایه داران و امپریالیسم حل میشود.

بنا بر این در ایران مگر از طریقی بجز نابودی سرمایه داری وابسته میتوان انتظار حل بحران اقتصاد را بسود توده ها داشت؟ پرواضح است که جواب منفی است اما رویزیونیستها اکثریت با فراخواندن نیروهای انقلابی به "تداوم تولید و ترمیم و بازسازی اقتصاد بحران زده ما" هدفی نداشتند جز آنکه بحران موجود را نه به نفع توده ها بلکه به سود سرمایه داران حل نمایند آنها از اینهمه فراتر رفته این راه خود را منتهی به "استقلال اقتصادی" کشور قلمداد میکنند، به زعم رویزیونیستها، استقلال اقتصادی نیازی به رهبری طبقه کارگردار و جمهوری دمکراتیک خلق نداشتند و تحت حاکمیت رژیم ضد انقلابی کنونی نیز میتوان به آن دست

### امپریالیست‌های غربی و تدارک تجاوزات و توطئه‌های جدید در منطقه

در هفته گذشته نمایندگان امپریالیست‌های غربی به کشورهای خاورمیانه مسافرت کردند. "لردکا ریگنتون" وزیر امور خارجه انگلیس به مراکش و مصر رفت، "هلموت اشمیت" صدراعظم آلمان غربی که موافقت خود را برای فروش تانکهای لئوپارد ۱، اعلام داشت به منطقه آمد، "ادوارد هیث" نخست وزیر سابق انگلیس برای فروش تانک به عربستان رفت، وزیر خارجه هلند به خاورمیانه مسافرت نمود و بالاخره "کی سینجر" که از مشاوران نزدیک ریگان میباشد، به مصر، سومالی، اسرائیل و عربستان مسافرت کرد.

رفت و آمدهای اخیر نمایندگان امپریالیست‌های غربی چه اهدافی را تعقیب میکنند؟ تشدید رقابت میان سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا در منطقه، واجگیری بحران اقتصادی در کشورهای اروپا و آمریکا و نیز زمرم این کشورها به نفت خاورمیانه و ورشدها و در نتیجه بی ثباتی فزاینده رژیمهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم غرب، امپریالیست‌های غربی را به تکاپوی بیشتر گشاده است. این امپریالیست‌ها میگویند تا بطور مشترک قوای خود را هماهنگ ساخته و از منابع مشترک خود در خاورمیانه دفاع بکنند. وقتی که ۶۵ درصد نفت اروپا، ۷۵ درصد نفت ژاپن و ۲۰ درصد نفت آمریکا از این منطقه تامین میشود و وقتی که رشد روزافزون انقلاب توده‌ها در سایر منطقه علی‌رغم سرکوبها و توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی همچنان ادامه دارد و حمله نظامی روسها به افغانستان و تشدید فعالیت سیاسی نظامی شوروی در منطقه منافع همه امپریالیست‌های غربی را تهدید میکند، پرواضح است که آنها میگویند تا جهت مقابله با اوضاع "نگران کننده" آینده اقدام نمایند. ژنرال هیگ میگوید: "اگر تا تو بخواد هم موثر باشد بیستی افقی فعالیتش را گسترش بخشد، اروپا کافی نیست." این گفته بطور ملموس منافع تنبها را نه همه امپریالیست‌های غربی را یا یادآور شده و بر ضرورت گسترش فعالیت مشترک این کشورها در سایر نقاط جهان و زجمله خاورمیانه تا کید میورزد، در همین رابطه امپریالیست‌های غربی میگویند تا نفوذ خود را در کشورهای منطقه تحکیم بخشیده و رژیم‌های مرتجع وابسته بخورد، بیش از هر زمان دیگر تقویت نمایند.

در این میان امپریالیسم آمریکا و اروپا همکاری‌هایی که پیشتر نقش فعالی بازی میکنند، مسافرت‌های اخیر کیسینجر به منطقه و بخصوص به کشورهای مانند فلسطین اشغالی، مصر و عربستان سعودی نشان میدهد که آمریکا در پی آنست تا بنحویس سابقه این رژیم‌ها را



### اخبار و مسائل جهانی

تقویت کرده و آنها را بنحویس با یکدیگر مطمئن و کاملاً تعرضی در برابر ورد، کیسینجر در سفر خود به اسرائیل از دولت آمریکا خواست که به عنوان اخطار به شوروی در مورد نفوذ بیشتر در خاورمیانه در این منطقه با یکدیگر همکاری نظامی بدست آورد. بعلاوه از دولت آینده ریگان خواسته است تا به موافقتنامه‌هایی که بوسیله کارتر منعقد شده مفاد بی‌طرفی را بدینا برپا به آنها حضور چشمگیر آمریکا در منطقه ممکن شود و روشی استراتژیک که ایالات متحده را قادر به رویا رویی با بحران منطقه سازد، اتخاذ گردد.

با توجه به چنین سیاستی است که هدف سفر کیسینجر به سوما لی جهت فعال نمودن با یکدیگر عظیم "بربره" به مرجع فروش ۴۰ فروتنده هواپیما پیشرفته اف ۱۶ و ۲۵۰ دستگاه تانک ام-۱۶، به اسرائیل جهت تقویت نظامی گسترده - تر رژیم صهیونیستی و به عربستان جهت ارسال آواکس‌های جدید و فروش تسلیحات تازه مشخص میگردد.

### بشبه از صفحه ۲ سرمقاله ...

دمکرات نظیر ما هدین و مواضع لیبرالی آنها از سوی دیگر است. دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی ایاتام توان به تبلیغ حول شعارهای کسب آزادی فعالیت سیاسی در بازگشتی سنگر دانشگاهها بپردازد و در این میان از تمام مبارزها و سوسیالیزم از زمان دادن نظایه‌ها سرسری برای تبلیغ این شعارها و تا میسب پیوند جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی جنبش اوچگیرنده و روبه گسترش کارگران و زحمتکشان حداکثر استفاده را بعمل آورید. پیروزی آزماست!

### استثمار کارگران در شوروی

با زکشت سرمایه داری در شوروی ستیم طبقاتی بورژوازی را در تمام عرصهها گسترش داده است. تقسیم نا عادلانه درآمدها یکی از مواردی است که تشدید شکاف طبقاتی و تعمیق تضاد طبقاتی را در شوروی را بنمایش میگذارد. این تقسیم نا عادلانه نشان میدهد که بورژوا - رویزیونیست‌های حاکم چگونه به استعما روحشانه توده‌های زحمتکش کارگر و دهقان بپردازند و بقیمت فقر و فلاکت توده‌ها، بهترین شرایط زندگی را برای خود تا میسب نموده‌اند. رویزیونیست‌ها از طریق افزایش حقوق و مزایای کارهای رهبری کنندنده، کارمندان حزبی و دولتی، ژنرالها و فرمان عالیرتبه ارتشی، متخصصین و تکنوکراتها، نویسندگان و هنرمندان در یک کلام بورژواهای نوین به تا مین زندگی انگل و او خود بپردازند و هر چه بیشتر اختلافات طبقاتی را دامن می - زندیگی از این موارد اختلاف میزان دستمزد - هاست در یک قاعده عمومی در تنگا ههای تولیدی، مدیران کارخانه‌ها، بیش از ۱۰ برابر دستمزد یک کارگر متخصص، حقوق دریافت میکند. مثلاً مدیران کارخانه لایب سازی مسکو حقوق ماهانه‌ای معادل ۱۰۰۰ روبل میگیرند، در حالیکه دستمزد یک کارگر همین کارخانه حدود ۶۰ تا ۷۰ روبل میباشد. بمعنای دیگر این مدیران و کسرات حقوقی بیش از ۱۶ برابر یک کارگر زحمتکش دریافت میکنند. البته غارت کارگران توسط بورژواهای فاسد حاکم بر شوروی به حقوقهای کلان محدود نمی شود. رویزیونیست‌ها قوانین مختلفی گذارنده و فرمهای متعددی انجام داده‌اند تا به اهداف ستمکارانه خود بهتر برسند. بعنوان نمونه مدیران کارخانه خود می توانند سطح دستمزدها را تعیین کنند. کارگران را استخدام یا اخراج کنند، ریتم تولید را بالا ببرند و یا داش سود را تقسیم کنند و بدین ترتیب آنها می توانند انواع توطئه‌های شیانده را علیه کارگران انجام داده و بر استعمار آنها بیافزایند. جالب است که طبق گفته نشریات روسی ۸۰ تا ۸۵ درصد مبلغ مربوط به تشویق و انگیزه مادی به دست رهبران و مدیران میرسد بر طبق همین محاسبات مهندسی و تکنیسین‌ها در واحدهای تولیدی در هر ماه بطور متوسط ۱۲ برابر کارگران و کارمندان و برورکارها تا ۷ برابر کارگران از زلل پاداش را به خود اختصاص می دهند. (منبع آمار: اکونومیسکایا، شماره ۲، سال ۱۹۷۲، صفحه ۴۲، چاپ مسکو) بدین ترتیب متوجه میشویم که بورژواهای نوین، بخش مهم مبلغ مربوط به پاداش را بچنگ آورده و کارگران را تشدیداً مورد ستم قرار میدهند. و باز بر اساس یک مجله روسی بنام "پرش‌های اقتصادی" در ۷۰۰۰ موسسه صنعتی تحقیقاتی در مورد چگونگی

### باز هم یورش باز هم کشتار فرزندان انقلابی خلق

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر روز شنبه ۵۹/۱۰/۱۲ بهرام فرحناک از هواداران مجاهدین خلق توسط جماعتداران حرفه‌ای حزب چماق (حزب جمهوری) احین نصب اعلامیه با ضربات قهقهه و جاقو به شهادت میرسد.

در مراسم تشییع جنازه مجاهد شهید در روز یکشنبه ۵۹/۱۰/۱۳ جمعیتی در حدود ۷۰۰۰ تن با عزمی آهنگین شرکت میکنند.

در این روز مدارس شهر عملاً به دلیل شرکت دانش آموزان آگاه و مبارزان رزدر راهیما بی به حالت تعطیل در آمده و با نظم خاصی (عمدتاً) هواداران مجاهدین با حمل پلاکارد دادن شعارهای افشاگرانه به محل شروع مراسم (خانه شهید - محله تختی) راهیما بی نمودند.

راهیما بی با گذشتن از میدان شهرداری با حمله مسلحانه قداره بندان و پاسداران، ضرب و شتم دستگیری و... برآکنده میشود.

درگیریها در کوچه‌ها و خیابانهای اطراف تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت.

اگرچه مجاهدین با پیوستنشان به صفوف مقاومت به پتانسیل آن افزوده اند، لیکن به هیچوجه شعارها و خواسته‌های توده‌ها در شعارشان منعکس نشده و تنها صحبت از جوشیدن و خروشیدن مجاهد و مبارز بوده است.

هواداران سازمان ما با حمل پلاکاردهای افشاگرانه در این راهیما بی حضور داشتند.

### چه کسانی نفت را احتکار می‌کنند!؟

ارومیه

دراو خرابی آذربایجان، کمیته‌های در جستجوی "نفت" ذخیره شده، خانه‌های بقال را تفتیش میکنند. پیشه‌ورمزیور پس از اعتراض به آنها میگوید که "لطفاً خانه‌ها را هم بگردید". کمیته‌های "در جستجوی خانه‌ها" همسایه‌ها را دو تا نگر نفت پیدا کرده و جریان را به ملا خراسانی رئیس کمیته و رومیه اطلاع میدهند. وی میگوید که هر کس در این موقعیت دو تا نگر نفت پنهان کند باید اعدام شود. پس از اینکه افراد کمیته آدرس خانه را به ملا خراسانی مرتجع میدهند، او درمی‌یابد که این مقدار نفت از خانه خودش کشف شده است و در نتیجه با تغییر لحن مسئله را بی اهمیت تلقی کرده و به کمک مقامات قضیه را بخوشی فیمله میدهد. در شبی ده‌آیت‌الله بهشتی مرتجع به مردم زحمتکش ارومیه می‌کند که برای گرم کردن خود، همه خانواده‌ها در یک اتاق جمع شوند و در اغلب مناطق حتی سهمیه هفتگی ۲۰ لیتری نفت هم نمیرسد، کارگران و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هزاران لیتر نفت (نفتی که میبایست بین مردم تقسیم شود) برای خود ذخیره می‌سازند.

کشور ارتجاعی که در آن بورژوازی حاکم بود و طبقه کارگر را شدیداً تحت ستم و استعمار قرار داده است. اگر شوروی در زمان لنین و استالین میهن کارگران بود و دولت از آن طبقه کارگر بود اما شوروی در زمان خروشچف و برژنف میهن بورژوازی‌های فاسد و زلوفت است. بورژوازی‌های که شوروی را به یک قدرت امپریالیستی تبدیل کرده اند. این واقعیات امروزه تنها بوجی تبلیغات سوسیال امپریالیسم را افشا میکند، بلکه همچنین مضمحل محکمی است بر دهان رژیونیست - نیستی‌های خائن حزب توده و فدائیان اکثریت آنها می‌کوبد در شوروی استعمار نیست و دولت از آن طبقه کارگر است. ولی خوبست آنها حساب دهند که وقتی یک بورژوازی انکل صدبار بر یک کارگر در آمد دارد، اسم آن را چه میتوان گذاشت؟ آری برخلاف تبلیغات رژیونیستی‌های خائن امروز طبقه کارگر شوروی شدیداً تحت ستم و استعمار قرار داشته و تنها راه رها نشی آن انقلاب علیه طبقه حاکم در شوروی است. (ارتقا م‌فوق از نشریات آلبانی و از مجله "آلبانی امروز" شماره ۳ (۲۸) ۱۹۷۶)

### منتشر شد:



اینک هریک می‌کوشد، خود را فاتح ایمن نبردها اعلام کند و در نتیجه از این تمد، کلاه قدرت بی‌فاد. مسئله مهم برای توده‌های ما در اینجا این است که ما هیت جنا پیکار را نه هیت - خاکمه را در استفاده از این جنگ ارتجاعی دریا بند، مسائل فوق نشان میدهند که جناهای رقیب، از جنگ نه تنها برای مها رگدن و سرکوب انقلاب استفاده میکنند، بلکه جنگ نیز با زیجه - ای است که میتوان ندر خدمت دعوی قسدرت جناها درآید. کی با بد حمله کرد؟ زمانی که بیشتر بسود جناح ما باشد. کی با بد عقب نشست؟ زمانی که به موقعیت این جناح در حکومت لطمه نزد و قس علیهذا... بدین ترتیب بیش از پیش آشکار میشود که "میهن" حزبها و لیبرالها چیزی جز قدرت حکومتی برای استعمار و غارت و سرکوب زحمتکشان نیست

توزیع عایدات کارخانه بعمل می‌آید. طبق این تحقیقات، کارگران که ۸۰ تا ۹۰ درصد کارکنان این موسسات را تشکیل میدهند، فقط ۱۸ درصد عایدی کارخانه را دریافت می‌دارند. حال آنکه مدیران و متخصصین ۸۲ درصد عایدی کارخانه را به جیب می‌زنند و حتی در برخی موسسات سهم کارگران به ۸ و یا ۳ درصدی رسد. بنا بر این با یک حساب مختصر میتوان فهمید که یک بورژوا - رژیونیست فاسد، با حقوق‌های کلان، با مزایای فراوان، با دزدیدن پاداشها، با افزایش ریت تولید، با کم کردن دستمزد کارگران و با دهها دزدی و سوداگری دیگر، عملاً ما را نه ۱۰۰ برابر دستمزدنا چیزیک کارگر زحمتکشان را به غارت میبرد. یعنی یک بورژوازی انکل مجموعاً درآمدی معادل ۱۰۰ برابر کارگر زحمتکش چپا ول میکند، پرواضح است که بهترین شرایط زندگی و رفاه را به قیمت استثمار و سرکوب توده‌های برای خودنا مین کند.

آری واقعیت امروز شوروی اینست: یک

بقیه از صفحه ۳۲ جنگ...

لیبرالها این منظور را دنبال میکردند، که ادامه جنگ بصورت پیشین و عدمتها جمبه عراق بر مشکلات دولت رجا شی افزوده و در نتیجه حزبها را در موقعیت ضعیفتری قرار میدهد.

سخنان بهشتی در نماز جمعه پیش از آن و تلگرام آیت‌الله منتظری به ما مجمعاً هوازی و ذکر این مسئله که "از جریانات موجود در حبهه بسادگی نمیتوان گذشت". (همانجا ۱۱ دی) بخوبی نشان میدهند که جناح حزب از این نقشه لیبرالها آگاهی داشته و در واقع با تلگرام منتظری کوشیده است، آن نقشه را خنثی ساخته، به خود تبدیل نماید. تلگرام منتظری که قاعدتاً می - بایست به فرمانده کل قوا فرستاده شود به امام جمعه هوازی ارسال شد و از این روزگ خطر برای بنی صدر مصادراً وارد. چرا که در واقع منتظری امید "ما و ما" حزبها، تقریباً از جانب ولایت فقیه سخن میگفت و این تلگرام، یعنی بهیچ گرفتن مقام فرماندهی کل قوای بنی صدر نمیتوانست مقدمه‌ای برای گرفتن این مقام از بنی صدر باشد، در واقع حزبها با این تلگرام به بنی صدر گفتند که نخواهند گذاشت با استفاده از فرصت مناسب از این حمله بنی صدر بسود خود در جنگ قدرت استفاده کند، بهرحال هراس باغیر از دست دادن مقام فرماندهی کل قوا، موجب شد که لیبرالها، از تنها چند موقعیتی مناسبتتر چشم پوشیده و به استفاده تبلیغاتی در شرایط کنونی بسنده کنند و در یک کلام مجبور به پذیرش نظر حزبها به تنها چند شرایط کنونی گردند اما اینک همین حمله نیز (جدا از بزرگ کردن آن توسط همه جناحها برای فریب توده‌ها و متوهم کردن آنها) خود به رقابتها دو جناح برای قدرت، ادامه زده است.

بقیه از صفحه ۳۲ بن بست ...

دیگر در ادا مه جنگ قدرت با زهم موردتها جسم لیبرالها قرار گرفته اند. به ضعف خود اعتراف میکنند. لیبرالها با شدت بیشتر، حزبیه را به اتخا ذشیوه های غلط دسرکوب که حتی منجر به شد انقلاب میشود، بی لیاقتی در حل بحران و ناتوانی در با سازی سرما به داری وابسته متهم میکنند، نمونه اخیر، اعلامیه جامع اصناف و بازاریان بود که از رجا میخواستی بعلت بی لیاقتی کناره رود طبقه طبق میسل جبهه ملی و دیگر لیبرالها جای خود را بیه "متخصصین لیبرال" بیاورد. اما طبیعی است که اعتراف این حضرات به ضعف، نه از زاویه اعتراف به حفظ سیستم سرما به داری وابسته و ضدیت با انقلاب بلکه از زاویه فریب توده ها و کوشش در جهت بیو شدن علل اصلی بحران کنونی جامعه است.

خامنه ای در نما زجمعهاش به مشکلات اعتراف میکند و تراناشی از اشکالات طبیعی هرا انقلابی عنوان میکند و میگوید: "مشکلات انقلاب یک مقدار مربوط به تغییر وضع است... یک مقدار مربوط به گریسه رقصانیها است که ضد انقلاب از داخل و خارج برایش درست میکنند (جمهوری اسلامی ۱۳۵۱).

بهشتی نیز به این مشکلات اعتراف میکند، منتها میخواست هدهای دولت را از حساب این مشکلات بیرون بکشد، (همانجا). رجا نشی نیز مشکلات راناشی از جنگ و نیز مسائل مربوط به برنا مریزی دولت میدانند. (همانجا ۱۶ دی) آیت الله خمینی نیز ضمن اعتراف به مشکلات دست به دعا بر میدارد و میگوید: "امیدوارم همه کارها اصلاح بشود و با موفقیت پیش برود و این گرفتاریها انشاء الله بکلی رفع بشود." (همانجا ۱۷ دی)

آری گرچه جنبش توده ها، هم نظور که رژیم شاه را وادار به اعتراف به ضعف میکرد، در هفته گذشته پیش از پیش رهبران حزبی حکومت را به اعتراف واداشت. اما آنها کوشیدند با اعتراف به ضعفها نشان علل اصلی مشکلات را بیو نشانند. این مشکلات نه ناشی از مشکلات طبیعی هرا انقلاب و... بلکه اساسا ناشی از ما هیت طبقه تسی حکومت، ضدیت آن با کارگران، زحمتکشان و اصولا ضدیت با انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران برای ریشه کن کردن امپریالیسم و ارتجاع بوده است. "مشکلات" در جامعه ما وجود داشته و خواهد داشت چرا که رژیم جمهوری اسلامی بیثنا به تنگنیا ن سرما به داری وابسته و روری انقلاب و خلقها ایستاده است. از دیدگاه انقلابی این "مشکلات" با حرکت در جهت نا بودی امپریالیسم و کلیه طبقه تار تراجعی توسط انقلاب زحمتکشان از بین میرود. اما سرما به داری وابسته به امپریالیسم و رژیمهای آن وجود دارد. این "مشکلات" نیز وجود دارد. این همان مسئله اساسی است که رهبران حزبی

(و نیز لیبرالها) با هزار ترس و لرز میخواستند آنرا بیو نشانند. پس راه حل انقلاب مشخص است بیستیم: ضد انقلاب چه راه خلی پیشنها دمیکند.

## ثانیا - اما راه حلها!

راه حل مورد نظر حضرات طبیعی است، راه خلی برای جلوگیری از انقلاب و حفظ سیستم است خامنه ای یک راه حل را جلوگیری از مبارزات انقلابی توده ها عنوان میکند و میگوید: "هرگونه اعتصاب و تحصن امروز خیانت به اسلام است." و توده ها را به "صبر" و تسلیم به حاکمیت سرما به داران دعوت میکند. (همانجا ۱۳ دی) راه حل بهشتی در حقیقت مکمل راه حل خامنه ای است. او از توده ها میخواست هد که با دولت، همکاری، همکاری و همکاری کنند، "اگر تردید را آفت انقلاب مینامد" و عدم تردید در حمایت از دولت را راه حل عنوان میکند. (همانجا) خامنه ای میگوید: زحمتکشان ن بر علیه سرما به داری وابسته مبارزه نکنند و بهشتی میفرزاید، از دولت خامی سرما به داری وابسته حمایت کنند. چه راه حلها ی جالی! اما صریحتر همنموده ای دیگر حضرات نیز به همین انداز ه جالب توجه است. رجا نشی راه حل را در ۱۳ - مقابل به "ضد انقلاب" (بخوان نیرو های انقلابی) که بقول رجا نشی "آرامش"

جمهوری اسلامی را بهم میزند و عدم توجه توده ها به افشاگریهای آنها. ۲ - حمایت توده ها از دولت و بخصوص همکاری کارگران و کارمندان با رژیم، ۳ - کمک لیبرالها و متخصصین در برنا مریزی، میدانند. او از لیبرالها انتقاد میکند که چرا برنا م خود را از نهمید هند و سوگند میداد میکنند که اگر برنا م لیبرالها، دولت را از بین بستان کنونی نجات بخشد، آنرا بمورد اعتراف در آورد. آری او از برنا م لیبرالها استقبال میکند، منتها اگر لیبرالها سرکردگی حزب را بپذیرند و به انقیاد در آید، و برای تخفیف بحران حتی نقل قول "برادر رئیس جمهور" را در مورد جنگ، که "اگر جنگی از روی غلبه خدا، اسلام، قرآن و رهبری نامد. (همانجا ۱۶ دی)، آیت الله خمینی نیز در ملاقات با دولت ضمن حمایت بیدریغ از دولت راه حلها ی خود را ارائه داد. او فکر میکرد حمایت از دولت خود نیز میتواند یک راه حل جادوشی برای حقانیت بخشیدن به این دولت در نزد توده ها باشد. گرچه با بدگفت، در نریست آنرا تا نیکه به آیت الله خمینی بگوئیم "آن سبب شکست و آن پیمان نهریخت!" بهر صورت آیت الله خمینی دور راه حل ارائه میدهد، یکی تبلیغات بیشتر، برای جلب حمایت توده ها از دولت از طریق رادیو و تلویزیون و دیگری حل اختلاف با لیبرالها، چرا که:

"گرفتماری امروز ما همین اختلافات است که مشاهده میشود. شما هر چه کار کنید اگر اختلافات را کوشش نکنید که رفع بشود، کارهای شما را آن کسانیکه بخواهند یک عیبی بگیرند، به آن عیب میگیرند. شکی نیست، آنها نشی که افتاد ه اند دور با زاو کوجه این طرف و آن طرف سمپاشی

میکند" (همانجا ۱۷ دی) در واقع آیت الله خمینی پیشنها دادن رشوه به لیبرالها برای بستن دهان نشان را میدهد، بهر حال اگر خمینی کنی، رهبران حزبی در هفته گذشته ۳ راه حل برای بیرون آمدن از بن بست کنونی ارائه دادند.

۱ - جلوگیری از رشد انقلاب و مبارزات توده ها و سرکوب انقلابیون

۲ - تبلیغات وسیع در میان توده ها و بطور کلی کوشش در جلب حمایت توده ها و جلوگیری از گنده شدن بیشتر مردم از رژیم توسط تبلیغات

۳ - کوشش برای رفع اختلافات با لیبرالها (چرا که بهر صورت در مقابل انقلاب دارای منافع مشترک و وحدت نظر هستند).

اما این راه حلها بی حقیقتند. طوفانی که در راه است، نسیمی که هم اکنون میوزد و بوی خوش اعتلا را در سراسر زمین خونین می پرا کند تا این دست و پا زدن، قابل ملاحظه رکزن نیست. رهنمود ضد انقلاب برای ایجاد مانع در راه انقلاب سیل - بندی بیو نشی است که نخواهد توانست در جلوی امواج توده ها مقاومت کند. این از راه حل اول، اما راه حل دوم نیز نتوانسته است از گنده شدن روز افزون توده ها از رژیم جلوگیری کند. درست است که با استفا ده از توهم نا آگاهی توده ها و احساسات مذهبی... با تبلیغات فراوان خود توانسته اند روند روریختن توهم توده ها را کند تر کنند. اما واقعیت سرخستند و بخصوص با افشاگریها و قدرت یابی بیشتر نیروهای کمونیست و انقلابی همچنانکه، این حربه تا کنون بر بخش وسیعی از توده ها اثر خود را از دست داده است. در آینه ای نه چندان دور در میان زحمتکشان سی اثر خواهد گردید. و اما راه حل سوم نیز، سترون بودن خویش را تا کنون بهر دو جناح رقیب هیات تا حاکم نیز نشان داده است. و بنظر میرسد مطرح شدن آن از طرف آیت الله خمینی و رجا نشی بیشتر بیابا نگر موضع ضعیف فعلی و یک تا کتیک لحظه ای بسیار موقتی باشد کشمکشهای در برینه لیبرالها و حزب سرکسب سرکردگی در حاکمیت، با سخاوت متفا و ایشان به مسائل اساسی با سازی سیستم و سرکسب انقلاب (علیرغم وحدتشان در حفظ سیستم) آنهم در این شرایط اعتلا انقلابی و ترک برداشتن حاکمیت بر اثر جنبش توده ای و... آنچنان با اهمیت هستند که به یقین اختلافات نه تنها فروکش نکرده، بلکه دامنه وسیعتری نیز بخود خواهد گرفت.

و اما راه حل انقلاب چیزی نیست مگر دمیدن بر آتش جنبش خلق، مگر در زمانه و هدایت جنبش توده ای، اگر نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیست موفق به ارائه لترین تیونیر و مندی در نزد توده ها کردند، راه حلها ی ضد انقلاب، چون دیوار گلین در موا جه سیل فرو میریزد، جنبش توده ای روریور تیونیر و مندی ترودن ضعیفتر میگردد. با آما ده شدن هر چه بیشتر وندار کارسان - دهی و هدایت هر چه کار ملاتر این جنبش، این بار دیگر از توده ها عقب نمائیم!

کمکهای مالی دریافت شده

ملاحظات کوتاه

"کلاه مکتبی" برای  
سر وزیر دادگستری بود!

رجائی روزهای اول که صدرا عظمی شده بود میگفت کابینه را از نسل ۱۷ شهریور انتخاب میکنم ولی وقتی تحفه‌های نظیر دوز و زانسی و بهزاد نسبی را عرضه کرد و مثل آقای بازگان در تشکیل دولت "دچار قحط الرجال شد، آقای احدی را که یک "نودولت" بود و "جویای نام" بی‌عنوان و وزیر دادگستری به "ملت قهرمان" معرفی کرد! این آقای احدی که پس از چند ماه وزارت در هفته گذشته استعفا کرد آنقدر مبارز و انقلابی بوده که در سال ۵۶ یعنی زمانیکه ایران در آستانه نقیاب عظیمی بوده است کشور را برای "تحصیل در کشور فرانسه" رها میکند و فقط دو ماه (تعجب نکنید!) پیش از نشستن بر مسند وزارت دادگستری به ایران بر میگردد. او که هواراشدیدا "مکتبی" می‌بیند، سرخود را برای کلاه مکتبی آماده میکند ولی نمیداند که کلاه کلاه بر سر کسی که به هوای لیبرالی پارسیس عادت کرده خیلی گشاد است. به پشتگرمی داشتن آقای شجونی که نما بنده مجلس "جز" دارد و دسته حزب جمهوری اسلامی است "توکل کرده" بسا نشستن بر کرسی وزارت دادگستری خود را "مطرح" می‌سازد ولی نمیداند لیبرال‌ها مثل بازگان و بنی صدر که در دربار ریویزی و ماساها با خطا ما و حزب وگوش خوا با بدن برای فرصت مناسب جهت خیانت بیشتر به مردم گوی سبقت را بر بوده اند طاق نشان خیلی بیشتر از وزیر "نوکیسه" ای است که تا ز راه رسیده و تحمل مرونی بهشتی را ندارد!

افشاگری قسطی!

ملاحظه نویسی وقتی افشاگریهای مستند و تکان دهنده ای را که اخیراً در نشریه مجاهد منتشر شده (مثلاً در مورد بهشتی، داندنجویان خط امام، جریانات شکنجه و ما شاء الله قصاب و...) دید، بی اختیار از خود پرسید:  
واقعاً بکدام ملت، سازمان، مجاهدین که در صف انقلاب و خلق قرا را در پی خود جا زده می‌دهد اینگونه اسناد افشاگریها را که برای بالابردن آگاهی توده‌ها مثل هوای تنفس ضروری است مدتها پیش خود نگه دارد و هر چند وقت "اندکی از بسبار" آنرا "گرمطحت" نبود، منتشر کند و بکدام علت خود را مجاز نمیداند که توده‌ها را از شناخت دشمنان نشان محروم سازد؟ تب بوده‌ها، سیاست

Table with multiple columns listing names and amounts. Includes names like 'مهندس هدیه اتسید', 'دانش آموزان تهران', 'کارگران', etc.

Table with multiple columns listing names and amounts. Includes names like 'محمود ۴۰۰۰۰', 'دانش آموزان تهران', 'کارگران', etc.

# ولخرجی ۷۰۰ هزار تومانی در هتل هیلتون!

**درحالیکه رژیم فریاد میزند "ملت! صرفه-جویی کنید. در مصرف آب، برق، بنزین، بنفت، خوراک، پوشاک، جای، قند، شکر و قلم و کاغذ صرفه-جویی کنید..."** و تاوان این به اصطلاح صرفه-جوییها را با ساکارگران و زحمتکشان و کودکان آنان میبردند!

**درحالیکه نما بیننده خرمشهر در مجلس شورای** اعتراف میکند که به هزاران آواره مستمبده جنگ آنقدر غذا و وسایل نداده اند و آنها را پیش ازده روزگرسنه نگه داشته اند که برخی از آنان به کدائی کشیده شده اند!

**درحالیکه با راه انداختن تبلیغات وسیع** دست گزاران بر روی حساسترین عواطف توده-

ها، زحمتکشان شهبور و ستارگان را مجبور میکنند - میمهای از آن خالی خود را به جیبه بفرستند،

- **درحالیکه کارگران و زحمتکش و بیگانه شده** بنا در جنوب برای شکایت به تهران می آیند و شب جایی برای خوابیدن نمی یابند،

آری در چنین وضعی هزاران تن از مردم

نا آگاهانه شهرت آنها را برای دیدار اما میباش-

شرکت در تظاهرات فرمایشی صرف رژیم -

تهران می آورند و در هتلهایی نظیر هتل هیل-

تون از آنها پذیرائی میکنند. **یک قلم** از

این ولخرجیهای "آریا مهری" و "۲۵۰۰ ساله ای"

پذیرائی ۱۸۵۰ نفر است که برخلاف ادعای رژیم

همگی از خانواده شهدا نبوده بلکه آنها را از

اطراف اصناف جمع کرده بودند. **خرج هر نفر**

در هتل برای یک شب ۲۵۰ تومن بوده است!

**خرج** این افراد که برای دیدار اما آمده

بودند **در یک شب ۴۵۰ هزار تومان** شده است که

بنیاد شهید بطور پیش پرداخت صد هزار تومان

آنها پرداخت کرده است. ضمناً قرار بوده این

افراد در تظاهرات ۲۸ آذر "بنتف روحانیت و

حمایت از ولایت قبه" شرکت کنند که برنامها آن

لغو شد! **سند مربوط به اقامت این عده بتاریخ**

۵۹/۹/۲۵ میباشد.

بقیه از صفحه ۶ **مصاحبه...**

نایب است نمی رسد ولی واقعا حتی در این

زمان که جنگ با عراقی ادامه دارد، یک آنورش

و حمله هیئت حاکمه به شهرها و روستاهای کردستان

قطع نشده و مردم کرد در زیر گبار رویمباران هستند

و در محاصره اقتصادی قرار گرفته اند با ساران و

ارتش ضد خلقی از هیچ جناحی خودداری نمی-

کنند! آموزش و پرورش در کردستان منحل است و

حقوق بیشتر کارمندان و معلمان قطع شده است

وضع مردم از حیث اقتصادی در غایت ناراحتی

است با بدمردم ایران این را بدانند که خلق

کرد در زیر فشار رشد هیئت حاکمه قرار گرفته-

است ما متاسفیم بوضع هولوم و حبس نه هیئت

حاکمه بوضع محاصره اقتصادی نمی توانیم

بگفت برادران و خواهران خوزستان، کرمانشاه

تولید ۵۹-۹۲۸  
شماره ۸۶۱  
سازمان هواشناسی  
سازمان هواشناسی  
سازمان هواشناسی

تعداد...  
قیمت...  
تاریخ...  
محل...  
توضیحات...  
تعداد...  
قیمت...  
تاریخ...  
محل...  
توضیحات...

**یک قلم دیگر از این مخارج گزاف درستی** دیگر، مورخ ۷ و ۸ دی ماه ۵۹، آده است (متاسفانه بعثت کمیودجا چاپ شد) که برای ۹۰۰ نفر که از خوزستان و دزفول برای دیدار اما آمده بودند با بت اقامت یک شب در هتل هیلتون (استقلال) **و صرف صحانه و ناهارها ۲۵۲ هزار تومان خرج شده است!**

آری، رژیم می گواهد که ما این منافع سرما به داران است، تنها با نیرنگ و فریب و تبلیغات دروغین و ولخرجیهایی که همان ماهیت خرجهای دوره شاهیها را دارد، می توان به زندگی ننگین-اشاد امان بدهد، اما بدون تردید، آگاهیه توده ها ریخته شدن توهمنات آنان نسبت به رژیم و مبارزه مستمر در راه انقلاب رهائی بخش کارگران زحمتکش، بساط رژیمهای بدمردمی را برهم خواهد ریخت. آری توده های خلق حکومت ستبر جمهوری اسلامی را بنا بود خواهد کرد.



# ملاحظات کوتاه

افشاگری قسطی و "مصلحتی" را با هر توجیهی - تاکتیکی و "مقطعی" هم که باشد، خواهند پذیرفت؟ و آیا صراحت در افشای چهره دشمنان خلق، حد - اقل انتظاری نیست که توده های زحمتکش از سازمانهای انقلابی دارند؟

## حجاب اسلامی یا آخرین مدار و پایی!

رژیم جمهوری اسلامی که در بیق و کربنا دم از سادگی ظاهری و "حجاب اسلامی" میزند، در آنجایی که پای سودهای کلان میلیونی "تجارت محترم" در میان باشد همه را دست فراموشی میسازد.

بد نیست بدانید که شرکت واردکننده مجله فرانسوی مد "سوردا" که تیراژ بالای ۸۰ هزار را

در ایران دارد و بسته به بنیاد مستضعفین است

و همچنان بوظایف شایسته خودش ادامه میدهد.

این مجله که آخرین مدلهای لباس در اروپا را

برای زنان سرما به داران به نمایش میگذارد،

سالانه میلیونها تومان از دسترخی زحمتکشان ما

را به جیب کشا دسر ما به داران روانه میسازد.

و از آنجا که ایران یکی از دو کشور است که فروش

این مجله در آن از تیراژ بسیار بالا بود و کلان

برخورد است، سرما به داران فرانسوی زحمت

ترجمه فارسی آنرا هم خود تقبل کرده اند و تنها

زحمت وارد کردن آن را بسینا دستضعفین بسنه

عهده دارد.

زنان افشای مرمعه و بیویزه خا نواده های

تجارتروا زاریان "محترم" و "روحانیون بزرگ"

از لباسهای مدرن و جواهرات بتجوی حریمانه

استفاده میکنند، البته جواهرهای بسیار گران-

قیمت خارجی آنها را از چشم "نامحرمان" که

همان طبقات زحمتکش هستند، پنهان میبازد.

(تلخیص از "پیکار" کردستان شماره ۴)

تشریرین و بیلامنیسم ما میدانیم که آنها الا ن درجه وضعیتی به سرمیبرند چه درحالیکه آنها موردتجا و زر زیم بیعت هستند، ما خودمان در زیر فشار رویش در دنیا هر رژیم جمهوری اسلامی قرار داریم.

هم میهنان جنگ زده بیویزه مردم خوزستان

با دیدار ندنگه همچنان نگه رژیم بیعت عراق مساعد

مدارس و بیمارستانها را بسباران میکند و ب

مردم بی دفاع حمله میاورد و همچنان نگه مردم

آنجا زیر فشار هستند رژیم جمهوری اسلامی در

کردستان مساعد، مدارس و بیمارستانهای سنج

سقریانه و میبازد با داراها بسباران کرده است

و به روستاها حمله میبرد و بدمردمی دفاع زنهار

و بچه ها و حتی به روحانیون رحم نمی کند و آنها

را قتل عام مینماید اما مسلم با آنها اظهار

## “جنگ” تحت الشعاع “جنگ قدرت”

بوقهای تبلیغاتی رژیم، کارزار نیرو - مندی بر سر پیروزیهای بزرگ بر ارتش عراق - بر آه نداد خسته اند و میگویند، تبلیغات گسترده - شان بر بحران گسترده کنونی جا معه - کشیده و با جذب توده های متوهم، از مغز در تر شدن رژیم جلوگیری کنند.

از سوی دیگر لیبرالها و حزب هریک می - گویند بیشترین استفاده تبلیغاتی را از هجوم اخیر برینند، اینکجا بعدا بدین هجوم تا چه اندازه ای است، اکنون مورد بحث ما نمیشود بلکه می - خواهد بود، چگونه عقب نشینی و یا حمله نکست ها و پیروزیها در جنگ بر مبنای اینکجه - کدا میک بیشتر بود کدا م جناح انجام می - برد، مثلا لبه میشود، اکنون مسئله اصلی در حاکمیت، جنگ قدرت جناحهای رقیب است و بدین ترتیب همه مسائل بسیار مهم و اساسی دیگر از جمله جنگ در ارتباط با تائیری که در تاسب قواد در درون هیات حاکمه ایجاد میکنند، دیده میشود، آری کشتار توده های ایران و عراق، آوارگی زحمتکشان جنگزده و فلاکت و تیره روزی زحمتکشان ایران نیز میدانگای برای زورورزی جناحهای رقیب برای کسب قدرت بیشتر است، همین حمله اخیر در هفته گذشته در نظر بگیریم، طبیعی است احقانه نخواهد بود - اگر همچنانکه حزب جمهوری برای استفاده تبلیغاتی بود خود، آنرا تائیری از پها م آیت الله منتظری میدانند - تدارک آنرا دوسه روزه و آنهم پس از تلگرام منتظری به امام جمعه ها زبدا نیم، چرا که یک حمله نظامی به یک تدارک گسترده و برینا مریزی شده از مذهبسی پیش نیاید - استانتا متنها سوال اصلی کسه در

## یادداشتهای سیاسی هفته

اینجا مطرح میشود این است که چرا این حمله اکنون و پس از این تلگرام آغاز شد؟ آیا نمی - توان گفت که لیبرالها (و ایضا ارتش) از پیش تدارک این حمله را دیده، منتها منتظر بهترین فرصت برای استفاده تبلیغاتی بیشتر در جهت بهبود وضعیت خود در ترکیب هیات حاکمه بودند؟ و آیا جناح حزب متوجه این نیرنگ نشده بودند؟ در واقع میتوان گفت بغلت سرکردگی حزبها در حاکمیت، لیبرالها تنها جرم میخواستند - موکول به زمانی بکنند که بیشترین تاثیر را در بهبود وضعیتشان در حاکمیت داشته باشند - از سوی دیگر با اتخاذ موضع "پوزسیون"، در مقابل حزبها میگویند، دلیل شکست و نیز عدم تمسک به عراقیها را تائیر استهای حزبها قلمداد کنند. بنی صدر مشخصا در ملاقاتش با آیت الله خمینی (مندرج در کتابها) در ۱۶ دی چاب شده است (علت عدم حمله را اقدامات حزبها عنوان میکند: "امام گفتند: بدین است در باره حمله صحبت میشود، اما حمله نمیشود، چرا؟ در جواب مسئله عوامل مادی تجهیزات و غیره که با بدما به بشود تا این حمله صورت بگیرد با اطلاع ایشان رسید، اما من گفتم، گمان من این است که عوامل غیر مادی موثرترین جنگ روحیه میخواند، فرماندهان بدجرات کنند طرح نظامی خود را با علم به اینکه ممکن است به پیروزی با عدم موفقیت بیانجامد، به اجرا بگذارند، چه کسی میتواند در این جوسایسی - تبلیغاتی که ظرف ده روز گذشته ایران داشت به خودجرات جنگ بدهد؟"

علاوه بر این تاختن تصمیمگیران در حاکمیت بقیه از صفحه ۲۸

## بن بست دولت رجائی و راه حل های "حزبها"

سخنان آیت الله خمینی، بهشتی، خامنهای و رجائی در هفته گذشته، به موضوع ضعف و عدم توانایی آنان در مقابله با بحران کنونی جا معه است.

بحران سرما به داری و بسته بران، علیرغم سرنگونی رژیم شاهان، اما در میان ما، چرا که حاکمان جدید قدرت نیز به حفظ و حراست و باز - سازی همان سیستم بحران زده پرداختند و بدین - ترتیب بتدریج توده ها، برای حل مسئله اساسی انقلاب به مقابله با نگهبانان جدید این سیستم کشیده شده و با زهم قاطع و در ابعسا دی وسیعتر کشیده خواهد شد، بدین لحاظ سخنان هفته گذشته رهبران جناح حزبی حکومت که مدتی است سرکردگی حاکمیت را نیز در دست دارند، از اهمیت فراوانی برخوردار است، آنان حاکمیت را از یک موضع تدافعی وضع به بن بست کنونی دولت اعتراف کرده و به راه حلها برای رفع بحران پرداختند، که تا توانی و عدم قدرت مقابله با بحران از هم اکنون از سروروی این راه حلها میبارد، در حقیقت سخنان هفته گذشته رهبران جناح حزبی حکومت بیانگر پیشروی بیشتر جنبش انقلابی و عمیقتر شدن بحران جا معه از یکسو و توان نترگردیدن حاکمیت در مقابل به با این بحران و به موضع تدافعی رانده شدن دولت از سوی دیگر بود.

اولا - اعتراف به ضعف بن بست. واقعیت آنقدر آشکار است که نمیتوان، آن را پوشاند. "حزبها" که از یکسو، جمهوری اسلامی را در خطر جنبش توده های بیبند و از سوی

بقیه در صفحه ۲۹

### در سومین سالگرد قیام قم

## خاطره دلآوری های مردم مبارز قم را گرامی میداریم

شاه قرار داد شدند در میدان مبارزه نهادند. قیام خونین مردم قم و بزرگداشت شهدای آن حرکت های مبارزاتی مردم قهرمان شهرهای مختلف ایران را پدید آورد. در جهلم قیام قم بود که مردم دلاور تبریز حماهای از مبارزه و دلاوری

۱۹ دیماه ۱۳۵۶ مردم مبارز قم قیام در برابر ظلم و ستم و استعمار و دیکتاتوری و سیدادگریهای رژیم مزدور شاه قدرت توده های مبارزانما پیش گذارند. رژیم شاه که با آنکاه به ارگانهای سر - کوبگرو تا به دندان مسلح خود میگویند از بهیم خوردن آنرا مشا ارتجاعی "نظم" حاکم جلوه گیری نماید، چکمه پوشان مسلح را به مصاف توده های مبارز فرستاد و دودها کشته و زخمی بجای ما ند، قیام مردم قم در ادامه جنبش توده های زحمتکش "تاریخ محدود" و بدنیال تشدید بحران موجود در جامعه علاوه بر زحمتکشان، اقشار متوسط جامعه و... که در زیر فشارهای سیاسی - اقتصادی رژیم

بوجود آوردند. مبارزاتی که تا قیام بهیم ماه ۱۳۵۷ همچنان سر بر سر خود را طی میکرد. اما این مبارزات بخاطر حاکم نبودن رهبری انقلابی زحمتکشان و فقدان گردان رهبری کننده آنان نتوانست پیروزی مردم را در قدرت انقلابی آنان تجسم بخشد و چنان شد که همه آگاهیم.

در سومین سالگرد قیام خونین مردم قم، یاد دلاوریها و قهرمانی های توده های مبارز را گرامی داشته و این بزرگداشت را با تشدید و گسترش مبارزه برای رهایی زحمتکشان تجسم خواهیم بخشید.

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست